H A F T - E - S O B H D A I L Y

هفت صبح

روزنامه فرهنگی، اجتماعی
شهری واقتصادی ایران
یکشنبه | ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ | شماره ۴۰۴۷
۱۲ صفحه | قیمت ۱۰۰۰۰ تومان
www.7sobh.com
@haftsobh_news
@haftsobh

گزارش «هفت‌صبح» از شهر یه نجومی مدارس غیرانتفاعی و شگرد مدیران برای دور زدن قانون

تحصیل لاکچری

● سخنگوی سازمان معلمان از اختلاف ۱۵ برابری شهریه بین گران‌ترین و ارزان‌ترین مدارس غیرانتفاعی می گوید

● برخی مدارس غیردولتی با فرم‌های صوری، شهریه مصوب را دور می‌زنند صفحه ۶

گفت‌وگو با رشید وطن‌دوست به بهانه تجلیل در جایزه سرو ایرانی

اپرا زنده است چون رشید هنوز آواز می خواند

● بعد از انقلاب اپرا و باله تعطیل شد، سمفونیک حماسی روی صحنه رفت

● رشید وطن‌دوست حتی در جبهه‌های جنگ هم اجرا داشته است

صفحه ۴

درباره مجازات‌های جایگزین خلاقانه که از ورود افراد به زندان جلوگیری می کند

شما محکومید به تهیه کتاب

خرید کفش برای دانش آموزان، آموزش شیرینی‌پزی به زنان نیازمند و کاشت و مراقبت از ۵۰۰ نهال از جمله مجازات‌های جایگزینی است که قضات برای محکومان تعیین کرده‌اند

صفحه ۹

نگاهی متفاوت به مهم‌ترین حاشیه‌ها و اتفاقات فستیوال کن در ۸۷ دوره گذشته

تقاطع سیاست، مد، سینما و جنجال در قلب فرانسه

کن ۲۰۲۵ نه‌فقط جشنواره‌ای هنری بلکه صحنه‌ای برای بیان دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی شده است

صفحه ۵

آسه‌آن+۳ علیه یکجانبه گرایی اقتصادی آمریکا صف‌آرایی می کند

چیانگ‌مای بیدار شد

● ابتکار چیانگ‌مای با منابع ۲۴۰ میلیارد دلاری برای مقابله با بحران‌های ارزی طراحی شده است

● چیانگ‌مای ابتکاری مالی میان کشورهای آسه‌آن+۳ است که با هدف تقویت ثبات اقتصادی، مقابله با بحران‌های ارزی و کاهش وابستگی به غرب ایجاد شده است

صفحه ۳

رهبر انقلاب در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور:

تامین ایمنی کارگران باید به صورت جدی پیگیری و اجرا شود

صفحه ۲

بررسی دلایل ناکامی پروژه‌های دوچرخه‌سواری در تهران، از «بیدود» تا بی‌دوچرخه

دوچرخه‌ها خاک می خورند مدیران ژست می گیرند

مدیران شهری طرحی را برای دوچرخه‌سواری در تهران آغاز کردند که هیچ برنامه‌ای برای تداوم و فرهنگ‌سازی در آن پیش‌بینی نشده بود

صفحه ۲

پروژه ال‌ان‌جی؛ میلیاردها دلار دود شد
حالا نوبت نجات پروژه است، علی خیراندیش توضیح می‌دهد

گاز داشتیم، مشتری داشتیم فقط تصمیم نداشتیم

پروژه ایران ال‌ان‌جی با سرمایه گذاری ۱/۸ میلیارد دلاری سال‌هاست متوقف مانده است

صفحه ۸

قوس کف پا؛ راز پنهان مصدومیت ستاره‌های فوتبال ایران

قلب دوم فوتبالیست‌ها

● طراحی کفی طبی، عملکرد بازیکنان را در زمین فوتبال به شکل چشمگیری بهبود می‌بخشد

● برخی بازیکنان پس از حضور در خارج از ایران به اهمیت کف‌پا پی بردند

صفحه ۱۱

اختلاف دو همسایه بر سر صدای گربه خانگی در باغچه ساختمان به درگیری مرگبار کشیده شد

گربه بهانه قتل

● متهم در دادگاه ادعا کرد ابتدا خانواده مقتول به او حمله کرده بودند

صفحه ۷

گوگل، جاسوس دیجیتال

غول فناوری به دلیل اتهامات نقض حریم خصوصی کاربران از طریق جمع آوری غیرقانونی داده‌ها ۱.۴ میلیارد دلار به ایالت تگزاس پرداخت

صفحه ۱۰

گفت‌وگو با قیس یساقی نویسنده و کارگردان نمایش «مَثلِث»

مثلث، جهانی که در یک توالت عمومی شکل می گیرد

صفحه ۴

گزارش هفت‌صبح از هزینه‌های نگهداری حیوانات خاص در ایران

سرگرمی تازه پولدارها

نگهداری از حیوانات خانگی خاص مانند ببر و میمون، هزینه‌هایی بیشتر از اجاره خانه دارد

صفحه ۳

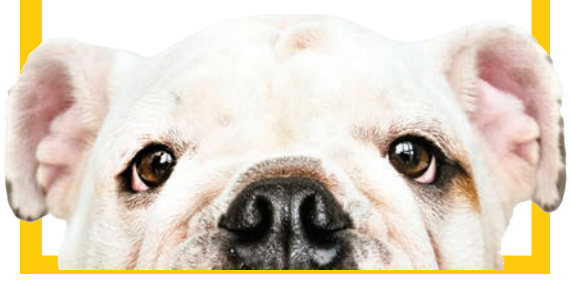

گزارش

شهردار زواره در گفت‌وگو با هفت‌صبح مطرح کرد:

بافت تاریخی زواره در مسیر احیا و بازگشت زندگی

مرتضی صادقی شهردار زواره: مدیران سابق میراث فرهنگی از اطلاعات اولیه بافت تاریخی زواره بی‌اطلاع هستند

زواره، شهری با قدمتی هزار ساله و معماری منحصربه‌فرد، امروز درگیر یکی از جدی‌ترین بحران‌های هویتی خود است؛ بحرانی که ریشه آن نه فقط در فرسودگی کالبدی، بلکه در خروج تدریجی ساکنان از بافت تاریخی شهر نهفته است. بافتی که روزگاری مملو از زندگی، آیین، فرهنگ و مناسبت‌های مذهبی بود، اکنون با خانه‌های متروکه، گذرهای خاموش و دیوارهایی که هر روز بیش از دیروز فرو می‌ریزند، مواجه شده است. اظهارنظرهای اخیر از سوی برخی کارشناسان میراث فرهنگی درباره شهر زواره با بازتاب‌های فراوانی روبه‌رو شد. از این‌رو سراغ مدیریت شهری زواره رفتیم تا این موضوع را از زاویه‌ای دیگر بررسی کنیم. گفت‌وگوی «هفت صبح» با مرتضی صادقی، شهردار زواره، تلاشی است برای شنیدن صدای مدیریت محلی و بررسی چالش‌هایی که در مسیر حفظ و احیای این بافت تاریخی قرار دارد.

● کارشناسان میراث فرهنگی نسبت به تخریب تدریجی بافت تاریخی زواره هشدار می‌دهند؛ گاه به دست مالکان، گاه به واسطه تصمیمات شهرداری. به عنوان مثال، گفته می‌شود برخی خیابان کشی‌ها که مبدا و مقصد مشخصی ندارند، بخش‌هایی از معماری تاریخی شهر را نابود کرده‌اند. زواره، شهری با پیشینه‌ای کهن و برگرفته از شاهنامه، سال‌هاست در فهرست آثار ملی ثبت شده. اما بنا به گفته کارشناسان، وسعت بافت ثبت‌شده از ۸۵ هکتار در سال ۱۳۸۱ به حدود ۳۶ هکتار کاهش یافته است. نظر شما به عنوان شهردار زواره چیست؟

نخست باید بگویم بخش‌هایی از آنچه در این گزارش آمده، به نظرم بزرگ‌نمایی شده است. درست است که چالش‌هایی وجود دارد، اما نگاه کلی به وضعیت بافت تاریخی شهر باید منصفانه‌تر باشد. بافت تاریخی زواره یکی از باارزش‌ترین نمونه‌های بافت‌های تاریخی ایران است. این بافت دارای ساختاری شطرنجی با آثار کم‌نظیری چون مسجد جامع چهار ایوانی، مسجد بنکویه، بازار تاریخی، خانه‌های چهارصفه‌ای، شش‌صفه‌ای و سه‌صفه‌ای، خانه «هشت‌بهشت»، حسینیه‌های بزرگ و کوچک و دیگر بناهای شاخص تاریخی است.

● در گزارش ما اشاره شده بود که سال ۱۳۸۱، بافت تاریخی زواره با وسعت ۸۵ هکتار در فهرست آثار ملی ثبت شد. امروز اما از آن تنها ۳۶ هکتار باقی مانده است. شما چه نظری دارید؟

بر اساس اسناد رسمی و نقشه‌هایی که سازمان میراث فرهنگی در زمان ثبت بافت به شهرداری ابلاغ کرده، مساحت واقعی بافت تاریخی ثبت‌شده ۳۴.۵ هکتار است. این مساحت با شماره ثبت ۶۱۴۴ در فهرست آثار ملی ثبت شده است. حالا جای تعجب است که یکی از مدیران پیشین میراث فرهنگی که خود در زواره متولد شده و زمانی معاونت میراث فرهنگی را بر عهده داشته، عدد ۸۵ هکتار را به عنوان وسعت بافت تاریخی اعلام می کند. این تفاوت فاحش در عدد، نتیجه اطلاعات غلطی است که متاسفانه سال‌ها در تصمیم‌گیری‌ها تاثیر گذاشته‌اند.

ما گرفتار گزارش‌هایی هستیم که بر مبنای اطلاعات نادرست نوشته شده‌اند. متاسفانه بسیاری از مدیرانی که درباره بافت زواره تصمیم گرفتند، نه شناخت دقیقی از منطقه داشتند و نه در آن زندگی کرده‌اند. نگاه از راه دور، از پشت میزهای پایتخت، نمی‌تواند برای شهری مانند زواره حیات‌بخش باشد. حفظ و احیای بافت، نیاز به حضور در صحنه دارد، نیاز به زیستن در همان مکان. من درباره تک‌تک خانه‌ها و معابر این ۳۴ هکتار با مستندات صحبت می کنم و آماده‌ام همه اطلاعات را شفاف ارائه دهم.

● با این حساب، شما کاهش مساحت بافت را قبول ندارید؟

اگر قرار باشد دقیق‌تر نگاه کنیم، حتی همین ۳۴.۵ هکتار هم اغراق‌آمیز است. بخشی از این وسعت شامل قسمت‌هایی در شمال‌شرقی شهر است که به بدنه برج و حصار قدیمی افزوده شده و به این ترتیب وسعت نهایی افزایش یافته است. اگر این بخش‌های اضافه‌شده را نادیده بگیریم، مساحت واقعی حتی کمتر از ۳۴ هکتار خواهد شد.

● شرایط جمعیتی بافت چطور است؟

بر اساس سرشماری سال ۱۳۳۲، حدود ۴۵۰۰ نفر در بافت تاریخی زواره زندگی می کردند. امروز اما، طبق پایش‌های آماری، این تعداد بین ۷۵۰ تا ۱۲۰۰ نفر کاهش یافته است. دلیل اصلی هم مشخص است: محدودیت‌هایی که پس از ثبت بافت تاریخی ایجاد شد، بدون اینکه راه‌حلی برای بهره‌مندی اهالی از املاک‌شان ارائه شود. این باعث شد بسیاری از خانه‌ها خالی، متروکه و رها شوند.

● در دوره مسئولیت‌تان چه اقدامات مشخصی برای احیای بافت انجام داده‌اید؟

من در دو دوره مسئولیت شهری زواره حضور داشته‌ام و منتخب مردم در شورای شهرهم بودم. در آن مقطع، بافت تاریخی یکی از پنج پهنه مشمول تسهیلات بازآفرینی بود. توانستیم تعدادی از مالکان خانه‌های تاریخی چهارصفه‌ای را شناسایی و به این سازمان معرفی کنیم. نتیجه این شد که حدود ۸۰ خانه تاریخی مرمت، بازسازی و بعضاً به اقامتگاه سنتی یا بوتیک‌هتل تبدیل شدند. در دوره جدید نیز پیگیر اجرای «قانون حفظ و احیای بناهای تاریخی» مصوب سال ۱۳۹۸ هستیم. این قانون امکان اجرای طرح‌های پلاک‌به‌پلاک در بافت تاریخی را فراهم کرده است.

● طرح پلاک‌به‌پلاک دقیقاً شامل چه چیزهایی می‌شود؟

در گذشته وقتی از حفظ بافت تاریخی صحبت می کردیم، فقط درباره حفظ کالبد بناها حرف می‌زدیم. اما امروز نگاه تغییر کرده. اکنون باور داریم که احیا فقط زمانی محقق می‌شود که زندگی در بافت جاری باشد. انسان‌ها باید در این فضا زندگی کنند، از املاک خود بهره‌مند شوند، مناسبت‌های فرهنگی خود را برگزار کنند. بر همین اساس، در طرح جدید، هر پلاک در بافت تاریخی به صورت مجزا بررسی شده و راهکارهای مرمت، بازسازی و نوسازی در عین رعایت ضوابط قانونی برای آن ارائه شده است.

● معتقدید که نگاه سلبی میراث فرهنگی باعث کاهش جمعیت در بافت تاریخی شده است؟

کاملاً. متاسفانه در گذشته، تنها نسخه‌ای که ارائه می‌شد، «عدم مداخله» بود. یعنی مردم اجازه نداشتند هیچ‌گونه مرمتی، بازسازی یا حتی بهره‌برداری معمولی از ملک خود داشته باشند. نتیجه چه شد؟ تخریب. وقتی مردم نتوانند از خانه‌شان استفاده کنند، طبیعی است که آن خانه رها شود و از بین برود. هیچ حمایتی هم از سوی میراث صورت نگرفت. الان امیدواریم با اجرای طرح جدید، بافت تاریخی هم حفظ شود، هم زنده بماند.

● و خانه میرزا علی آموزگار، خانه‌ای که تخریب شده است، این موضوع را تایید می کنید؟

نمی‌دانم هدف از این آدرس‌های غلط چیست. در مورد تخریب خانه آموزگار به اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ برمی گردد. امروز اما مدیریت شهری پیگیر تهیه طرح ویژه برای جلوگیری از تخریب و همچنین احیای بافت است. تاکنون یک مورد نیز تخریب توسط شهرداری به منظور توسعه و ساخت گذر انجام نشده است. درواقع چنین مواردی به ادوار گذشته و زمان مسئولیت این بزرگواران در وزارت میراث برمی گردد. یعنی فردی که چندین سال به‌عنوان رئیس پایگاه بافت تاریخی زواره ومسئولیت در معاونت وزارت میراث فرهنگی داشته است و حالا وقایع زمان مدیریت خودش را به نام مدیریت شهری کنونی رقم می‌زنند.

زیست‌بوم

درخت‌کشی در تاریکی

۱۸۰ هکتار «جنگل دست کاشت» اراک قربانی توسعه بی‌قانون می‌شوند

اراک، یکی از آلوده‌ترین شهرهای ایران، حالا نه‌تنها گرفتار دود و غبار کارخانه‌ها و وسایل نقلیه است، بلکه یکی از مهم‌ترین منابع تنفسی‌اش را هم از دست می‌دهد: جنگل‌های دست‌کاشت شمال‌شرقی شهر که روزگاری سپری سبز در برابر حمله آلاینده‌ها بودند، امروز یکی‌یکی قربانی تیشه توسعه‌ای شده‌اند که هیچ برنامه‌ای برای حفظ محیط زیست ندارد.

قصه این جنگل‌ها، با بذرهایی شروع شد که در دهه ۵۰ در دل بیابان‌های اطراف اراک کاشته شدند؛ مساحتی حدود ۱۸۰ هکتار که با درختانی از گونه‌های مقاوم مانند زبان گنجشک و اقاقیا، دیواری سبز بین کارخانه‌ها و بافت شهری ساختند تا دست‌کم کمی از خشم دودها کم شود. اما حالا، این دیوار فرو می‌ریزد؛ به‌جای آن، ساختمان می‌روید، خیابان کشیده می‌شود، و تابلوهای "در دست ساخت" به چشمان مردم دهن‌کجی می کنند.

سیاوش آقاخانی، فعال محیط زیست و مدیرعامل شبکه مردم‌نهاد منابع طبیعی استان مرکزی، از وضعیت موجود به‌درستی با عبارت «دست‌درازی به تنفس اراکی‌ها» یاد می کند. او می گوید: «فضای سبز، عنصر حیات‌بخش کالبد شهر است و جنگل‌های دست‌کاشت، تنها بازمانده تلاش‌ها برای برقراری تعادل بین صنعت و زندگی در اراک‌اند. حذف این نوار سبز، یعنی حذف ریه‌های اراک.» این درخت‌ها فقط یک زیبایی بصری نیستند؛ نقش فیلتر طبیعی هوا، حفظ پرندگان، بازچرخانی آب، و کاهش روان‌آب‌ها را برعهده دارند. با از بین رفتن آن‌ها، آفات بیشتر می‌شوند، بیماری درختان شدت می گیرد و اکوسیستم محلی در آستانه فروپاشی قرار می گیرد.

اما فاجعه فقط به قطع درختان ختم نمی‌شود. آقاخانی هشدار می‌دهد که سرانه فضای سبز در اراک نباید با شهرهایی مثل رشت یا ونیز مقایسه شود. او می گوید: «اراک شهری صنعتی با بار سنگین آلاینده‌هاست. این شهر باید بر اساس شرایط خاصش، سهم بیشتری از فضای سبز داشته باشد.»

در حالی که گونه‌هایی مثل اقاقیا به پایان عمر مفید خود نزدیک می‌شوند، شهرداری نه برای جایگزینی آن‌ها برنامه‌ای دارد و نه مانع ساخت‌وسازها می‌شود. آقاخانی پیشنهاد می‌دهد اداره‌ای مجزا برای محیط زیست شهری در ساختار شهرداری‌ها تشکیل شود تا از نابودی این منابع جلوگیری کند.

در طرف دیگر، حسن قربانی، رییس کمیسیون سلامت شورای شهر اراک نیز در گفت‌وگو با ایرنا اعتراف می کند که «اداره راه و شهرسازی با تکیه بر اسناد، زمین‌هایی را در اختیار گرفته و با تغییر کاربری به‌تدریج این محدوده سبز را به مراکز مختلف ساختمانی تخصیص داده است.» او قول پیگیری می‌دهد و از برنامه‌اش برای مطرح کردن این موضوع در نشست با استاندار مرکزی می گوید، اما به تجربه، این وعده‌ها سال‌هاست تکرار می‌شوند، بی‌آنکه درختی از تبر نجات یابد. امروز اما پرسش ساده‌ای باقی می‌ماند: در شهری که از آلودگی هوا جان می‌سپارد، چرا درخت می‌برند؟ اگر کارخانه‌ها را نمی‌توانیم ببندیم، چرا حداقل سپر دفاعی شهر را حفظ نمی کنیم؟ پاسخ، در غفلت تاریخی، اولویت‌های نادرست مدیریت شهری و فقدان مشارکت عمومی نهفته است. آنچه مسلم است، هر درختی که قطع می‌شود، فقط چوبی برای یک سازه تازه نیست؛ فریادی خاموش است از ریه‌های گرفته شهری که فرزندانش هر صبح با سرفه مدرسه می‌روند. اراک، امروز نیازمند اقدامی فوری، صریح و دلسوزانه برای حفظ آنچه باقی مانده از جنگل‌هایش است. اگر این روند ادامه یابد، روزی نه‌چندان دور، شهروندان اراک به‌جای پیاده‌روی در سایه درختان، با ماسک در سایه دیوارهای سیمانی حرکت خواهند کرد. حالا وقت تصمیم‌گیری است؛ نفس اراک را نجات دهیم، پیش از آنکه نفسش برای همیشه بند بیاید.

دیدار

رهبر انقلاب در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور:

تأمین ایمنی کارگران باید به صورت جدی پیگیری و اجرا شود

رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح شنبه در دیدار هزاران تن از کارگران به مناسبت هفته کار و کارگر، تحقق شعار سرمایه‌گذاری برای تولید را در گرو توجه جدی به کارگران به‌عنوان مهمترین سرمایه کار و یکی از ستون‌های قوام و دوام جامعه دانستند و به الزاماتی همچون تامین امنیت شغلی و ایمنی کارگران، مهارت‌افزایی و شریک کردن کارگران در سود تولید اشاره و خاطرنشان کردند: مصرف کالاها و جنس ایرانی باید به یک فرهنگ در کشور تبدیل شود، البته در کنار فرهنگ سازی باید کیفیت کالاهای داخلی نیز ارتقا یابد.

رهبر انقلاب مسائل کار و کارگری را با سرنوشت کشور مرتبط خواندند و در بیان اهمیت ارزش کار و کارگر گفتند: کارگران عزیز باید قدر خود را بدانند چرا که کسب رزق زندگی و نان حلال با دوری از چپاول گری، مفت‌خواری و دست‌اندازی به مال دیگران و همچنین رفع نیازهای جامعه با تولید محصولات و خدمات، دو خصوصیت با ارزش و مهم کارگر از بُعد انسانی است که نزد خدای متعال، حسنه محسوب می‌شود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین ارزش کار، گفتند: کار، ستون اصلی اداره و دوام زندگی بشر است که بدون آن زندگی فلج می‌شود بنابراین اگرچه علم و سرمایه در انجام کار مهم و تاثیرگذار است اما بدون کارگر، کاری پیش نمی‌رود و این کارگر است که به سرمایه، روح می‌بخشد.

ایشان با اشاره به نام‌گذاری سال جاری به «سرمایه‌گذاری برای تولید» مهمترین سرمایه تولید و یکی از ستون‌های قوام و دوام جامعه را کارگر خواندند و با تاکید بر اینکه سرمایه‌گذاری مالی بدون اراده و توانایی کارگر راه به جایی نمی‌برد، افزودند: به همین علت، دشمنان جوامع از جمله بدخواهان جمهوری اسلامی از ابتدای انقلاب تا امروز در پی آن بودند و هستند که جامعه کارگری را از کار در فضای جمهوری اسلامی منصرف و معترض کنند.

رهبر انقلاب با اشاره به تلاش‌های جریان‌های کمونیستی برای تعطیلی و فلج کردن تولید در ابتدای انقلاب، گفتند: امروز هم همان انگیزه‌ها وجود دارد اما هم آن روز و هم امروز، کارگران ما در مقابل آنها ایستاده و با مشت محکم به دهان آنها کوبیده‌اند.

ایشان با تاکید بر اینکه لازمه صیانت از سرمایه مهمی همچون کارگر این است که بخش‌های مختلف به وظایف خود عمل کنند، درباره «امنیت شغلی» کارگران گفتند: کارگر باید بداند که در شغل خود خواهد بود و بتواند برای زندگی خود برنامه ریزی کند و مطمئن باشد که ادامه کار او وابسته به اراده دیگران نیست.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تعطیلی برخی کارخانجات و واحدهای تولیدی به بهانه‌های مختلف را در چندین سال قبل، ضد امنیت شغلی خواندند و افزودند: برای تعطیلی این واحدها، بهانه‌هایی همچون نبود مواد اولیه یا فرسودگی ماشین‌آلات مطرح می‌شد در حالی که این مشکلات باید علاج می‌شد نه اینکه کارخانه‌ها تعطیل شوند.

ایشان با اشاره به فروش زمین‌های ارزشمند برخی کارخانجات به منظور سودجویی به بهای تعطیلی تولید و اخراج کارگران، تاکید کردند: دستگاه‌های نظارتی و قضایی و همچنین مجموعه دولت مراقبت کنند تا چنین اتفاقاتی تکرار نشود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به موضوع امنیت شغلی از زاویه‌ای دیگر یعنی لزوم تامین امنیت شغلی کارآفرین نیز پرداختند و گفتند: نباید به گونه‌ای برخورد کرد که کارآفرین احساس کند سرمایه‌گذاری و حفظ سرمایه، به ضرر او تمام می‌شود.

ایشان تامین ایمنی کارگر را مسئولیتی مهم برشمردند و با اشاره به اخبار اسف‌بار حوادث معادن در چند سال اخیر گفتند: البته طبق گزارش‌های رسیده، مشکل ایمنی محدود به معادن نیست و تامین ایمنی کارگران در همه واحدهای تولیدی، چه به وسیله الزامات فنی و چه با پوشش‌های تامین اجتماعی باید به صورت جدی پیگیری و اجرا شود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای وظیفه دیگر در قبال جامعه کارگری را مهارت‌افزایی خواندند و افزودند: برای مهارت‌آموزی کارگران، در سازمان فنی و حرفه‌ای و آموزشگاه‌های آن زمینه بسیار خوبی وجود دارد. البته در کنار این آموزشگاه‌ها، شرکت‌های بزرگ هم می‌توانند در حاشیه کار خود مجموعه‌ها و دوره‌هایی برای افزایش مهارت‌های کارگران ایجاد کنند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تامین مسکن کارگران از طریق تعاونی‌های مسکن و یا ایجاد خانه‌های سازمانی در اطراف واحدهای تولیدی را مورد تاکید قرار دادند و در بیان نکته‌ای دیگر با اشاره به مسئله «فرهنگ محیط کار» افزودند: در فلسفه مارکسیستی، محیط کار و زندگی، محیط تضاد و دشمنی است و کارگر باید با صاحب کارخانه دشمن باشد که با این فکر غلط سال‌های طولانی خود و دنیا را معطل کردند اما اسلام، محیط کار و زندگی را محیط ائتلاف و همکاری و هم‌افزایی می‌داند بنابراین در محیط کار هر دو طرف باید صمیمانه به پیشرفت کار کمک کنند.

ایشان صحبت درباره کارگر را منحصر به کارگران صنعتی ندانستند و افزودند: همه کارگران همچون کارگران ساختمانی، مزرعه‌ای، میادین میوه و تره‌بار و بانوانی که در قالب مشاغل خانگی با استفاده از وسایل ارتباطی جدید تولیدات خود را می‌فروشند، باید از لحاظ تامین اجتماعی و سایر الزامات برشمرده شده مورد توجه قرار بگیرند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بخش پایانی سخنانشان با اشاره به سیاست‌های مغرضانه‌ای که در پی به فراموشی سپردن مسئله فلسطین است، تاکید کردند: ملت‌های مسلمان نباید اجازه دهند که با شایعات گوناگون و به میان آمدن حرف‌های بی‌ربط و بی‌معنی، افکار عمومی از مسئله فلسطین و غزه و جنایات رژیم صهیونیستی جدا شود.

بررسی دلایل ناکامی پروژه‌های دوچرخه‌سواری در تهران، از «بیدود» تا بی‌دوچرخه

دوچرخه‌ها خاک می‌خورند مدیران ژست می‌گیرند

● مدیران شهری طرحی را برای دوچرخه‌سواری در تهران آغاز کردند که هیچ برنامه‌ای برای تداوم و فرهنگ‌سازی در آن پیش‌بینی نشده بود

بابک نبی
دبیر گروه سیاست

در سال‌های اخیر، دوچرخه‌سواری در تهران تبدیل به یک نماد شده؛ اما نه لزوما نمادی از توسعه پایدار. گویی چرخ دوچرخه‌ها به جای آنکه بر آسفالت خیابان‌های شهر بچرخد، در گل‌ولای سیاست‌گذاری‌های شتاب‌زده و نمایشی گیر افتاده است.

تهران، این کلانشهر شلوغ و آلوده، سال‌هاست که از معضل ترافیک، آلودگی هوا و کمبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل رنج می‌برد. در چنین شرایطی، ایده ترویج دوچرخه‌سواری در نگاه اول جذاب به نظر می‌رسد؛ هم پاک است، هم کم‌هزینه و هم به نفع سلامت عمومی. اما وقتی این ایده وارد بوروکراسی پیچیده و نگاه‌های نمادین برخی مدیران شهری می‌شود، نتیجه‌اش چیزی شبیه همین می‌شود که امروز می‌بینیم: خطوط دوچرخه‌ای که در عمل کار نمی‌کنند، اپلیکیشن‌هایی که نیمه‌فعال‌اند و دوچرخه‌هایی که یا نیستند یا کسی سوارشان نمی‌شود.

پروژه‌های ترویج دوچرخه‌سواری در تهران در ظاهر حامل پیام توسعه و شهر سبز هستند اما در عمل به ابزارهایی برای نمایش «هم‌گامی با روندهای جهانی» بدل شده‌اند؛ بدون آنکه زمینه‌سازی اجتماعی، فرهنگی و زیرساختی لازم برای آنها انجام شده باشد. به‌عبارت دیگر، این پروژه‌ها بیشتر یک حرکت ویترینی‌اند تا یک برنامه پایدار و کارشناسی‌شده.

واقعیت این است که مدیریت شهری در ایران _ و نه فقط در تهران _ اغلب به جای مواجهه عقلانی با مسائل حمل‌ونقل، به سمت پروژه‌هایی می‌رود که در رسانه‌ها خوب دیده شوند. دوچرخه‌سواری نیز در این میان تبدیل به نماد نوگرایی و همراهی با شعارهای توسعه‌گرایانه شده، حتی اگر در عمل کسی از این نماد استفاده نکند. چند مسیر ناقص و بی‌هدف در خیابان‌های مرکزی شهر و چند اپ دوچرخه اشتراکی، نمی‌تواند جای خالی نظام حمل‌ونقل عمومی منسجم، مسیرهای ایمن و فرهنگ‌سازی گسترده را پر کند.

جالب آنجاست که در برخی دوره‌های مدیریت شهری، استفاده نمادین از دوچرخه حتی جنبه رقابتی پیدا کرد؛ برخی مسئولان شهری با ژست سوار شدن بر دوچرخه مقابل دوربین‌ها حاضر شدند، بدون آنکه این رفتار به سیاست‌گذاری واقعی در حوزه حمل‌ونقل منتهی شود. پروژه‌هایی نظیر «بیدود» (دوچرخه‌های اشتراکی هوشمند) اگرچه در ابتدا با استقبال نسبی روبه‌رو شد اما خیلی زود به دلایل مختلف از جمله ضعف نگهداری، عدم امنیت، نبود زیرساخت، عدم حمایت، سنگ‌اندازی و حتی مشکلات حقوقی و نظارتی، زمینگیر شد.

نتیجه طرح‌های مدیران شهری چیزی شبیه همین شده که امروز می‌بینیم: خطوط دوچرخه‌ای که در عمل کار نمی‌کنند، اپلیکیشن‌هایی که نیمه‌فعال‌اند و دوچرخه‌هایی که یا نیستند یا کسی سوارشان نمی‌شود

در این میان، نبود پیوست فرهنگی نیز آسیب مضاعفی وارد کرد. در شهری که زیرساخت‌ها برای عابران پیاده هم ناکافی‌اند، چگونه می‌توان انتظار داشت که فرهنگ دوچرخه‌سواری بدون کار رسانه‌ای عمیق و برنامه‌ریزی اجتماعی جا بیفتد؟ علاوه بر این، شرایط اقلیمی، تفاوت ارتفاع مناطق شهری و امنیت چالش‌هایی هستند که کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

مانع های پنهان

در کنار همه ناکارآمدی‌های مدیریتی و زیرساختی، یک مانع پنهان اما تأثیرگذار دیگر هم در مسیر توسعه دوچرخه‌سواری در تهران وجود دارد: برخوردهای گاه تندروانه و محافظه‌کارانه با دوچرخه‌سواری بانوان. این موضوع که گویی از دایره تصمیم‌گیری‌های عقلانی خارج شده و وارد فضای مناقشه‌برانگیز فرهنگی و سیاسی شده، یکی از عوامل مهم در شکست سیاست‌گذاری‌های فراگیر و همه‌جانبه در این حوزه است.

واقعیت این است که در بسیاری از کشورها، دوچرخه‌سواری حق طبیعی هر شهروندی است و به‌عنوان نمادی از مشارکت اجتماعی و سبک زندگی سالم شناخته می‌شود. اما در ایران، ماجرا برای زنان پیچیده‌تر است. برخی اظهارنظرهای رسمی و غیررسمی در سال‌های گذشته _ که دوچرخه‌سواری بانوان را یا «نامطلوب» خوانده‌اند یا آن را به رفتارهای «ضدفرهنگی» ربط داده‌اند _ عملا شرایط را برای استفاده نیمی از جمعیت کشور از این وسیله حمل‌ونقل سالم و مفید محدود کرده‌اند.

این در حالی است که در بسیاری از مناطق شهری، به‌ویژه در جنوب و مرکز شهر، زنان و دخترانی هستند که به دلایل اقتصادی، زیست‌محیطی یا سادگی دسترسی، تمایل به استفاده از دوچرخه دارند اما یا با محدودیت‌های غیررسمی و فشارهای تندروها روبه‌رو می‌شوند یا با محدودیت‌های زیرساختی. این محرومیت بی‌سر و صدا، برخلاف شعارهای عدالت‌محور شهری است.

اگر قرار است پروژه‌هایی مثل دوچرخه‌سواری بخشی از مسیر توسعه پایدار و سلامت اجتماعی باشند، نمی‌توان آن را صرفا برای نیمی از جامعه طراحی کرد. حضور زنان در خیابان‌ها، بر دوچرخه یا پیاده، حق مسلم آنان است، بلکه شاخصی است از میزان تاب‌آوری و بلوغ فرهنگی یک جامعه شهری. تداوم این نوع نگاه‌های سلبی، مانع توسعه است و باعث شکاف اجتماعی و تضعیف اعتماد عمومی نسبت به سیاست‌گذاری‌های شهری می‌شود.

دوچرخه‌سواری فقط یک گزینه حمل‌ونقلی ساده نیست؛ آینه‌ای است که سیاست‌گذاری شهری، میزان شفافیت تصمیم‌سازی‌ها و حساسیت‌های اجتماعی را در آن می‌توان دید

چرخ توسعه وقتی می‌چرخد که همه بتوانند در آن سهم داشته باشند. اگر دوچرخه‌سواری قرار است نماد باشد، باید نماد برابری باشد، نه انحصار.

رکاب آخر

با همه اینها، روشن است که دوچرخه‌سواری فقط یک گزینه حمل‌ونقلی ساده نیست؛ آینه‌ای است که سیاست‌گذاری شهری، میزان شفافیت تصمیم‌سازی‌ها و حساسیت‌های اجتماعی را در آن می‌توان دید. اینکه چنین پروژه‌ای با این همه مزیت، هنوز نتوانسته جای خود را در سبک زندگی شهری پیدا کند، نشانه‌ای است از شکاف میان شعار و اجرا و فاصله میان تصمیم‌گیران و واقعیت‌های اجتماعی. ترافیک تهران فقط با آسفالت و اتوبوس و مترو حل نمی‌شود؛ بخشی از راه‌حل در اعتمادسازی، مشارکت همگانی و کنار زدن نگاه‌های تبلیغاتی از مسیر توسعه نهفته است. شاید وقت آن رسیده باشد که دوچرخه از بار نمادینش رها شود و دوباره به همان وسیله ساده و مؤثری تبدیل شود که می‌تواند بخشی از زندگی روزمره شهروندان باشد؛ اگر سیاست از رکابش پیاده شود.

حق غیرقابل معامله تهران، خط قرمز واشینگتن

مقصد، ایستگاه عمان

دیپلماسی بی‌صدا در مسقط، آیا صدای توافق بلند خواهد شد؟

در حالی که تب‌وتاب دیپلماتیک در خاورمیانه بار دیگر بالا گرفته، مسقط، پایتخت آرام عمان، بار دیگر به صحنه‌ای برای گفت‌وگوهای حساس ایران و ایالات متحده بدل شده است؛ گفت‌وگوهایی که علاوه بر منظر فنی، از زاویه نگاه استراتژیک نیز واجداهمیت‌اند.

در چهارمین دور مذاکرات غیررسمی میان تهران و واشینگتن که قرار است این هفته در سطح عالی در عمان برگزار شود، تمرکز دو طرف بر موضوع پرونده هسته‌ای ایران خواهد بود. عباس عراقچی، معاون وزارت خارجه، در اظهارنظری رسمی تأکید کرده که مذاکرات «رو به جلو» است و وارد مرحله بررسی‌های دقیق شده است. وی همچنین از نقش میانجی‌گرانه عمان تقدیر کرده و تاکید داشته که زمان برای گفت‌وگو بیشتر خواهد شد، نه کمتر.

از سوی دیگر، استیو ویتکاف، نماینده ویژه دولت ایالات متحده، در گفت‌وگویی با وب‌سایت بریتبارت، رویکرد آمریکا را به‌طور شفاف تشریح کرده است. ویتکاف که از چهره‌های نزدیک به دونالد ترامپ به‌شمار می‌رود، صراحتاً گفته است که در صورت عدم دستاورد مشخص در نشست روز یکشنبه، ادامه مذاکرات بی‌معنا خواهد بود و «گزینه‌های دیگری روی میز قرار خواهد گرفت».

با این حال، وی نسبت به احتمال ثمربخش بودن رایزنی‌ها ابراز امیدواری کرده و آن را گامی برای «تعامل بهتر» خوانده است.

با وجود فضای رسمی اما دیپلماتیک حاکم بر مذاکرات، نقاط اختلاف همچنان برجای خود باقی است. یکی از اصلی‌ترین موارد، مسئله غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران است. در حالی که ویتکاف با تاکید بر «خط قرمز» آمریکا اعلام کرده که «هیچ‌گونه برنامه غنی‌سازی نباید در ایران وجود داشته باشد»، مقامات ایرانی بارها بر حق مسلم خود برای برخورداری از چرخه کامل سوخت هسته‌ای پافشاری کرده‌اند. عباس عراقچی نیز اخیراً در شبکه اجتماعی X نوشته بود: «ایران حق دارد از چرخه کامل سوخت هسته‌ای برخوردار باشد؛ این موضوع قابل مذاکره نیست.»

نکته قابل تامل این است که آمریکا در این دور از مذاکرات، برخلاف دور نخست ریاست‌جمهوری ترامپ، تنها بر موضوع هسته‌ای تمرکز دارد. ویتکاف در این‌باره گفته: «نمی‌خواهیم گفت‌وگو درباره موضوع هسته‌ای را با مباحث جانبی پیچیده کنیم. مسئله اصلی ما هم‌اکنون پرونده هسته‌ای است.»

این اولویت‌بندی تازه می‌تواند نشان از چرخش نرم در نگاه واشینگتن به تهران باشد؛ تغییری که شاید متاثر از تحولات ژئوپلیتیک منطقه، کاهش احتمال درگیری مستقیم و همچنین افزایش فشارهای داخلی و بین‌المللی برای یافتن راه‌حلی دیپلماتیک باشد. از سوی دیگر، ایالات متحده همچنان به اعمال تحریم‌های تازه ادامه داده که به‌نظر می‌رسد تلاش برای حفظ اهرم فشار در میز مذاکره باشد.

با وجود مواضع به‌ظاهر متناقض، هر دو طرف به‌نوعی بر تمایل خود به تداوم گفت‌وگو تاکید کرده‌اند. منابع نزدیک به مذاکرات خبر داده‌اند که گفت‌وگوها به‌صورت غیرمستقیم برگزار می‌شود و تیم فنی آمریکا در این دور حضور نخواهد داشت، اما در این میان «اسماعیل بقایی» سخنگوی وزارت امور خارجه، با اشاره به حضور هیئت فنی در چهارمین دور از مذاکرات غیر مستقیم ایران _ آمریکا، اظهار داشت: «من می‌توانم در مورد هیئت نمایندگی خودمان اظهار نظر کنم. هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران متشکل از کارشناسان و متخصصان مورد نیاز در این مرحله از گفت‌وگوها، در خدمت منافع عالیه کشورمان است.» از سوی دیگر، با توجه به نزدیکی سفر ترامپ به منطقه، از جمله دیدار با رهبران سه کشور عربی خلیج فارس، انتظار می‌رود نتایج مذاکرات عمان در دستور کار رایزنی‌های آتی منطقه‌ای نیز قرار گیرد.

اگرچه روند گفت‌وگوها هنوز از ابهاماتی رنج می‌برد، اما نکته روشن آن است که فضای دیپلماتیک ایجادشده، فرصتی کم‌سابقه برای دو طرف به شمار می‌رود تا در شرایط پیچیده کنونی منطقه، از طریق مذاکره، راهی برای خروج از بن‌بست بیابند. راهی که بر آینده برنامه هسته‌ای ایران اثرگذار خواهد بود و می‌تواند توازن ژئوپلیتیکی منطقه را نیز دستخوش تحول کند.

گفت‌وگوهای داغ در زیر صدای سشوار

سیاست زیر تیغ قیچی

● آرایشگاه‌های مردانه به محفل جدید نقدهای اجتماعی و سیاسی تبدیل شده‌اند؛ پدیده‌ای که نشان از کمبود فضای گفت‌وگوی عمومی دارد

ایمان برین
هفت صبح

در گذر از خیابان‌های پایتخت، اگر گذارتان به یکی از آرایشگاه‌های مردانه بیفتد، چیزی بیش از صدای قیچی و سشوار توجه‌تان را جلب خواهد کرد: بحث‌های داغی که از اخبار اقتصادی شروع می‌شوند به سیاست داخلی می‌رسند، گاهی تا روابط بین‌الملل ادامه می‌یابند و نهایتاً با طنزی تلخ یا کنایه‌ای گزنده به پایان می‌رسند. گویی در این فضاهای کوچک و بی‌ادعا، نوعی از «نقد اجتماعی» شکل گرفته که نه رسمی است و نه بی‌تاثیر.

تا همین یکی دو دهه پیش، آرایشگاه‌های مردانه عمدتاً مکان‌هایی بودند برای اصلاح مو، معاشرت‌های سطحی و گپ‌وگفت‌های روزمره از نوع فوتبالی و خانوادگی. روی میز آرایشگرها برای مشتریان منتظر پر بود از مجلات رنگارنگ زرد و جدول، اما در سال‌های اخیر، به‌خصوص پس از تحولات سیاسی_اجتماعی گسترده دهه اخیر، به‌وضوح شاهد تغییر کارکرد این فضاها هستیم. به‌نظر می‌رسد آرایشگاه‌ها به تریبون‌های غیررسمی شهروندانی تبدیل شده‌اند که اگرچه رسانه‌ای ندارند، اما دغدغه دارند؛ و اگرچه پشت تریبون نیستند، اما حرف برای گفتن زیاد دارند.

چه شده که اصلاح سر و صورت به اصلاح دیدگاه و تحلیل سیاست گره خورده؟ پاسخ را باید در تغییر بافت اجتماعی، رشد روزافزون فضای مجازی و البته انباشت مطالبات بی‌پاسخ جست‌وجو کرد. در نبود نهادهای گفت‌وگو محور و میدان‌های مدنی واقعی، شهروندان ناگزیرند فضاهای نیمه‌خصوصی را برای بروز و بیان اندیشه و انتقاد برگزینند. درست همانگونه که قهوه‌خانه‌های مشروطه‌چیان روزی مرکز تبادل افکار سیاسی بودند، امروز آرایشگاه‌های مردانه (و البته تا حدی کافه‌ها و باشگاه‌های ورزشی) نقش مشابهی ایفا می‌کنند؛ با این تفاوت که در دل جامعه‌ای مدرن‌تر، پیچیده‌تر و رسانه‌زده. نکته درخور توجه آن است که بیشتر این گفت‌وگوها هرچند رنگ و بوی اعتراض دارند، اما در چارچوب عرف و قانون باقی می‌مانند. نقدها عمدتاً متوجه عملکردهاست، نه اصول. زبان انتقاد، زبان مردم کوچه و بازار است: صریح، گاه تند، اما از جنس همان مردمی که همچنان پای صندوق رای می‌روند و به آینده امیدوارند. در این میان، آرایشگرها _ که خود نیز جزئی از بدنه اجتماعی‌اند _ گاه در مقام مفسر، گاه میانجی و گاه شاکی ظاهر می‌شوند. آنها، بی‌آنکه مدرک علوم سیاسی داشته باشند، از گرانی ارز، رکود بازار، محدودیت‌ها یا وعده‌های عملی‌نشده سخن می‌گویند؛ و همین، اهمیت حضورشان در فضای اجتماعی امروز را دوچندان کرده است. این پدیده، البته بدون مخاطره هم نیست. وقتی آرایشگاه به عرصه تحلیل و نقد سیاسی تبدیل شود، ممکن است از سویی دچار یک‌سویه‌نگری شود و از سوی دیگر، به محل انتقال اطلاعات غلط یا شایعات نیز بدل گردد. به همین دلیل، توجه نهادهای فرهنگی و رسانه‌ای به این فضاهای خاکستری اهمیت دارد؛ چراکه می‌توانند هم آنها را در مسیر آگاهی‌بخشی هدایت کنند و هم مانع از انحراف افکار عمومی شوند. سیاست‌زده شدن آرایشگاه‌های مردانه بیش از آنکه تهدید باشد، هشدار است. هشداری برای مسئولانی که شاید ارتباط مستقیم‌شان با مردم، سال‌هاست محدود شده به گزارش‌های رسمی. وقتی مردم مجبورند حرف‌های جدی‌شان را زیر صدای موزیک و میان اصلاح ریش و موی سر بیان کنند، یعنی جایی برای گفت‌وگوی رسمی و دوطرفه خالی‌ست. این جای خالی را نمی‌توان نادیده گرفت. گوش دادن به صدای مردم، حتی وقتی از پشت آینه آرایشگاه می‌آید، یک ضرورت است؛ صرفا برای جلوگیری از شکاف‌های عمیق‌تر، برای بازسازی سرمایه اجتماعی‌ای که این روزها بیش از همیشه نیازمند مراقبت و ترمیم است.

همانگونه که قهوه‌خانه‌های مشروطه‌چیان روزی مرکز تبادل افکار سیاسی بودند، امروز آرایشگاه‌های مردانه (و البته تا حدی کافه‌ها و باشگاه‌های ورزشی) نقش مشابهی ایفا می‌کنند

گزارش هفت‌صبح از هزینه‌های نگهداری حیوانات خاص در ایران

سرگرمی تازه پولدارها

نگهداری از حیوانات خانگی خاص مانند ببر و میمون، هزینه‌هایی بیشتر از اجاره خانه متوسط دارد

فربد رجبی
هفت‌صبح

سالیان طولانی است که انسان با اهلی کردن حیوانات، از آنها برای کار یا به عنوان همدم و یا بخشی از سرگرمی در زندگی خود استفاده کرده است.

سگ و گربه بیشترین سهم از حیوان خانگی را تشکیل می‌دهند اما طیف متنوعی از پرندگان، آبزیان و خزندگان نیز در میان حیواناتی که انسان علاقه‌مند است در خانه نگهداری کند، دیده می‌شوند. بنابراین بازار خرید و فروش و همچنین وسایل مراقبت از حیوانات خانگی در جهان بسیار پر رونق است. جالب است که نگهداری از حیوانات خانگی در ایران به صورت قانونی پذیرفته نیست، اما پیام محبی، رئیس سابق جامعه دامپزشکان ایران، سال گذشته به «خبر آنلاین» گفت: براساس آمار، سازمان دامپزشکی در سال ۱۴۰۱، چیزی بین ۶ الی ۸ میلیون حیوان خانگی از نوع سگ و گربه در ایران داریم و از هر ۱۰ ایرانی، یک نفر حیوان خانگی دارد. اگر همین آمار را در نظر بگیریم می‌توان متصور بود که بعد از گذشت ۳ سال و افزایش تمایل برای نگهداری از حیوان‌های خانگی در ایران، حالا چیزی بین ۱۰ تا ۱۲ میلیون حیوان خانگی در ایران وجود دارد که بخش زیادی از این تعداد شامل سگ و گربه می‌شوند.

حیوان‌های خانگی عجیب

تخمین زده شده که از هر ۱۰ ایرانی، یک نفر حیوان خانگی دارد. این آمار نشان‌دهنده علاقه روزافزون مردم به نگهداری از حیوانات خانگی است.

عجیب اینکه برخلاف محدودیت‌های موجود، گاه اخباری از نگهداری شیر، ببر، پلنگ، مار پیتون و کروکودیل در خانه‌ها منتشر شده است. حتی این اخبار از وجود تعداد قابل ملاحظه‌ای باغ وحش خانگی خبر داده‌اند.

از سال‌های پیش برخی از مردم در ایران علاقه‌مند به خرید و نگهداری بعضی حیوان‌ها مانند تمساح و انواع مارها به‌خصوص پیتون شده‌اند که در نوع خود عجیب هستند. اخیرا خبری در خصوص نگهداری خانگی یک توله شیر توسط امیرعلی‌اکبری، ورزشکار رزمی کار کشورمان منتشر شد که جنجال زیادی ایجاد کرد و سازمان محیط زیست چند مورد در خصوص این کار به وی هشدار داد.

هزینه‌های مهم نگهداری

اما نگهداری از حیوان‌های خانگی و به‌خصوص سگ و گربه در منزل، هزینه‌هایی را هم خواهد داشت که در ادامه به برخی از مهمترین آنها اشاره خواهد شد.

واکسیناسیون: هزینه واکسیناسیون گربه در سال ۱۴۰۴ بسته به نوع واکسن و برند آن متفاوت است. به طور کلی، واکسن سه‌گانه ایرانی حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان و واکسن سه‌گانه وارداتی حدود ۳۵۰ تا ۵۵۰ هزار تومان هزینه دارد. واکسن هاری نیز حدود ۱۵۰ تا ۲۵۰ هزار تومان و واکسن لوسمی (FeLV) حدود ۳۵۰ تا ۶۰۰ هزار تومان قیمت دارد. برای سگ‌ها نیز واکسن هاری هر عدد ۲۶۱،۰۰۰ تا ۳۴۵،۰۰۰، واکسن پنجگانه سگ هر عدد ۶۷۴،۰۰۰ تا ۸۹۱،۰۰۰ و واکسن سالانه سگ (پس از یک‌سالگی) هر عدد ۸۰۰،۰۰۰ تا ۱،۰۶۰،۰۰۰ تومان متغیر است.

هزینه خوراک: این هزینه برای سگ در سال ۱۴۰۴ بسته به نوع خوراک، برند و اندازه حیوان متفاوت است. به طور کلی، قیمت غذای خشک سگ بالغ بین ۹۰۰،۰۰۰ تا ۲،۶۵۲،۰۰۰ تومان برای هر کیلوگرم است، در حالی که غذای خشک توله سگ ممکن است بین ۶۴۸،۰۰۰ تا ۱،۸۳۶،۰۰۰ تومان برای هر کیلوگرم باشد.

هزینه خوراک گربه نیز در سال ۱۴۰۴ بسته به نوع و برند غذا، حجم بسته و نوع بسته بندی (خشک، کنسرو و غیره) متغیر است. به طور کلی، هزینه غذای گربه خشک در بازه ۹۰۰،۰۰۰ تا ۶،۵۰۰،۰۰۰ تومان برای بسته‌های مختلف از ۱،۵ کیلوگرم تا ۱۰ کیلوگرمی متغیر است. کنسروها هم در بازه ۹۰،۰۰۰ تا ۲۰۴،۰۰۰ تومان برای هر بسته ۸۵ گرمی یا ۱۰۰ گرمی قرار دارند.

هزینه‌های پزشکی و بهداشتی: هزینه پزشکی گربه در سال ۱۴۰۴، به ویژه برای عمل های جراحی مانند عقیم سازی، بین ۲ تا ۵ میلیون تومان برآورد می شود.

هزینه پزشکی سگ هم در سال ۱۴۰۴ بسته به نوع خدمات و کلینیک متفاوت است. به عنوان مثال، هزینه عقیم سازی سگ ماده نژاد بزرگ بین یک تا ۳ میلیون تومان و برای سگ نر نژاد بزرگ بین ۵۰۰ هزار تا ۲ میلیون تومان است، در حالی که برای نژادهای کوچک این اعداد بین ۸۰۰ هزار تا ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تا ۱.۲۰۰.۰۰۰ تومان است.

براساس تماس‌های گرفته شده با مراکز درمانی حق ویزیت در هر بار از ۵۰۰ هزار تومان به بالا شروع می‌شود ولی اگر حیوان‌تان از حضور در کلینیک مضطرب و بی‌قرار می‌شود؛ مجبور به پرداخت هزینه بیشتر برای ویزیت در خانه خواهید شد که این هزینه نیز به هزینه‌های یادشده اضافه می‌شود.

هزینه‌های بهداشتی و آرایشی را هم باید در نظر گرفت. هزینه وسایل اصلاح و شست‌وشوی سگ بسته به اندازه و نژاد، بین ۶۰۰ هزار تا ۳ میلیون تومان و برای گربه بین ۵۰۰ تا ۲ میلیون و پانصد هزار تومان است.

هزینه لوازم بهداشتی مورد نیاز شامل شامپو، برس، ناخن‌گیر و سایر لوازم بهداشتی هم ماهانه حدود ۴۰۰ تا ۱ میلیون و دویست هزار تومان می شود.

حیوان‌های خانگی نیاز به برخی لوازم و تجهیزات دارند که در این خصوص قیمت تخت و تشک مخصوص حیوانات بین ۷۰۰ هزار تا ۲ میلیون تومان بسته به کیفیت و برند متغیر است. اسباب‌بازی و سرگرمی هم جزو نیازهای نگهداری محسوب می‌شوند که هزینه خرید اسباب‌بازی‌های مناسب بین ۶۰۰ تا ۲ میلیون تومان است.

قیمت لباس‌های مخصوص هم از ۳۵۰ هزار تومان تا ۲ میلیون تومان تفاوت دارد.

در این میان برخی از افراد به دلیل مشغله کافی شرایط نگهداری ۲۴ ساعته را ندارند و به همین دلیل باید این حیوان‌ها را به پانسیون‌های مخصوص ببرند. هزینه نگهداری روزانه گربه بین ۲۵۰،۰۰۰ تا ۳۵۰،۰۰۰ تومان و هزینه نگهداری از سگ کوچک بین ۳۵۰،۰۰۰ تا ۴۰۰،۰۰۰ تومان است.

در پایان باید یادآور شد که این هزینه‌ها از سایت‌های اینترنتی به‌دست آمده و بسته به محل زندگی، نژاد حیوان و سطح خدمات متفاوت هستند.

اهمیت خدمات بیمه

بیمه حیوانات خانگی می‌تواند گزینه‌ای هوشمندانه برای کاهش هزینه‌های درمانی و مراقبتی حیوانات باشد. در ایران، برخی شرکت‌های بیمه خدماتی مانند پوشش هزینه‌های درمانی، جراحی، بستری، آزمایش‌های تشخیصی و حتی عقیم‌سازی را ارائه می‌دهند.

مزایای بیمه حیوانات خانگی شامل کاهش هزینه‌های درمانی است چرا که هزینه‌های دامپزشکی می‌تواند بالا باشد، اما بیمه بخشی از این هزینه‌ها را پوشش می‌دهد.

البته بیمه پوشش برخی از بیماری‌ها و حوادث و هزینه‌های درمان را جبران می‌کند.

بازار عظیم خرید و فروش حیوان

در مورد گردش مالی صنعت حیوانات خانگی متاسفانه آمار دقیقی از ایران در دست نیست اما براساس برخی گزارش‌ها این صنعت در جهان ارزشی بالغ بر ۳۵۰ میلیارد دلار در سال دارد و انتظار می‌رود تا سال ۲۰۳۰ ارزش این بازار به ۵۰۰ میلیارد دلار برسد.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، محبوبیت نگهداری از حیوان‌های خانگی در ایران افزایش کم سابقه‌ای داشته است.

به همین دلیل با جستجوی کلیدواژه سگ یا گربه در سایت «دیوار» به بیش از ۲۵ هزار آگهی دسترسی پیدا می‌کنید. در سایت‌های «شیپور» و اینستاگرام هم با همین رقم مواجه هستید بنابراین قابل تصور است که چه بازار عظیمی در این مورد وجود دارد.

یک فعال حقوق حیوانات در همین رابطه می گوید: در کشورهای اروپایی و آمریکا که نگهداری از حیوانات مرسوم و رایج است بر تولید و فروش حیوانات، نظارت دقیقی صورت می‌گیرد و قانون محکمی برای دفاع از آن‌ها وجود دارد ولی در کشور ما هیچ نظارتی بر این امر وجود ندارد و حیوانات افسار گسیخته تولید شده، وارد می‌شوند و بی‌هیچ نظارتی به فروش می‌رسند.

بازار جهانی حیوانات خانگی

- حجم بازار در **۲۰۲۳** حدود **۳۵۵** میلیارد دلار
- پیش‌بینی برای **۲۰۳۰** رشد به بیش از **۵۰۰** میلیارد دلار
- رشد سالانه حدود **۶.۹** درصد در سال
- بیشترین سهم بازار آمریکا با **۴۰** درصد از فروش جهانی
- دومین بازار بزرگ اروپا با پیش‌بینی رسیدن به **۱۳۱.۳** میلیارد دلار تا پایان **۲۰۲۵**
- بیشترین هزینه سالانه در آمریکا، حدود **۱۷۰۰** دلار برای سگ و **۱۰۰۰** دلار برای گربه

نکات قابل توجه

هزینه‌ها در شهرهای بزرگ مانند تهران بیشتر است.

بسیاری از خدمات و اقلام مورد نیاز تابع نرخ ارز هستند.

نبود نظارت صنفی بر فروش و واردات حیوانات و اقلام جانبی، موجب متنوع بودن قیمت و کیفیت شده است.

هزینه‌های نگهداری حیوانات خانگی در ایران (به تومان)

دسته هزینه	شرح جزئی		منبع یا وابستگی اقتصادی
خوراک	غذای خشک/کنسروی، برند داخلی و خارجی	۵۰۰،۰۰۰ – ۱،۰۰۰،۰۰۰ / ماه	وارداتی (ارزمحور) / داخلی بی‌کیفیت
واکسیناسیون	واکسن چندگانه و هاری (سگ)	۲۰۰۰،۰۰۰ – ۳۰۰۰،۰۰۰	داخلی – کلینیک‌های دامپزشکی خصوصی
چکاپ و درمان عمومی	ویزیت سالیانه + جراحی عقیم‌سازی	۱۵۰۰،۰۰۰ – ۵،۰۰۰،۰۰۰	خدمات پزشکی خصوصی / هزینه متغیر بر اساس نژاد و محل
ویزیت خانگی	برای حیوانات مضطرب	از ۵۰۰،۰۰۰ به بالا	خدمات دامپزشکی خصوصی با تعرفه متغیر
بهداشت و آرایش	حمام، شست‌وشو، اصلاح مو	۱۵۰،۰۰۰ – ۸۰۰،۰۰۰	آرایشگاه حیوانات / تجهیزات وارداتی و داخلی
وسایل بهداشتی	شامپو، برس، ناخن‌گیر و غیره	۲۰۰،۰۰۰ – ۵۰۰،۰۰۰ / ماه	وارداتی / تولید داخل بی‌ثبات
وسایل و تجهیزات	تخت، تشک، لباس، کیف حمل	۳۰۰۰،۰۰۰ – ۲،۰۰۰،۰۰۰	اکثراً وارداتی / عرضه از طریق فروشگاه‌های آنلاین
اسباب‌بازی و سرگرمی	توپ، جویدنی، وسایل ذهنی	۵۰۰،۰۰۰ – ۵۰۰،۰۰۰ / ماه	وارداتی یا تولید داخل با کیفیت متنوع
پانسیون شبانه‌روزی	نگهداری موقت حیوانات	۸۰۰،۰۰۰ – ۲،۰۰۰،۰۰۰ / روز	خدمات خصوصی بدون نظارت دولتی

آسه‌آن+۳ علیه یک‌جانبه‌گرایی اقتصادی آمریکا صف‌آرایی می‌کند

چیانگ‌مای بیدار شد

- ابتکار چیانگ‌مای با منابع ۲۴۰ میلیارد دلاری برای مقابله با بحران‌های ارزی طراحی شده است
- چیانگ‌مای ابتکاری مالی میان کشورهای آسه‌آن+۳ است که با هدف تقویت ثبات اقتصادی، مقابله با بحران‌های ارزی و کاهش وابستگی به غرب ایجاد شده است

فرشید فرحناکیان
دکترای حقوق نفت و گاز

در بیست‌وهشتمین نشست وزرای دارایی و رؤسای بانک‌های مرکزی کشورهای عضو آسه‌آن+۳ که در تاریخ ۴ مه ۲۰۲۵ (۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۴) در شهر میلان برگزار شد، جمهوری خلق چین، ژاپن، کره‌جنوبی و کشورهای عضو اتحادیه کشورهای جنوب‌شرقی آسیا (آسه‌آن) بیانیه‌ای مشترک صادر کردند که طی آن مخالفت قاطع خود را با افزایش اقدامات حمایت‌گرایانه تجاری (Trade Protectionism)؛ به‌ویژه سیاست‌های تعرفه‌ای اخیر ایالات‌متحده، اعلام کردند.

در این بیانیه تأکید شده است که تشدید حمایت‌گرایی می‌تواند منجر به تکه‌تکه شدن اقتصاد (Economic Fragmentation) جهانی و ایجاد اختلال در جریان تجارت، سرمایه‌گذاری و انتقال سرمایه در منطقه شود. مقامات این کشورها نگرانی خود را به‌ویژه نسبت به تعرفه‌هایی که دولت ایالات‌متحده تحت ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ از آوریل ۲۰۲۵ وضع کرده، ابراز داشتند. این تعرفه‌ها به‌طور خاص کشورهای جنوب‌شرقی آسیا از جمله میانمار، کامبوج و لائوس را هدف قرار داده‌اند؛ به‌گونه‌ای که نرخ تعرفه برای برخی اقلام صادراتی میانمار تا ۴۴ درصد افزایش یافته است. این اقدامات بخشی از یک سیاست گسترده‌تر تجاری ایالات‌متحده محسوب می‌شود که شامل اعمال تعرفه‌ای به میزان ۱۲۵ درصد بر کالاهای وارداتی از چین نیز می‌شود. این بیانیه نشان‌دهنده اراده مشترک کشورهای منطقه برای مقابله با آثار منفی سیاست‌های تجاری یکجانبه و تقویت ثبات اقتصادی از طریق افزایش هماهنگی و همبستگی منطقه‌ای است. در پاسخ به این تحولات، کشورهای آسه‌آن+۳ ضمن تأکید مجدد بر تعهد خود به اصول چندجانبه‌گرایی و نظامی تجاری مبتنی بر قوانین و عاری از تبعیض، اعلام کردند که در حال بررسی و تقویت سازوکارهایی نظیر «ابتکار چندجانبه‌سازی چیانگ‌مای» (Chiang Mai Initiative Multilateralization) به‌منظور افزایش همکاری‌های مالی منطقه‌ای، ارتقای تاب‌آوری اقتصادی در برابر شوک‌های بیرونی، نمادی از همگرایی مالی در شرق آسیا و نشان‌دهنده تلاش مشترک کشورها برای جلوگیری از وابستگی صرف به نهادهای غربی در مواقع بحران هستند.

ابتکار چندجانبه‌سازی چیانگ‌مای (CMIM) یک توافقنامه مالی منطقه‌ای میان کشورهای عضو آسه‌آن+۳ (۱۰ کشور آسه‌آن به همراه چین، ژاپن و کره جنوبی) است که با هدف تقویت ثبات مالی در آسیا و ایجاد یک شبکه ایمنی مالی برای مقابله با بحران‌های ارزی و نوسانات شدید اقتصادی ایجاد شده است. این ابتکار در اصل در سال ۲۰۰۰ به‌عنوان مجموعه‌ای از توافق‌های دوجانبه تبادل ارزی میان کشورهای منطقه در پاسخ به بحران مالی آسیا در سال ۱۹۹۷ آغاز شد. در سال ۲۰۱۰، این توافق‌ها به یک سازوکار چندجانبه واحد تبدیل شد. هدف اصلی از ایجاد این ابتکار فراهم کردن منابع نقدینگی اضطراری برای کشورهای عضو در صورت بروز بحران ارزی یا فشار شدید بر تراز پرداخت‌ها عنوان‌شده است. این سازوکار در حال حاضر دارای منابعی معادل ۲۴۰ میلیارد دلار آمریکاست و به‌مثابه یک صندوق نجات مالی منطقه‌ای عمل می‌کند. کشورهای عضو متناسب با اندازه اقتصاد خود در این صندوق سهم دارند. چین و ژاپن هر کدام ۸/ ۷۶ میلیارد دلار، کره جنوبی ۳۸/۴ میلیارد دلار و ۱۰ کشور آسه‌آن در مجموع ۴۸ میلیارد دلار به آن اختصاص داده‌اند. کشورها می‌توانند در زمان نیاز از این صندوق درخواست کمک مالی کنند تا از فشار بر ارز و ذخایر ارزی خود بکاهند. این صندوق به‌عنوان مکمل صندوق بین‌المللی پول (IMF) نیز عمل می‌کند و بخشی از کمک‌های آن به شرایط و هماهنگی با IMF وابسته است؛ هرچند کشورهای منطقه در تلاش‌اند تا استقلال بیشتری در تصمیم‌گیری به‌دست آورند. درواقع هدف CMIM ایجاد سازوکاری برای کمک نقدی اضطراری در مواقع بحران‌های ارزی و جلوگیری از تکرار تجربه بحران مالی آسیا در دهه ۹۰ است. تقویت این ابتکار به کاهش وابستگی کشورهای منطقه به نهادهای غرب‌محور مانند صندوق بین‌المللی پول منجر خواهد شد.

این اقدام، بازتابی از یک روند گسترده‌تر در میان کشورهای جنوب جهانی (Global South) است؛ روندی که در بیانیه‌های مشابه اجلاس‌های گروه بریکس (BRICS) نیز مشاهده می‌شود. آنچه در حال شکل‌گیری است، گذار آرام اما مؤثر از نظم تک‌قطبی مالی مبتنی بر دلار به‌سوی نظامی چندقطبی است که در آن کشورهای جنوب جهانی نقش فعال‌تری در تعیین قواعد بازی اقتصاد جهانی ایفا می‌کنند. این روند، اگرچه تدریجی است؛ اما می‌تواند تغییراتی بنیادین در توازن قدرت اقتصادی و سیاسی جهان در دهه‌های پیش‌رو به‌وجود آورد.

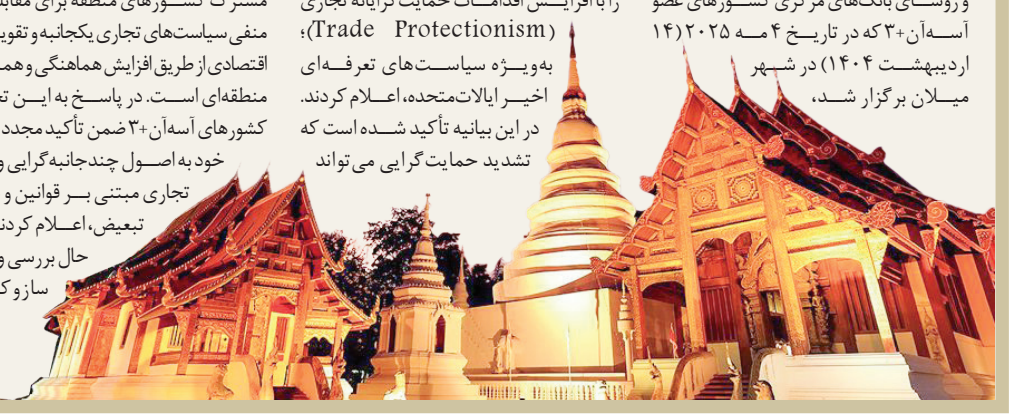

یادداشت

اقتصاد دریامحور اولویتی اعلام‌شده و مسیری نرفته

شیرین فیروزبخت
هفت‌صبح

اقتصاد دریامحور سال‌هاست که در اسناد بالادستی و برنامه‌های توسعه‌ای کشور به عنوان یکی از اولویت‌های نظام حکمرانی اعلام شده است. موقعیت ممتاز جغرافیایی ایران با دسترسی به آب‌های آزاد در جنوب و ارتباط با کشورهای حاشیه خزر در شمال، فرصتی کم‌نظیر برای توسعه حمل‌ونقل، تجارت، انرژی، شیلات و گردشگری فراهم کرده است. اما با گذشت سال‌ها از طرح این رویکرد، آنچه در عمل مشاهده می‌شود فاصله‌ای جدی میان اهداف اعلام‌شده و عملکرد میدانی است.

واقعیت این است که سهم دریا در اقتصاد ملی ایران هنوز بسیار ناچیز است. بنادر جنوب کشور با وجود ظرفیت‌های بالا، همچنان با مشکلات متعددی روبه‌رو هستند؛ از ضعف در اتصال به شبکه‌های حمل‌ونقل ریلی و جاده‌ای مناسب گرفته تا ناکارآمدی در فرآیندهای تخلیه و بارگیری و مدیریت لجستیک. بسیاری از بنادر به‌رغم سرمایه‌گذاری‌های اولیه، عملاً به نقاطی جداافتاده از زنجیره تولید و تجارت داخلی و بین‌المللی تبدیل شده‌اند.

چابهار، به عنوان تنها بندر اقیانوسی کشور که می‌توانست نقش پل ارتباطی ایران با بازارهای جنوب و شرق آسیا را ایفا کند، همچنان از فقدان زیرساخت‌های اساسی، کمبود سرمایه‌گذاری مؤثر و نبود پیوست توسعه منطقه‌ای رنج می‌برد. در سواحل مکران، به‌رغم چشم‌اندازهایی که برای آن ترسیم شده، سرعت پیشرفت پروژه‌ها پایین و ناهماهنگ است. این مناطق با ظرفیت بالا برای اشتغال‌زایی، هنوز نتوانسته‌اند در معادلات توسعه‌ای کشور جایگاه شایسته‌ای پیدا کنند.

در شمال کشور نیز بنادر حاشیه خزر با چالش‌های مشابهی مواجه‌اند. ضعف ناوگان دریایی، نبود تجهیزات مدرن و تعامل محدود با کشورهای همسایه باعث شده‌اند تا این منطقه به‌جای تبدیل شدن به کریدور اقتصادی فعال، همچنان در وضعیت نیمه‌فعال باقی بماند. همچنین صنایع شیلاتی و گردشگری دریایی به‌دلیل سیاست‌های متناقض، نگاه مقطعی دولتی و فقدان حمایت پایدار، نتوانسته‌اند نقشی موثر در توسعه مناطق ساحلی ایفا کنند.

مشکل اصلی، در ناهماهنگی نهادهای مسئول، نبود برنامه‌ریزی یکپارچه و نگاه تمرکزگرای غالب بر اقتصاد کشور نهفته است. تا زمانی که توسعه دریامحور صرفاً در اسناد و سخنرانی‌ها مورد تاکید باشد و به برنامه‌ای منسجم با ضمانت اجرایی تبدیل نشود، نمی‌توان انتظار داشت که از ظرفیت‌های عظیم دریایی بهره‌برداری موثری صورت گیرد.

اگرچه در سال‌های اخیر برنامه‌هایی برای تقویت زیرساخت‌های بندری، آزادسازی تجارت دریایی و حمایت از سرمایه‌گذاران مطرح شده، اما هنوز موانع ساختاری، ضعف مدیریت و بروکراسی پیچیده مانع از تحقق عملی این اهداف است. توسعه دریامحور تنها با نگاه ملی، تصمیم‌گیری میدانی و مشارکت واقعی بخش خصوصی قابل تحقق خواهد بود.

دریا یک فرصت تاریخی برای ایران است؛ اما فرصت‌ها همیشگی نیستند. اگر امروز درهای تجارت و توسعه از مسیر دریا گشوده نشود، فردا ممکن است این دروازه‌ها به روی ما بسته شود.

طنز

کولر؛ گنج بی‌دفاع تابستان ایرانی

مهرنوش حیدری ننجی
هفت‌صبح

با آغاز فصل گرما، جایی میان اواخر اردیبهشت و اوایل خرداد، در همان روزهایی که آسفالت خیابان‌ها چسبندگی خاصی پیدا می‌کند و گربه‌ها داوطلبانه به سایه پناه می‌برند، ما نیز طبق آیین سالانه خانوادگی، تصمیم به احیای کولر می‌گیریم. موجود باشکوه اما علیل که سال‌هاست در پشت‌بام خانه چونان کشتی به گل نشسته‌ای در انتظار بادبان، ایستاده است.

در نخستین ساعات روز، پدر خانواده با شمایلی خاص شامل زیرشلواری گل‌دار، رکابی راه‌راه و یک پیچ گوشتی معروف به «آچار همه‌کاره» به سوی کولر حرکت می‌کند. جمله‌ای تاریخی را نیز به زبان می‌آورد: «بچه‌ها، کسی به برق دست نزنه. دارم کولر رو راه می‌ندازم.»

در این لحظه اعضای خانواده با نگرانی خاصی که تنها در شرایط فوران آتشفشان یا تعمیر شیر گاز دیده می‌شود، به او می‌نگرند. مادر خانواده نگران از حوادث سال گذشته، با احتیاط می‌پرسد که آیا قرار است دوباره تمام فیوزهای ساختمان بسوزند یا نه؟ پدر با اعتماد به‌نفسِ یک مهندس بازنشسته که عمری سیم‌کشی کرده اما هیچگاه نتیجه نگرفته، پاسخ می‌دهد: «نه». این بار با دقت سیم‌ها را لخت و با دقت بیشتری، پانسمان کرد. پس از مدتی تقلا، کولر صدایی از خود بروز می‌دهد که ترکیبی‌ست از ناله باد در قبرستان و وزش طوفان در بیابان. همگان با لبخند، به نشانه امیدواری، در برابر آن می‌ایستند.

بوی کپک و خزه که به مشام می‌رسد، مادر خانواده با صدایی آرام می‌گوید: «فکر کنم یک چیزی اون تو مرده.» پدر با غرور جواب می‌دهد: «نه، این بوی خنکی‌یه. یعنی کولر سالمه.»

چند لحظه بعد، کولر وارد فازِ «باد گرم با صدای وحشتناک» می‌شود. کسی جرأت نمی‌کند چیزی بگوید. فقط پدربزرگ، با دستمالی مرطوب روی پیشانی، جمله‌ای تاریخی را بر زبان می‌آورد: «من نمی‌دونم این باد خیلی خنکه یا من دارم به دیار باقی می‌رم.»

در همین حال، ناگهان برق قطع می‌شود. همزمان با تاریک شدن چراغ‌ها، صدای نفرین آرامی از سمت مادربزرگ شنیده می‌شود. پدر در حالی که به سقف نگاه می‌کند، با حالتی قهرمانانه می‌گوید: «دیدید گفتم نباید کولر گازی بخریم؟ برق‌رو بدجوری می‌کِشه. اگه کولر گازی داشتیم، الان می‌سوخت و کلی خرج روی دستمون می‌ذاشت. با این قیمت‌های برق و وصل و قطع شدن‌ها، چاره‌ای نیست جز استفاده از همین کولر آبی آبی‌رنگ!» چند ساعت بعد با بازگشت برق، کولر مجددا روشن می‌شود اما این بار دیگر نه باد می‌زند، نه صدا می‌دهد و نور امید را در دل خاموش می‌کند. در این لحظه، سؤالی فلسفی و بنیادین، همان سؤال باستانی، از زبان کوچک‌ترین عضو خانواده مطرح می‌شود: «چرا خنک نمی‌کنه؟»

پاسخی در کار نیست. فقط قبض برق است که چند روز بعد، با پرینتی رسمی و چهره‌ای عبوس، وارد خانه می‌شود. روی قبض نوشته شده: «مصرف شما نسبت به ماه مشابه سال گذشته، برابر با گرمایش یک کره کوچک افزایش یافته است.»

پدر خانواده، با حالتی مغموم، قبض را می‌خواند، سپس به سمت پنکه‌ای قدیمی می‌رود و زمزمه می‌کند: «شاید بهتر باشه به زندگی ساده نیاکان‌مون برگردیم.»

و اینگونه است که کولر، این گنج بی‌دفاع تابستان ایرانی، در نبردی نابرابر میان گرمای ۵۰ درجه، قبض‌های بی‌رحم و افت فشار برق، شکست می‌خورد و بازی را به پنکه کوچک و بادبزن‌های دستی واگذار می‌کند؛ بی‌آنکه خنک کند اما با قدرتی شگفت‌انگیز، رؤیاها را ذوب می‌کند.

گفت‌وگو با رشید وطن‌دوست به بهانه تجلیل در جایزه سرو ایرانی

اپرا زنده است، چون رشید آواز می‌خواند

- بعد از انقلاب اپرا و باله تعطیل شد، سمفونیک حماسی روی صحنه رفت
- رشید وطن‌دوست حتی در جبهه‌های جنگ هم اجرا داشته است

سما بابایی
هفت صبح

اسامی هشت تن از مفاخر برجسته عرصه‌های موسیقی، هنرهای تجسمی، نمایشی و هنرهای سنتی ایران که قرار است در جایزه سرو ایرانی از آن‌ها تجلیل شود، اعلام شد. یکی از این افراد «رشید وطن‌دوست» است. او را می‌توان از آخرین خوانندگانی دانست که در ایران به شکل حرفه‌ای اپرا خوانده و در آثار متعددی به‌عنوان خواننده سولیست حضور داشته است. به همین بهانه در گفت‌وگو با این هنرمند نگاهی کوتاه به زندگی او داشته‌ایم و از او درباره روند فعالیت‌هایش در اپرا سخن گفته‌ایم. «رشید وطن‌دوست» از معدود سولیست‌های باقیمانده از دوران طلایی اپرای تهران و یکی از چهره‌های شاخص آواز کلاسیک در ایران به شمار می‌آید. او را می‌توان در زمره هنرمندانی دانست که در تکوین و تثبیت هنر اپرا در کشور نقش‌آفرینی کرده‌اند. وطن‌دوست از نخستین نسل خوانندگان ایرانی بود که در اپرای ملی تهران در زمان فعالیت رسمی این مجموعه پیش از انقلاب ۱۳۵۷، به عنوان سولیست حضور یافت و در بسیاری از آثار مهم رپرتوار کلاسیک جهانی ایفای نقش کرد.

آزمون تالار رودکی تا سولیست اپرای تهران

او درباره آغاز فعالیت‌های هنری خود می‌گوید: «نوزده ساله بودم که به همراه خانواده‌ام به تهران آمدیم و توسط آقای منوچهر بیگلری‌پور (نوازنده ترومپت ارکستر سمفونیک) خبردار شدم که تالار رودکی، خواننده اپرا استخدام می‌کند. در آن‌جا از من آزمون تست صدا گرفتند و پذیرفته شدم. بعد از آن، آقای عنایت رضایی که مدیر کل اپرای تهران و همچنین کارگردان و خواننده باریتون بود، من را به کلاس‌های آواز هنرستان رودکی در خیابان خارک برد. هنرستان آواز کنار تالار رودکی بود و توسط ایشان و همسرشان (منیر وکیلی) اداره می‌شد. در این هنرستان، معلمانی از آلمان و ایتالیا، تدریس می‌کردند. من در کلاس میکل کازاتو که خواننده باس اپرای ایتالیا بود، صداسازی یاد گرفتم و با آقای سیلویو که زبان ایتالیایی درس می‌داد، کلاس زبان داشتیم.»

وطن‌دوست درباره آن دوران ادامه می‌دهد: «بعد از سه سال آموزش، سولیست اپرای تهران شدم. در آن زمان سولیست‌های دیگری چون «اولین باغچه‌بان»، «سودابه صفاییه»، «منیر وکیلی»، «فاخره صبا»، «پری ثمر» و «پری زنگنه» و همچنین آقایان «اسفندیار قره‌باغی»، «حسین سرشار»، «آلک ملکونیان» و دیگران هم فعالیت می‌کردند.»

در کارنامه هنری وطن‌دوست، ایفای نقش در اپراهای برجسته‌ای چون فلوت سحرآمیز (موتسارت)، دن کارلوس (وردی)، لوچیا دی لامرمور (دونی‌زتی)، اتللو (وردی)، افسانه‌های هوفمن (افنباخ)، ورتر (ماسنه)، آرایشگر سویل (روسینی)، هلندی سرگردان (واگنر)، ریگولتو (وردی)، سالومه (ریشارد اشتراوس)، ایل تابارو (پوچینی)، فالستاف (وردی)، مادام باترفلای (پوچینی)، لاتراویاتا (وردی) و هنزل و گرتل (همپل) به چشم می‌خورد. این مجموعه آثار، تنوع سبک‌ها و دامنه وسیع توانایی‌های صوتی و نمایشی وطن‌دوست را به خوبی نشان می‌دهد.

او حدود یک دهه به‌عنوان سولیست با ارکستر سمفونیک تهران، به رهبری استاد حشمت سنجری همکاری داشت. در این دوران، در اجراهای متعددی از رپرتوار کلاسیک غربی و آثار آهنگسازان ایرانی به هنرنمایی پرداخت. همچنین به مدت پنج سال به‌عنوان سولیست با ارکستر ملی ایران به رهبری استاد فرهاد فخرالدینی همکاری داشت و نقش مهمی در بازآفرینی آثار ماندگار موسیقی ملی ایران ایفا کرد. علاوه بر این، او سابقه همکاری با دیگر ارکسترهای معتبر کشور را نیز در کارنامه دارد و نماینده‌ای از موسیقی کلاسیک ایران در محافل بین‌المللی نیز بوده است.

آزمون ورودی به بورسیه فستیوال اپرای وردی با این وجود وطن‌دوست، سخت‌ترین نقشی که خوانده را «کاسیو» در اپرای اتللو و «جادوگر» در هنزل و گرتل و نقش یهودی در اپرای «سالومه» اثر اشترواس می‌داند: «آهنگ‌ساز اپرای «هنزل و گرتل»، هامپردینگ بود. درواقع آقای عنایت رضایی در وین، هنزل و گرتل را دیده بود که در آن پیتر شرایر (خواننده تنور آلمانی) نقش جادوگر را اجرا کرده بود. ایشان بعد از بازگشت به ایران، کتاب هنزل و گرتل را به من داد و گفت خوب بخوان و با نوازنده‌های پیانو تمرین کن. اگر در این زمینه موفق شوی به تو بورسیه فستیوال اپرای وردی را می‌دهم. در آن زمان سه کورپتیتور بودند که با سولیست‌ها کار می‌کردند تا هر سولیست نقش‌اش را یاد بگیرد. از جمله آنان می‌توان به خانم کارمن والزا کورانو (اهل رومانی بود) و خانم هاینس سوسنیتسا (اهل آلمان) اشاره کرد. برای اجرای آن اپرا، مدت‌ها با یک ارکستر ۶۰ نفره که بیشترشان نوازنده‌های خارجی بودند با رهبری انریکو دِتورا ایتالیایی تمرین می‌کردیم.»

رهبری تا خوانندگی در اختیار خارجیان، ایرانیان مهمان بودند

این خواننده اپرا می‌گوید «در آن زمان، رهبری ارکسترها را بیشتر رهبران برجسته دنیا انجام می‌دادند و تعدادی از رهبران ایرانی از جمله «حشمت سنجری» به عنوان رهبر میهمان فعالیت می‌کردند. آثار اپرایی آهنگسازان ایرانی چون «دلاور سهند» احمد پژمان، «خسرووشیرین» حسین دهلوی و «رستم وسهراب» لوریس چکناواریان نیز استفاده می‌شد.»

استفاده از موسیقی‌دانان برجسته خارجی تنها به رهبران محدود نمی‌شد: «در برخی از برنامه‌هایی که اجرا می‌کردیم از خوانندگان خارجی دعوت می‌شد. برای مثال در اپرای اتللو، نقش دزدمونا را خانم سودابه تاجبخش می‌خواند و یاگو را یک شب، حسین سرشار می‌خواند یک شب، آلدو پروتی و یک شب، تیتو گوبی و خود خواننده اتللو نیز از ایتالیا آمده بود.»

او ادامه می‌دهد: «در آن زمان کارگردانان بزرگی چون لطفی منصوری که تجربه کارگردانی اپرا در آمریکا را داشتند، با ما همکاری داشتند. ایشان اپرای کارمن از بیزه و اپرای آیدا از وردی و فالستاف را کارگردانی کرد. در یک اپرا سه رهبر از جمله رهبر گروه کر، رهبر ارکستر و کارگردان فعالیت می‌کرد.»

اپرا و باله منحل شد، ارکستر حماسی و انقلابی روی صحنه رفت

بعد از انقلاب، اما اپرا به طور کلی از صحنه هنر ایران حذف و فعالیت خوانندگان اپرا نیز متوقف شد. «رشید دوست» می‌گوید: «پس از انقلاب، اپرا و باله منحل شد و تنها ارکستر سمفونیک آن هم با تعداد معدودی نوازنده باقی ماند که تا سال‌ها نابسامان بود. به همین خاطر سولیست‌های اپرا از ایران مهاجرت کردند. برای مثال خانم نیکجو به ایتالیا، پری ثمر به فرانکفورت، روح‌انگیز یشمی به وین، نسرین آذر به سالزبورو، هاگینت وارطانیان به ایتالیا رفتند. در این میان من، حسین سرشار، ساکو قوکاسیان، اسفندیار قره‌باغی و احمد پارسی ماندیم. در آن سال‌ها، زنده‌یاد استاد حشمت سنجری رهبر ارکستر سمفونیک تهران بود و ما به رهبری ایشان، اجراهایی را روی صحنه بردیم که به اجرای رپرتوارهای حماسی و انقلابی اختصاص داشت. آثاری که در آن مقطع تاریخی، با فضای اجتماعی و سیاسی آن روزها هم‌راستا بودند.»

ارکستر سمفونیک در میدان جنگ شلمچه

اما یکی از عجیب‌ترین فرازهای زندگی وطن‌دوست، اجرا در جبهه‌های جنگ است: «با شروع جنگ تحمیلی تصمیم گرفته شد که گروهی از نوازندگان و هنرمندان ارکستر سمفونیک تهران به جبهه‌های جنگ اعزام شوند تا در قالب برنامه‌هایی فرهنگی، برای رزمندگان اجرا داشته باشند. من و تعدادی از همکارانم داوطلبانه اعلام آمادگی کردیم تا در این برنامه‌ها شرکت کنیم. اگرچه تجربه اجرای زنده در شرایط غیرمتعارف را نداشتم و بیشتر به اجرای آثار کلاسیک روی صحنه تالارهای رسمی عادت داشتم، در جریان این سفرها در مناطق مختلفی چون «حاج عمران»، «فاو»، «شلمچه» و چند نقطه دیگر، تحت رهبری نادر مرتضی‌پور، قطعات حماسی اجرا کردیم. جالب آن که این شیوه از اجرا که به نوعی ترکیبی از موسیقی کلاسیک و فضای حماسی و میهنی بود برای رزمندگان تازگی داشت و با استقبال خوب آن‌ها همراه شد.»

او ادامه می‌دهد: «ما در کنار رزمندگانی می‌خواندیم که نه صندلی خاصی داشتند و نه تشریفات معمول. پس از اجرا با همان عزیزان در چادرها غذا می‌خوردیم و ساعاتی را در کنارشان سپری می‌کردیم. این شیوه زندگی و سادگی‌اش برای من که سال‌ها روی صحنه‌های رسمی بودم تجربه‌ای عمیق و انسانی بود.»

سکوت و تنهایی سرانجام بی‌عدالتی با هنرمندان است

با همه این‌ها او نیز چون بسیاری دیگر از هنرمندان از شرایطی که اهالی موسیقی با آن روبه‌رو هستند، دلگیر است: «متاسفانه در سال‌های گذشته شاهد آن بوده‌ام که هنرمندان بسیاری در سکوت و تنهایی از میان ما رفتند. بدون آنکه آن‌طور که شایسته‌شان بود از آن‌ها تقدیر شود. هنرمندانی فرهیخته و وارسته که آثارش در حافظه موسیقایی این سرزمین جاودانه شده‌اند. کسی در دوران حیاتشان به یاد آنان نمی‌افتد و اگر نامی هم به میان می‌آید، وقتی است که دیگر صدایش خاموش شده است. من به عنوان کسی که سال‌ها در حوزه موسیقی فعالیت داشته‌ام، صمیمانه از تمامی متولیان فرهنگی کشور تقاضا دارم که پیش از آن که دیر شود، برای هنرمندان ارزش قائل شوند. وقتی مسئولان فرهنگی نگاه درستی به هنرمندان داشته باشند و از آن‌ها حمایت کنند، مردم نیز به پیروی از این نگاه هنرمندان‌شان را تنها نمی‌گذارند. بی‌توجهی به پیشکسوتان تنها فراموشی آن‌ها را در پی دارد و این بی‌عدالتی است در حق کسانی که عمرشان را صرف اعتلای فرهنگ و هنر این مرز و بوم کرده‌اند.»

گفت‌وگو با قیس یساقی
نویسنده و کارگردان نمایش «مَثلِث»

مَثلِث، جهانی که در یک توالت عمومی شکل می‌گیرد

- نمایشی با برداشت آزاد از سه اثر «مکبث»، «هملت» و «اتللو» شکسپیر

کیارش وفائی
هفت صبح

ایده‌پردازی یکی از مهم‌ترین نکاتی است که می‌تواند در خلق یک اثر نقش موثری داشته باشد. آثار خلاقانه به مراتب بیشتر مورد استقبال مخاطبان که این روزها بسیار هوشمندانه آثار تولید شده را واکاوی می‌کنند قرار می‌گیرد. لزوم برقراری این ارتباط فارغ از ایده‌پردازی باید با پرداختی دقیق و حساب شده صورت بگیرد تا یک اثر با تمام داشته‌هایش در ذهن مخاطب ته‌نشین شود. نمایش «مَثلِث» جزو یکی از این آثار است که با دیدگاهی متفاوت شرایطی را رقم می‌زند که پس از تمدید پنج دوره، در دور جدید در «تئاتر هامون» همچنان مورد استقبال قرار گرفته است. از جوایز نمایش «مَثلِث» باید به برگزیده بهترین اثر اقتباسی از جشنواره پاپتلند قزاقستان، برگزیده بهترین نمایش عروسکی از جشن علی معلم و کسب تندیس حافظ در رشته‌های برگزیده جوایز بهترین اثر، بهترین عروسک‌گردانی و کارگردانی نام برد. با قیس یساقی کارگردان و یکی از نویسندگان این نمایش که در کارنامه خود نگارش و تولید آثاری چون «نیمه پُر لیوان»، «رومولوس»، «جک نارِن» داشته است، به بهانه نمایش جدیدش گفت‌وگو انجام دادیم.

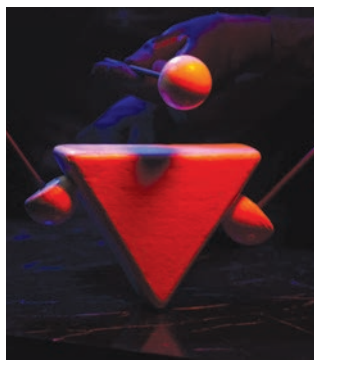

عنوان نمایش را بر چه اساس انتخاب کرده‌اید؟

عنوان نمایش براساس سه اثر شناخته شده شکسپیر «مکبث»، «هملت» و «اتللو» است. با فرم شخصیت اصلی نمایش که ترکیب این سه عنوان برایش در نظر گرفته شده نامش «مَثلِث» است. درواقع ما برای این انتخاب شوخی‌ای با عناوین تراژدی‌های شکسپیر و شکل هندسی نمایش انجام دادیم.

تعریف کمدی سیاه در این اثر بر چه مبنایی به پارودی منجر شده است؟

از منظر پارودی در «مَثلِث» با سه اثر عنوان شده از زاویه‌ای نو و با بیان جدید شوخی کرده‌ایم. از نگاه کمدی سیاه که این اثر هم جزوی از آن حساب می‌شود با دید اغراق شده و با لحن جدی و تلخ وقایع را روایت می‌کنیم که این تصمیم در کلیت خنده‌آور می‌شود.

موقعیت مکانی طراحی شده در اثر تا چه اندازه به تاثیر روایت در ذهن مخاطب کمک می‌کند؟

انتخاب موقعیت مکانی که برای بسط دادن اتفاق‌ها در نظر گرفته‌ایم بسیار به تاثیر روایت کمک کرده است. موقعیت مکانی یک توالت عمومی است. ایده اصلی نمایش از دو شخصیت که در این مکان حضور دارند و تمامی پیش‌آمدهای جهان را در آن‌جا می‌بینند با نگاهی به سه اثر «مکبث»، «هملت» و «اتللو» تعریف شد. روایت اثر در واقع یک روایت انطباق پیدا کرده از ترتیب این سه عنوان است در یک توالت عمومی است که شخصیت‌های ما به ازاء آنها را می‌توان در نمایشنامه‌های شکسپیر و متن این اثر پیدا کنید. به طور مثال «مکبث» در اثر نویسنده اصلی فرمانده لشکر و کودور است، در این نمایش سر در کوریدور توالت عمومی در پاساژ است که ما روایت را از آنجا آغاز می‌کنیم.

آیا می‌توان نمایش «مَثلِث» را یک اثر شخصیت‌محور دانست؟

بله. باید بگویم دلیل آنکه نام نمایش و شخصیت اصلی «مَثلِث» انتخاب شده این است که جهان نمایش از تردیدها، جاه‌طلبی، انتقام‌جویی شخصیت اصلی برآمده. تمامی این خصوصیات از سه اثر شکسپیر وام گرفته شده، که بروز صفات رفتاری و اخلاقی شخصیت نمایش را شکل می‌دهد. از نگاه دیگر دلیل این انتخاب آن است که مهم‌ترین شخصیت این نمایش «مَثلِث» تعریف شده و سایر شخصیت‌ها درواقع به پیشبرد روایت کمک می‌کنند.

اهمیت اینکه از عروسک به جای شخصیت‌های واقعی استفاده کرده‌اید چیست؟

این نمایش به طور انعطاف‌پذیر بی‌آنکه چارچوبی داشته باشد روایت می‌شود، زیرا مکان‌ها، موقعیت‌ها و حتی شخصیت‌ها به سرعت تغییر می‌کنند. اگر این تمهید اجرا نمی‌شد مسائل مورد نظرمان امکان بروز پیدا نمی‌کرد. البته نمی‌گویم که این متن را نمی‌شود به شیوه دیگری اجرا کرد، اما انتخاب ما در مرحله اول این بود که این شخصیت را با چنین شکل و فرمی خلق کنیم تا در ادامه بتوانیم از طریق او روایت‌های بزرگی از جهان ادبیات را روایت کنیم. درواقع انتخاب این عروسک، فرم و هندسه برگرفته شده از علائم داخل توالت‌های عمومی است که آن‌ها را نمی‌توانستیم به شکل دیگری نشان بدهیم.

ارتباط طراحی‌ها با متن ترکیب مورد قبول است که می‌تواند درک یک روایت را از سوی مخاطب تامین کند. اهمیت این اتفاق را در چه می‌دانید؟

سعی کردیم تمامی اجزا و عناصر را به سمتی هدایت کنیم که به مفهوم بودن و پرداخت خلاقانه روایت کمک کند. به این خاطر از هر آن چیزی که اضافه بود کم و فقط چیزهای ضروری را استفاده کردیم. در این نمایش علائم و نشانه‌هایی هستند که به فراخور روایت باید حضور می‌داشتند. طراحی نور، صحنه و حرکت که براساس خاستگاه مینی‌مالیسم کلی اثر باید حضور می‌داشتند.

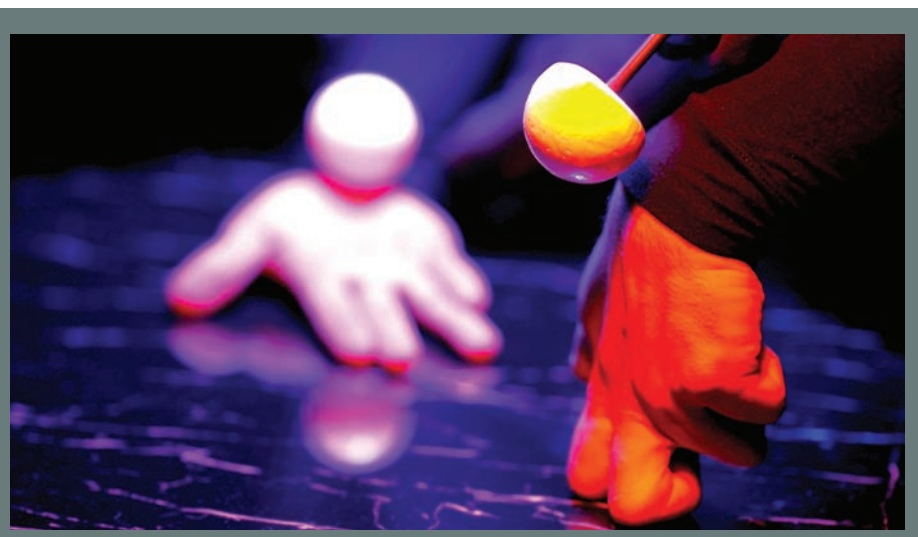

این نگاه از ایده‌پردازی درست یا تاثیر جهان متن بر همه عناصر اتفاق افتاده است؟

تصور می‌کنم همه‌چیز از ایده‌پردازی نشأت گرفته است. زیرا قبل از آن که متنی وجود داشته باشد ایده اجرایی نمایش در اختیارمان بود. این‌طور به فرم نمایش و سپس براساس تلفیق ایده‌های اجرایی و فرم، متن اثر را به نگارش درآوریم. با توجه به داشته‌هایمان دریافتیم متن بسیار به «مکبث» نزدیک است. ما هم یک مرد و یک زن شاخص در اثر داشتیم. در ادامه با پرداخت‌های دقیق‌تر «هملت» و «اتللو» را نیز به متن اضافه کردیم و در نهایت به متنی که اکنون روی صحنه است رسیدیم.

تمهیدتان برای پل ارتباطی بین مخاطب و اثر چه بود؟

تصورم این بود که با تحریک کودک درون مخاطب، او با اثر ارتباط برقرار می‌کند؛ در طول نمایش می‌خندد، آه می‌کشد یا غمگین می‌شود. ما به یک موجود بی‌جان روح می‌دهیم، بعد از باورپذیری زنده بودن این شخصیت است که مخاطب با نمایش ارتباط می‌گیرد و جهان نمایش را می‌پذیرد. حتی دچار همذات‌پنداری هم می‌شود. با همه پیش‌فرضی که داشتیم آنچه در واقعیت اتفاق افتاد خوشبختی بزرگی برای گروه نمایشی ما محسوب می‌شود.

عروسک‌گردان‌ها قوه محرک اثر هستند. کارکرد این نگاه و تصمیم جنبه دراماتیک داشت؟

در واقع ما جهان این نمایش را با عروسک‌گردان‌ها تعریف کرده‌ایم، پس به حتم بخشی از این درام هستند. اتفاقاتی که برای آنان در جهان واقعی افتاده منجر به یک فاجعه و لحظه‌ای دراماتیک در جهان نمایشی عروسکی می‌شود، بنابراین عروسک‌گردان‌ها تاثیرگذار هستند و به صورت مجزا و مستقل در کلیت اثر حضور دارند. ضمن اینکه در پایان نمایش ما باری دیگر به جهان واقعی باز می‌گردیم و تاثیر جهان عروسکی را بر جهان واقعی می‌بینیم. یعنی شاهد تاثیر متقابل جهان واقعی و جهان نمایشی روایت بر یکدیگر خواهیم بود.

در روند کارگردانی برای پرداخت مناسب اثر خود چه نکاتی را مدنظر قرار داده‌اید؟

مهمترین نکته این بود که از مسیر تولید اثر لذت ببریم، ضمن اینکه بسیار برایمان مهم بود تا نتیجه اثر خلق شده را ببینیم که آیا مخاطب از آن استقبال می‌کند یا خیر. درواقع در پروسه تولید اولیه تنها تمرکزمان این بود که گروه بتواند از چیزی که در حال خلق آن هستیم رضایت داشته باشد. اما در طول زمان متوجه شدیم آنچه در نگاه اول برای ما اهمیت داشته باید برای مخاطب نیز چنین باشد. بنابراین سعی کردیم مرحله تولید را به بهترین شکل و دقیق‌ترین حالت اجرا کنیم تا مخاطب آن را درک کرده و با آن ارتباط برقرار کند.

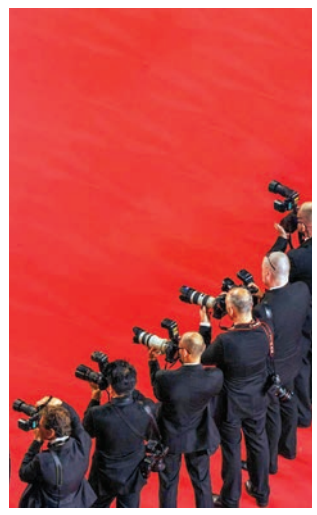

هیات داوران باردپای لومیر

ژولیت بینوش که امسال ریاست هیأت داوران را برعهده دارد، چهره‌ای آشنا برای کن است. تصویری که از او برای پوستر سال ۲۰۱۰ منتشر شد. پابرهنه با قلم‌مویی از نور در دست؛ ادای دینی به برادران لومیر بنیان‌گذاران سینما. حالا او پس از چهل سال حضور پیوسته در این جشنواره از فیلم «قرار» گرفته تا «طعم چیزها» بر صدر می‌نشیند. هیأت داوران امسال با اکثریتی زنانه، چهره‌هایی چون هالی بری، پایال کاپادی و مالی منینگ واکر را نیز در کنار خود دارد. ایـــن ترکیب ادامه روندی است که سال گذشته با ریاست گرتا گرویگ آغاز شد. یورونیوز لبخند بی‌ریای بینوش را «امضای همیشگی کن» می‌نامد.

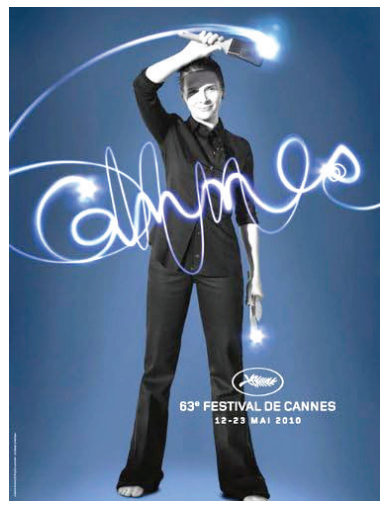

پوسترهایی که بیش از کلمات حرف می‌زنند

فروردین امسال جشنواره با رونمایی از دو پوستر رسمی، حال و هوای جدی خود را آغاز کرد. دو تصویر از فیلم «مرد و زن» ســـاخته کلود للوش، برنده نخل طلا که چهره آنوک اِمه و ژان‌لوئی ترنتینیان را در حال رقصی عَاشقانه روی ساحلی خلوت به تصویر کشیده‌اند. با چرخشی بیست ثانیه‌ای که «چنان زنده اســـت که به دو پوستر نیاز دارد.»

طراح این پوسترها، هارتلند ویلا، هدف خود را بازنمایی «گردباد زندگی در روزگار پرتلاطم» اعلام کرده است. رسانه‌ها آن را ادای احترام به آزادی، پویایی و همچنین یادبودی از این دو بازیگر فقید می‌دانند. یورونیوز این حرکت را «نفی ســـکون» و تجلیل از شـــور زندگی نامیده است. این پوسترها در کنار پوسترهای خاطره‌انگیز سال‌های گذشته مانند تصویر اغواگرانه فیلم «در حال و هوای عشـــق» از وونگ کاروای، تصویر جاودانـــه مرلین مونرو و رقص روی پشت‌بام کلودیا کاردیناله قرار می‌گیرند. جالب آنکه هنوز کسی نمی‌داند عکس مشهور کاردیناله در سال ۱۹۵۹ را چه کسی گرفته اما همان تکه لباس قرمز، تصویر را ماندگار کرده است.

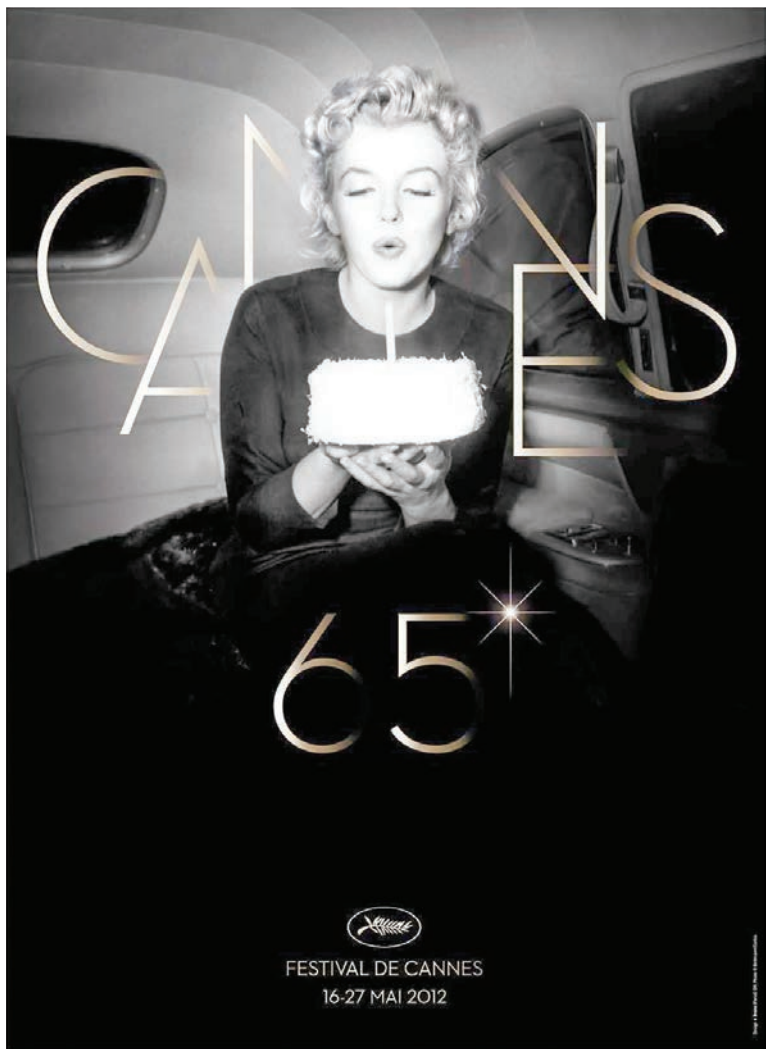

افتتاحیه با فیلم اولی

فیلم افتتاحیه امسال اثری از کارگردان جوان فرانسوی، لو بونن است که نخستین فیلم بلند خود را ســـاخته. این انتخاب در نگاه اول کمی هولناک اســـت چرا که جشنواره‌ای با این سطح از توجه جهانی، معمولا با فیلم‌هایی از نام‌های بزرگ آغاز می‌شود. بونن، با نخستین فیلم بلندش در کنار کارگردانان صاحب‌نامی چون وس اندرسن با فیلم «طرح فینیقی»، آری استر با «ادینگتون»، و لین رمز با «بمیر، عشق من» قرار می‌گیرد. همچنین نام‌هایی چون ماشا شیلینســـکی با فیلم «به خورشید نگاه کن» نیز دیده می‌شود. اتفاقی نادر که جسارت انتخاب مدیران کن را نشان می‌دهد.

نگاهی متفاوت به مهم‌ترین حاشیه‌ها و اتفاقات فستیوال کن در ۸۷ دوره گذشته

تقاطع سیاست مد، سینما و جنجال در قلب فرانسه

● کن ۲۰۲۵ نه فقط جشنواره‌ای هنری بلکه صحنه‌ای برای بیان دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی شده است

نوشین آذرنگ
هفت صبح

هشتاد و هشتمین جشنواره فیلم کن ۲۳ اردیبهشت به مدت دوازده روز (۱۳ تا ۲۴ مه) در فرانسه برگزار می‌شود. امسال بیش از هر زمان دیگری نگاه‌ها متوجه جزئیاتی است که گاهی از چشم خبرهای رسمی پنهان می‌مانند. از پوستر عاشقانه‌اش تا لباس‌هایی که کنش سیاسی شده‌اند، از تشویق‌های ایستاده‌ای که صحنه را به تئاتر بدل می‌کند تا چهره‌هایی که روی فرش قرمز از مد صحبت می‌کنند. این گزارش نگاهی جزئی‌نگر و تصویری به حال و هوای کن ۲۰۲۵ دارد. جشنواره‌ای در تقاطع سیاست، مد، جنجال و سینما. آنچه خواهید خواند روایتی معمول از جشنواره نیست، بلکه کلاژی از روایت‌های پراکنده‌ای است که کن را نه یک رویداد صرفا هنری بلکه یک موجود زنده می‌بیند.

مد به مثابه اعتراض

در جشنواره‌ای که قوانین پوشش لباس سفت و سخت دارد، مد همیشه میدان شورش بوده است. از زمانی که زنان را به‌خاطر پوشیدن کفش تخت به مراسم نمایش «کارول» راه ندادند تاکنون اتفاقات مشابه بارها تکرار شده است.

کریستن استوارت سال ۲۰۱۸ کفش پاشنه بلند خود را وسط فرش قرمز درآورد. جنیفر لارنس در سال ۲۰۲۳ لباس دیور خود را با دمپایی ست کرد و گفت از قانون خبر نداشته. کریس همس‌ورث سال گذشـــته بدون کراوات روی فرش قرمز آمد و دی‌جی کیدی اسمایل در ۲۰۱۹ به خاطر پوشیدن پیراهن گلدار، نزدیک بود از نمایش فیلم «درد و شکوه» باز بماند. ووگ از مامور امنیتی‌ای نقل می‌کند که در سال ۲۰۲۳ به خبرنگارش گفته بود: «رنگ لباس باید مشکی باشد» وگرنه راهی نیست. حتی پابلو پیکاسو هم سال ۱۹۵۳ با کت پوست‌دار روی شلوار مخمل کبریتی قوانین را به‌هم ریخت.

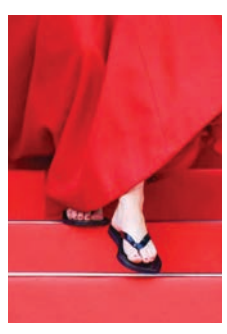

تشویق‌های ایستاده

در کن مدت تشـــویق‌های ایســـتاده همان‌قدر مهم است که فیلم‌ها. ســـال گذشـــته، فیلم «ماده» یازده دقیقه و «کنت مونت کریستو» نزدیک دوازده دقیقه ایستاده تشویق شـــدند. برخی زمان را از شروع تیتراژ می‌شمارند، برخی از زمانی که حاضران می‌ایستند. رکورددارها؟ «هزارتوی پن» (۲۰۰۶) با ۲۲ دقیقه و «فارنهایت ۱۱/۹» (۲۰۰۴) با ۲۰ دقیقه.

کلاسیک‌هایی زیر نور ماه

در بخش «کلاســـیک‌های کن» از ۱۳ مـــه، فیلم «تب طلا» ســـاخته چارلی چاپلین با کیفیـــت ۴K روی پرده می‌رود. فیلم‌های «گلولـــه داغ» از جـــان وو، «طاق» از تنگ شوشـــوئن هم در این بخش حضور دارند. فیلم‌های «عشق سگی، ســـعید افندی» (۱۹۵۵) از عراق و «فراتر از فراموشـــی» از آرژانتین، رنگـــی بین‌المللی به بخش کلاسیک‌ها بخشـــیده‌اند. نمایش‌های شبانه در «سینما دُ لا پلاژ» روی ساحل، رایگان و عمومی برگزار می‌شوند.

جنجال‌هایی که هنوز ادامه دارند

در بخش ACID جشنواره امسال، فیلم «روحت را بگذار کف دستت و راه برو» از سپیده فارســـی به نمایش درمی‌آید. اما در آستانه جشنواره، خبر درگذشت فاطمه حسونه، مستندساز فلسطینی که فیلمش برای همین بخش انتخاب شـــده بود در حمله هوایی منتشر شد. واقعه‌ای که سایه‌ای سنگین بر جشنواره انداخت. سال گذشته نیز سخنرانی جاناتان گلیزر در اسکار علیه اقدامات اسرائیل در غزه با انتقاد شدید لاسلو نمش همراه شد. فیلم تازه او با نام «یتیم» که در مجارستان ۱۹۵۶ می‌گذرد، در جشنواره امسال حضور دارد. کن همچنان صحنه تقابل هنر و سیاست است.

مدهای ماندگار فرش قرمز

ناتالی پورتمن با بازآفرینی لباس مشـــهور «ژونون» از دیور، در اکران فیلم «مه-دسامبر» (۲۰۰۳) همه نگاه‌ها را ربود. از سوی دیگر، کایا گربر با لباس درخشان سلین، کوکو روشا با کت و شلوار ساختارشکن گوراو گوپتا و وینی هارلو با لباسی از آرشیو ژان پل گوتیه حضور یافتند. «دلایلی رز» به مجموعه ۱۹۹۴ شنل ادای احترام کرد و اشلی گراهام با پیراهن شفاف پرادا در حاشیه جشنواره درخشید. تیلدا سوینتن هم با کیف مشبک در نمایش «فارنهایت ۱۱/۹» (۲۰۰۴) همه قواعد را شکست.

اکران‌های مهم و چهره‌های بزرگ

بازگشت تام کروز به کن، همیشه خبرساز است. از شیرجه‌اش در سال ۲۰۲۲ با فیلم «تاپ گان: ماوریک» گرفته تا امســـال با فیلـــم «ماموریت غیرممکن: حساب نهایی» که خارج از بخش مســـابقه نمایش داده می‌شود. اتان کوئن با کمدی معمایی «عزیزم نه» با بازی مارگارت کوالی و کریس ایوانس در بخش شبانه حضور دارد. فیلم‌های دیگری از لاو دیازبا «ماژلان» و هیلنور پالماسون با «عشقی که باقی ماند» نیز از جمله آثار مهم‌اند.

کن، جشنی پویا و در حال حرکت

کن ۲۰۲۵ نه نمایشگاهی از گذشته بلکه صحنه‌ای زنده و سیال است. کارناوالی مدرن در دل سواحل سنتی کوت دازور. از بازیگرانی که پابرهنه روی فرش قرمز قدم می‌زنند تا لباس‌هایی که به بیانیه‌های سیاسی تبدیل می‌شوند. از نخل طلا تا دمپایی، از فیلم‌های نوظهور تا ترمیم شده‌های کلاسیک، همه چیز در کن در جریان است. این جشنواره فقط محل اکران فیلم‌ها نیســـت بلکه آینه‌ای از تحولات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جهان امروز است.

در روزگاری که سینما گاهی در سایه صنعت و پول محو می‌شود، کن همچنان بر زنده بودن هنر هفتم پافشاری می‌کند. زنده نـــه فقط به معنای تولیـــد، بلکه به معنای گفت‌وگـــو، برخورد، تشـــویق و حتی جنجـــال. همین ویژگی‌هاست که به گفته اسکرین دیلی، کن را یک‌بار دیگر به «قلب تپنده سینما» بدل کرده‌اند. قلبی که هر تپش آن، پژواکی در جهان فرهنگ و رسانه دارد.

یادداشت

توهین، جرمی خاموش اما فراگیر در روابط اجتماعی امروز

مریم رسولی
وکیل پایه یک دادگستری

در جامعه‌ای که با تنش‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی گوناگون دست و پنجه نرم می‌کند، افزایش پرخاشگری کلامی، توهین، تحقیر و بدزبانی در روابط میان افراد، تبدیل به پدیده‌ای هشداردهنده شده است. توهین، هرچند ممکن است در نگاه نخست رفتاری ساده و بدون پیامد به‌نظر برسد اما از منظر حقوقی جرم تلقی شده و پیامدهای کیفری مهمی به‌دنبال دارد. طبق ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)، «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک، چنانچه موجب حد قذف نباشد، مستوجب مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا جزای نقدی درجه شش است.» این ماده نشان می‌دهد که قانونگذار نسبت به شأن و کرامت اشخاص در جامعه حساس بوده و هرگونه خدشه به آن را جرم‌انگاری کرده است. مهم‌ترین ویژگی جرم توهین، عمومی بودن آن است؛ به‌عبارت دیگر، نیازی به تحقق ضرر مادی یا معنوی قابل اثبات برای بزه‌دیده نیست، بلکه صرف ایراد لفظ یا رفتار تحقیرآمیز نسبت به دیگری —حتی در خلوت— برای تحقق این جرم کفایت می‌کند، مشروط بر آنکه فرد مرتکب دارای سوءنیت عام (یعنی عمد در رفتار) باشد. در عمل، توهین ممکن است در قالب یک فحش ساده، یا عبارتی دوپهلو و کنایه‌آمیز یا حتی در قالب یک پست در شبکه‌های اجتماعی ظاهر شود. تفاوتی ندارد که محل ارتکاب، حضوری باشد یا مجازی؛ در هر دو صورت، مشمول مجازات مقرر خواهد بود. همچنین، چنانچه توهین در ملأعام یا به فردی دارای سمت رسمی (مانند کارمندان دولت) انجام گیرد، ممکن است تشدید مجازات را به‌دنبال داشته باشد.

از سوی دیگر، باید توجه داشت که میان توهین و نقد یا اعتراض مدنی محترمانه تفاوت اساسی وجود دارد. حقوق شهروندی اقتضا می‌کند که افراد بتوانند نظر خود را بیان کنند، اما هنگامی که این بیان با توهین، تحقیر یا فحاشی همراه شود، از چارچوب آزادی بیان خارج شده و جنبه کیفری می‌یابد. در جامعه امروز که روابط انسانی بیش از گذشته متأثر از فضای مجازی شده، آموزش سواد گفت‌وگو، رعایت ادب در سخن و آشنایی با حدود قانونی گفتار و نوشتار ضرورتی انکارناپذیر است. آگاهی‌بخشی عمومی درباره جرایمی مانند توهین، نه‌تنها از وقوع درگیری‌ها و پرونده‌های بی‌مورد پیشگیری می‌کند، بلکه موجب کاهش بار بر دستگاه قضایی نیز می‌شود. در پایان، شایسته است نهادهای آموزشی، رسانه‌ای و فرهنگی کشور، با نگاه پیشگیرانه، اهمیت رعایت حرمت انسان‌ها و عواقب حقوقی گفتار ناپسند را به مردم گوشزد کرده و زمینه‌ساز گفت‌وگویی مودبانه، مسئولانه و قانون‌مدار در جامعه شوند.

خبر

وزیر آموزش و پرورش: اجازه نمی‌دهم حق هیچ معلمی ضایع شود

وزیر آموزش و پرورش با تاکید بر این‌که پیگیر مطالبات فرهنگیان با کمک مجلس و دولت هستم، گفت: اجازه نمی‌دهم حق هیچ معلمی ضایع شود. علیرضا کاظمی تصریح کرد: امروز آموزش و پرورش پس از ۴۶ سال، اولویت اول دولت قرار گرفته و رئیس‌جمهوری تمام هم و غم خود را صرف این مسائل کرده است و با عنایت دولت چهاردهم و با کمک سران قوا و دستگاه‌های دیگر بخش زیادی از مشکلات آموزش و پرورش مرتفع خواهد شد. وی خاطرنشان کرد: سیاست امروز ما این است که با تمام وجود برای رفع مسائل آموزشی و پرورشی تلاش کنیم و حتما معلمان عزیز بخش‌هایی از این تلاش را می‌بینند. وزیر آموزش و پرورش در ادامه با تاکید بر سیاست دولت در جمع‌آوری مدارس سنگی و کانکسی افزود: به زودی تمام مدارس سنگی و کانکسی برداشته می‌شود و ارگان‌ها و نهادهای مختلف در این امر دخیل شدند. بخشی از مطالبه رئیس‌جمهور از شما معلمان است که کیفیت آموزش، دانش و تخصص باید افزایش پیدا کند. از این رو؛ روش‌های تحولی جدید و اجتماعات یادگیری ایجاد شده و بهترین روش‌های یادگیری را به معلمان آموزش خواهیم داد و در همین راستا؛ هم اکنون الگوی مدرسه تراز سند تحول بنیادین در ۱۰ درصد از مدارس در حال اجرا است. کاظمی با بیان این‌که کیفیت و عدالت جزو مطالبات شخص دکتر پزشکیان است، گفت: امروز شاهدیم که نهضت توسعه عدالت در فضاهای آموزشی با سرعت فزاینده‌ای در سطح کشور رو به حرکت بوده و تمام دستگاه‌های اجرایی نهادهای دولتی و غیردولتی، مردم و گروه‌های جهادی، همگی پای کار آموزش و پرورش آمده‌اند. برای سرعت بخشیدن بیشتر به این جریان، تلاش شبانه‌روزی انجام می‌شود. وی در بخش دیگری از سخنانش با تبیین برخی تلاش‌ها در راستای احقاق حقوق حق‌التدریسی‌ها و داوطلبان آزمون کیفیت بخشی و... اظهار کرد: تلاشمان بر این است شرایط روزبه‌روز بهتر شود. در همین راستا با اخذ مجوز استخدام ۸۵ هزار نیروی جدید در سال ۱۴۰۴ و استخدام ۲۰ هزار نیروی خدماتی در سال گذشته، تغییر و تحول خوبی در بدنه نیروی انسانی روی داده و پیگیر هستیم تا بتوانیم نتایج بهتری بگیریم. من اجازه نمی‌دهم حق یک معلم ضایع شود و پیگیر مطالبات همکاران و داوطلبان با کمک مجلس و دولت هستم.

گزارش «هفت‌صبح» از شهریه نجومی مدارس غیرانتفاعی و شگرد مدیران برای دور زدن قانون

تحصیل لاکچری

- برخی مدارس غیردولتی با فرم‌های صوری شهریه مصوب را دور می‌زنند
- سخنگوی سازمان معلمان از اختلاف ۱۵ برابری شهریه بین گران‌ترین و ارزان‌ترین مدارس غیرانتفاعی می‌گوید

لیلا مهداد
هفت صبح

داستان شهریه‌های مدارس غیرانتفاعی به فصل ترسناکش رسیده است. جایی که اولیاء دانش‌آموزان باید چوب تورم و افزایش هزینه‌ها را چند برابر بیشتر بخورند و سر آخر هم به اجبار دست به جیب شوند و شهریه‌های نجومی پرداخت کنند. باورش سخت است اما پیگیری‌های هفت‌صبح از افزایش ۸۰ تا ۱۰۰درصدی شهریه برخی مدارس غیرانتفاعی خبر می‌دهد. نکته قابل تامل اینکه مدیران مدارس غیرانتفاعی، افزایش قابل توجه اجاره و هزینه‌ها را دلیل اصلی افزایش قیمت شهریه‌ها اعلام می‌کنند. این در حالی است که رقم اعلامی آنها بیش از دوبرابر نرخ تورم سالانه است. گفت‌وگو با اولیای دانش‌آموزان هم نشان می‌دهد اغلب مدیران مدارس غیرانتفاعی به شهریه مصوب وزارت آموزش و پرورش توجهی نمی‌کنند و با شگردهای خاص قانون را دور می‌زنند.

به گفته محمد داوری، سخنگوی سازمان معلمان، ۱۵ تا ۲۰درصد کل دانش‌آموزان در مدارس غیرانتفاعی تحصیل می‌کنند. این در حالی است که ۴۰درصد تمرکز مدارس غیرانتفاعی در ۵کلانشهر است. داوری به «هفت‌صبح» می‌گوید: «البته مدارس غیرانتفاعی در مناطق محروم ۳۰ تا ۵۰درصد از نرخ مصوب پایین‌تر هستند. اگرچه در شمال شهر مدارس غیرانتفاعی گاهی ۲۰۰ تا ۴۰۰درصد بالاتر از نرخ مصوب مطالبه می‌کنند.»

او توضیح می‌دهد: «پایین بودن شهریه مدارس غیرانتفاعی از مصوبه، در شهرهای کوچک‌تر به دو دلیل برمی‌گردد. یکی اینکه خانواده‌ها توان پرداخت ندارند، دوم اینکه هزینه‌های ساختمان، پرسنل و خدمات در این شهرها پایین‌تر است، بنابراین همین شهریه‌های پایین‌تر هم برای آنها صرفه اقتصادی دارد.» سخنگوی سازمان معلمان از اختلاف ۱۵برابری شهریه بین گران‌ترین و ارزان‌ترین مدارس غیرانتفاعی هم می‌گوید.

شهریه ۵۰۰ میلیونی مدارس خاص!

۳۰ تا ۱۲۰میلیون تومان! دخترک امسال قرار است کلاس اول را تجربه کند. شهریه‌های اعلامی مدارس مختلف به اولیا از ۳۰میلیون تومان شروع می‌شود و به ۱۲۰میلیون تومان می‌رسد. کارمند بودن پدرومادر سبب‌شده تصمیم بر مدرسه غیرانتفاعی باشد: «هرجور حساب و کتاب کنید برای کلاس اول مبلغ بالایی است.» مادر «مهلا» بر این باور است این مدارس از شرایط اولیا سوءاستفاده می‌کنند: «به دلیل فوق‌برنامه‌ها دیرتر تعطیل می‌شوند و این نکته مثبتی برای اولیای کارمند است. هرچند همین فوق‌برنامه‌ها بهانه‌ای شده‌اند برای متغیر بودن شهریه در مدارس غیرانتفاعی.» او از همکارانش شنیده مدارس خاص و بین‌المللی حتی تا ۵۰۰میلیون هم شهریه طلب می‌کنند.

چندی پیش هم یکی از خبرگزاری‌ها درباره آگهی یک مدرسه آنلاین نوشت که شهریه آن دلاری و رقمی بین ۹ هزار تا ۱۸ هزار دلار بود.

دوست دارم سری میان سرها دربیاورد

«سیمین» مادر دو پسر است و ساکن مشهد؛ یکی دوره ابتدایی و دیگری متوسطه اول: «امسال برای پسرم که کلاس سوم است ۴۰میلیون خواستند و برای دیگری ۶۰میلیون. مبلغ بالایی است. هزینه فوق‌برنامه‌ها هم هست.» او از آن دسته مادرانی است که دوست دارد بچه‌هایش از هم‌نسلانشان عقب نمانند: «مثل گذشته نیست که تنها مدارس دولتی را داشتیم و همه در یک سطح بودیم. الان مدارس متنوعی وجود دارند. آدم دلش می‌خواهد در حد توان بهترین را برای بچه‌هایش مهیا کند.» همسر «سیمین» با شرکت خارجی همکاری دارد و درآمدش بد نیست: «شرایط مالی‌مان بد نیست اما گاهی اوقات از برخی خواسته‌های خودم می‌گذرم تا بچه‌ها در مدارس خوبی درس بخوانند.» «قاسم» از اهالی یزد است و دختری در مقطع متوسطه اول دارد: «۴۰میلیون شهریه خواستند، البته هزینه سرویس و فوق‌برنامه‌ها هم به آن اضافه می‌شود.» او شغلش آزاد است و سال‌های خیلی طولانی پشت نیمکت‌های مدرسه ننشسته: «خودم دیپلم هم ندارم. دوست دارم «شقایق» سری میان سرها دربیاورد و برای خودش کسی شود.» پدر برای تامین هزینه مدرسه دختر، پولی که به ارث برده را پس‌انداز کرده: «چاره چیست. بچه، سرمایه آدم است، نمی‌شود که به امان خدا رهایش کرد تا جایی که بتوانم می‌فرستمش مدرسه خوب.»

پیش‌ثبت‌نام تنها با نرخ سال گذشته

۱۸مدیر مدرسه عزل شدند؛ به دلیل دریافت شهریه خارج از نرخ مصوب. به همین بهانه مدیرکل آموزش‌وپرورش شهر تهران به مدارس غیردولتی هشدار داده: «تیم‌های نظارتی در سطوح منطقه‌ای، استانی و وزارتخانه داریم. سامانه ثبت شکایات هم فعال است.» به گفته مجید پارسا، پیش‌ثبت‌نام تنها با نرخ سال گذشته مجاز است، بنابراین دریافت شهریه بیش از نرخ مصوب، تخلف به حساب می‌آید. طبق آمارهای منتشر شده سال گذشته، مدارس غیردولتی بیش از هزار شکایت داشتند؛ شکایاتی که در نهایت منجر به صدور ۵۵۰رای شدند. ۷۸رای به تخلفات قطعی اختصاص یافت و ۱۸مورد هم منجر به عزل مدیر شدند در این میان یک مدرسه هم تعطیل شد.

تنها ۱۵ تا ۲۰درصد افزایش شهریه

طبق گزارش‌های منتشر شده در سال تحصیلی که پشت‌سر گذاشتیم ۴۰درصد مدارس غیرانتفاعی شهریه‌شان از ۱۰ تا ۲۰میلیون بود، البته شهریه ۳۴درصد مدارس هم ۲۰ تا ۳۰میلیون تعیین شد. ۱۴درصد از این مدارس هم شهریه دریافتی‌شان بین ۳۰ تا ۴۰میلیون بود. ۶درصد دیگر بین ۴۰ تا ۵۰میلیون و شهریه ۲،۵درصد بین ۵۰ تا ۶۰میلیون تعیین شد. ۱،۵درصد این مدارس شهریه‌شان ۶۰ تا ۷۰میلیون و کمتر از یک‌درصد مدارس بین ۷۰ تا ۸۰میلیون دریافت کردند. طبق آمارهای منتشر شده در سال تحصیلی پیش‌رو -۱۴۰۴-۱۴۰۵- شهریه مدارس غیرانتفاعی ۱۵ الی ۲۰درصد افزایش را تجربه خواهند کرد.

تعیین سقف برای شهریه فوق برنامه مدارس غیردولتی

در میانه مخارج مدارس غیرانتفاعی، فوق‌برنامه‌ها، هزینه مضاعفی بر دوش خانواده‌ها هستند. به‌واقع هرساله به وقت شروع سال تحصیلی، مدارس غیردولتی به بهانه آمادگی بیشتر دانش‌آموزان در امتحانات و یادگیری بیشتر پای فوق‌برنامه‌ها را به ماجرا باز می‌کنند. هزینه‌ای که بسته به پایه دانش‌آموز و معلم و استادی که برای برگزاری فوق‌برنامه‌ها دعوت می‌شود در نوسان است. اهمیت شاید هم حاشیه‌های این مسئله تا جایی بوده که در سال جاری نمایندگان مجلس به آن ورود پیدا کرده و برای شهریه فوق‌برنامه مدارس غیردولتی سقف تعیین کردند. نکته اینکه دریافت بالاتر از این سقف مساوی با جریمه و برخورد با مدرسه خاطی است.

اختلاف ۱۵برابری شهریه بین گران‌ترین و ارزان‌ترین مدارس

برخی بر این باورند موجودیت و فعالیت مدارس غیرانتفاعی عدالت آموزشی را زیرسوال می‌برد، این در حالی است که بنابر گفته‌های سخنگوی سازمان معلمان، اغلب رسانه‌ها در باب گفتن از مدارس غیرانتفاعی تحت‌تاثیر مدارس لاکچری کلانشهری همچون تهران هستند، بنابراین می‌توان گفت تصور عموم از مدارس غیرانتفاعی و شهریه‌ها یک تصور مبتنی بر واقعیت نیست. داوری معتقد است شهریه مصوب مسئله ۶۰-۷۰درصد این مدارس نیست ولی نکته قابل تامل این است که هربار صحبت از مدارس غیرانتفاعی به میان می‌آید، چالش‌برانگیزترین مسئله، موضوع شهریه‌هاست. او اظهار می‌کند: «درخصوص مدارس غیرانتفاعی متاسفانه همه بحث‌ها رها شده و تنها به شهریه‌ها پرداخته می‌شود.» شاید یکی از دلایلی که شهریه‌ها همیشه مسئله جنجالی رسانه‌ها بودند، نبود بانک اطلاعاتی یکپارچه از جریان مالی مدارس باشد. البته ابهام در تعریف قانونی «امکانات ویژه آموزشی» و مقاومت برخی ذینفعان قدرتمند در برابر اصلاحات هم از دلیل دیگر این چالش همیشگی هستند. با این تفاسیر سخنگوی سازمان معلمان بر این باور است مسئله ارائه خدمات برخی مدارس مسئله اصلی است که باید به آن پرداخته شود. به اعتقاد داوری، این مسئله هم ریشه جامعه‌شناسی، هم روانشناسی و هم حقوق کودک دارد که متاسفانه مسکوت باقی مانده‌اند. او می‌گوید: «شهریه‌ها بخش کوچکی از این ماجرا هستند.»

خط و نشان برای متخلف‌ها

احمد محمودزاده، رئیس سازمان مدارس غیردولتی همین هفته گذشته خبر داده بود که: «ما هنوز شهریه‌ای که مصوب و نهایی شده باشد به مدارس ابلاغ نکرده‌ایم.» این در حالی است که اغلب مدارس غیرانتفاعی هم شهریه‌ها را به خانواده‌ها اعلام و هم هزینه‌ها را دریافت کرده‌اند.

نکته جالب اینکه وزیر آموزش و پرورش هم در دیدار با موسسان مدارس غیردولتی جلسه داشته و گفته: «حقوق مردم و حقوق دانش‌آموزان باید خط قرمز ما باشد.»

علیرضا کاظمی در حاشیه این جلسه و مقابل دوربین صدا و سیما برای مدارس متخلف خط و نشان کشیده که: «با مدارس متخلف شدیدا برخورد می‌کنیم.»

حالا باید منتظر ماند و دید به روال هر سال آموزش و پرورش در مقابل این تخلفات روشن، سکوت پیشه می‌کند یا این بار آن طور که وزیر گفته با مدیران متخلف مدارس شدیدا برخورد می‌شود.

مو لای درز این نقشه نمی‌رود!

«افشین» که پسرش را امسال در پایه یازدهم ثبت‌نام کرده از شگرد مدارس غیرانتفاعی برای تخطی نکردن از شهریه مصوب آموزش و پرورش می‌گوید: «من سال گذشته پسرم را یکی از مدارس محله دروس ثبت‌نام کردم. شهریه مدرسه ۱۲۰ میلیون تومان بود. اما امسال در مدرسه زمزمه‌هایی مطرح شده که خبر از شهریه‌های ۲۵۰ تا ۳۰۰میلیون تومانی می‌دهد. چون می‌گویند فضای مدرسه را قرار است تغییر بدهیم. گفته‌اند مدرسه از خیابان منظریه در محله دروس به قیطریه منتقل می‌شود. تازه این رقم بدون هزینه‌های جانبی است که معمولا مدارس در طول سال تحصیلی از اولیاء طلب می‌کنند. مثلا هر سال دانش‌آموزان را به اردو می‌برند و مبالغ جداگانه‌ای می‌گیرند. همچنین لباس مدرسه یا برنامه‌های علمی و تفریحی هزینه جداگانه‌ای دارد. نکته جالب اینکه وقتی برای ثبت‌نام مراجعه می‌کنیم فرمی در اختیار ما قرار می‌دهند که در آن شهریه مدرسه را براساس ارقام مصوب آموزش و پرورش باید تکمیل کنیم. سال گذشته این رقم ۵۰ میلیون تومان بود. هم می‌دانند که این ارقام واقعی نیست و صرفا برای نشان دادن به بازرسان آموزش و پرورش منطقه است. بعد از تکمیل فرم حتما باید چند چک به امور مالی مدرسه بدهیم و تا پایان سال مبلغ درخواستی مدرسه را پرداخت کنیم. البته مبلغ مصوب را هم همان جا باید کارت بکشیم. فیش واریزی ضمیمه فرم می‌شود و درنتیجه با امضای والدین همه چیز قانونی است و هیچ تخلف شهریه‌ای هم صورت نگرفته است. در واقع مو لای درز نقشه‌شان نمی‌رود.»

استعلام شهریه سال جدید به نشانی mosharekatha.ir

طبق اعلام آموزش‌وپرورش، مدارس مجازند تا ۴۰درصد شهریه مدارس را برای فوق‌برنامه‌ها طلب کنند. به عبارت ساده‌تر اگر شهریه مدرسه‌ای ۱۰میلیون تومان برآورد شده، مدرسه برای فوق‌برنامه‌ها در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ تنها ۴میلیون تومان مجاز است، دریافت کند. بی‌شک مبلغ بالاتر مساوی است با برخورد. بنابر اعلام آموزش‌وپرورش والدین برای استعلام شهریه مدارس غیردولتی می‌توانند به سایت مدارس یا مشارکت‌ها به نشانی mosharekatha.ir مراجعه کنند.

اجازه افزایش ۴۰درصدی شهریه، تنها برای باکیفیت‌ها

در سال تحصیلی که گذشت، الگوی شهریه مدارس غیرانتفاعی تغییر کرد؛ تغییراتی که شامل حال مدارسی شد که از نظر کیفیت امتیاز بالایی را به خود اختصاص داده بودند. تصمیم‌ها سال گذشته بر این بود که مدارس با ارائه مستندات و دریافت مجوز از سازمان مدارس و مراکز غیرانتفاعی اجازه افزایش ۴۰درصدی شهریه را داشته باشند. در همان برهه طبق اعلام رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی، شهریه مدارس غیرانتفاعی بین ۱۰ تا ۸۰ میلیون تومان بود. اگرچه پایه تحصیلی و امکانات ارائه شده توسط مدرسه در میزان شهریه تاثیر مستقیم داشت.

شناسه آگهی : ۱۹۲۵۱۵۲ نوبت دوم

آگهی مناقصه

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی حفاری ایران «سهامی خاص» سهامی خاص

مشخصات فراخوان :

نام مناقصه گزار	شماره فراخوان	موضوع فراخوان	مبلغ برآورد (ریال)	مبلغ برآورد (یورو)	مبلغ تضمین
شرکت ملی حفاری ایران	۲۰۰۴۰۹۳۹۸۵۰۰۰۱۲۶	تعمیرات اساسی دو دستگاه موتور VOLVO PENTA	۷۶۳٫۶۰۰٫۰۰۰	۵۰٫۹۰۴	۱٫۴۴۶٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال

روش ارزیابی : بر اساس کسب حداقل امتیاز مربوط به معیارهای موجود در استعلام های ارزیابی کیفی که توسط متقاضیان شرکت در مناقصه تکمیل می شود. انجام می گردد.(حداقل امتیاز ۵۰)

تحویل اسناد به شرکت: سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir و اصل ضمانت نامه به آدرس اهواز- بلوار پاسداران بالاتر از میدان فرودگاه – شرکت ملی حفاری ایران – ساختمان پایگاه عملیاتی – طبقه اول پارت B – اتاق ۱۰۷- دبیرخانه کمیسیون مناقصات- شماره تماس ۳۴۱۰۰۰۰۰ –۳۴۱۴۸۵۸۰ -۰۶۱

تاریخ شروع دریافت اسناد : توزیع اسناد از یک روز پس از چاپ آگهی نوبت دوم آغاز شده و تا ۷روز پس از آن ادامه خواهد داشت . از روز دوشنبه مورخ (۱۴۰۴/۰۲/۲۲) لغایت روز دوشنبه مورخ (۱۴۰۴/۰۲/۲۹) آخرین مهلت ارسال پاسخ استعلام : ۱۴ روز پس از آخرین روز دریافت اسناد روز دوشنبه مورخ (۱۴۰۴/۰۳/۱۲)

انواع تضامین قابل قبول : ضمانتنامه بانکی(به جز ضمانتنامه بانک پاسارگاد و سپه که مورد قبول نمی باشد) و یا ضمانتنامه های صادره از سوی موسسات اعتباری غیر بانکی دارای مجوز فعالیت از بانک مرکزی اصل فیش واریز وجه نقد به حساب شماره ۴۰۰۱۱۱۴۰۰۶۳۷۶۶۳۶ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان تمرکز وجوه سپرده شرکت ملی حفاری ایران (شماره شبا IR۳۵۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۱۴۰۰۶۳۷۶۶۳۶) و سایر تضمین های معتبر در آیین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۵۰۶۵۹ ت / ۱۲۲۴۰۲ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ مورد قبول و پذیرش می باشد.

مدت اعتبار پیشنهاد/ تضمین : ۹۰ روز (برای یک بار در سقف مدت اعتبار اولیه قابل تمدید باشد)

• کانال‌های اطلاع‌رسانی شرکت ملی حفاری ایران www.nidc.ir http:/sapp.ir/nidc_pr

هفت صبح

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۲/۲۰ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۲/۲۱

شرکت ملی حفاری ایران – اداره قراردادها

۱۰۹

SMS
Telegram
WhatsApp
0920 200 17 07
شماره اختصاصی روزنامه هفت صبح برای دریافت پیام متنی ، تصویری و ویدئویی
از طریق پیامک ، تلگرام و واتس‌اپ

دادگاه کیفری

معمای مرگ دختر معتاد، بعد از آشنایی در سایت همسریابی

تنها متهم پرونده در تمام مراحل تحقیقات و در محاکمه، منکر اتهام قتل شد

زهرا بهزادی
خبرنگار

تابستان سال ۱۴۰۱ یکی از ماموران کلانتری ابوسعید به بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران اطلاع داد زنی ۳۳ ساله به نام مرجان به طور مشکوکی در خانه خوابگاهی خود فوت کرده است. بررسی‌های ابتدایی حکایت از مسمومیت شدید منجر به مرگ این زن داشت.این در حالی بود که تحقیقات ابتدایی نشان می‌داد زن جوان آخرین بار با مرد حدودا ۵۰ ساله‌ای به نام فرهاد در ارتباط بوده و همراه او به شمال رفته بود. در همین حال جسد مرجان برای انجام آزمایش‌ها و معاینات لازم به سردخانه پزشکی قانونی منتقل شد. در ادامه با هماهنگی قضایی، فرهاد به عنوان مظنون بازداشت شد. فرهاد که مهندس است و دو دختر هم سن و سال مرجان دارد، در تحقیقات گفت: ماه قبل، با مرجان در سایت همسریابی آشنا شدم. بعد از آن به هم علاقه‌مند شدیم تا اینکه برای انجام یک پروژه کاری، راهی کارخانه‌ای در شمال کشور شدم و مرجان را هم با خودم بردم. در میانه راه دیزی خوردیم اما ساعاتی بعد حال‌مان بد شد. انگار از غذا مسموم شده بودیم. به خانه من که رسیدیم برسر تمیز نکردن سرویس بهداشتی دعوای‌مان شد و تهدید کرد اگر سرویس بهداشتی را تمیز نکنم، خودکشی می‌کند. بعد خوابیدیم. ساعت ۴صبح وقتی بیدار شدم، دیدم که او از خانه من رفته بود و دیگر از او خبری نداشتم تا اینکه فهمیدم او فوت کرده است.» در ادامه تحقیقات مشخص شد که مرجان در همان سفر شمال از فرهاد جدا شده و همان جا با علائم مسمومیت و با بدحالی به بیمارستان مراجعه کرده بود اما با اعلام رضایت خودش از بیمارستان بیرون آمده و راهی تهران شده بود. در حالی که اولیای دم مرجان هرگز در هیچ مرحله‌ای از رسیدگی برای اعلام شکایت خود مراجعه نکردند، مشخص شد مرجان اهل یکی از شهرهای جنوبی بوده و از مدتی قبل در یک خوابگاه مسکونی به تنهایی زندگی می‌کرده است. در همین حال گزارش پزشکی قانونی به دست بازپرس پرونده رسید که این گزارش حکایت از آن داشت که مرجان به دلیل مسمومیت بالا به کام مرگ فرو رفته است. با طی روال قانونی، فرهاد به عنوان متهم به قتل مرجان در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه رفت.متهم در دفاع از خود گفت:«مرجان به شیشه اعتیاد داشت و وقتی با هم به شمال رفتیم، در آنجا مقدار زیادی شیشه مصرف کرد.بعد نیمه شب از خواب بیدار شد و دیدم در حال جمع کردن وسایلش است.به او گفتم کجا می‌روی که گفت دوستانت گفته‌اند تو می‌خواهی من را اذیت کنی اما من دلیل این حرف‌هایش را نمی‌دانستم و می‌خواستم مانع رفتن او شوم که فریاد زد و گفت به من نزدیک نشو.مرجان اجازه نداد که او را همراهی کنم و هر چقدر اصرار کردم، او گفت که ولش کنم و رفت.من دیگر نمی‌دانم چه اتفاقی برای او افتاد و بعد از اینکه از همدیگر جدا شدیم، فقط یک بار او را در خانه‌ام دیدم که آن روز هم به خاطر شستن سرویس بهداشتی دعوا راه انداخت و به خوابگاه خودش رفت اما در همان روز هم حالش بد بود. من نمی‌دانم علت فوت او چیست اما در مرگ او مقصر نیستم و اتهام مباشرت در قتل عمدی او را قبول ندارم.» بعد از پایان دفاعیات متهم و وکیل او قضات دادگاه برای صدور رای وارد شور شدند.

اختلاف دو همسایه برسر صدای گربه خانگی در باغچه ساختمان، به درگیری مرگبار کشیده شد

گربه؛ بهانه قتل

متهم در دادگاه ادعا کرد ابتدا خانواده مقتول به او حمله کرده بودند

فاطمه شیخ‌علیزاده
دبیر سرویس حوادث

سر و صدای گربه اهلی که قبلا در خانه یکی از همسایه‌ها زندگی می‌کرد و حالا آن را به باغچه مجتمع مسکونی منتقل کرده بود؛ باعث اعتراض یکی از همسایه‌ها شد اما فردی که از گربه حمایت می‌کرد راضی نمی‌شد حیوان را به جای دیگری منتقل کند.همین موضوع سبب شد درگیری بین دو همسایه بالا بگیرد و زمانی که گربه توسط همسایه معترض به ضایعاتی منتقل شد، جرقه کتک‌کاری مرگبار بین همسایه‌ها روشن شد که در این درگیری یکی از همسایه‌ها با اصابت ضربه چاقو از سوی همسایه دیگر به کام مرگ فرو رفت. رسیدگی به این پرونده با اعلام مرگ مرد میانسالی به نام پرویز از سوی کادر درمان یکی از بیمارستان‌های غرب استان تهران در دستور کار تیم جنایی قرار گرفت. بررسی‌های ابتدایی نشان می‌داد پرویز که صاحب گربه بود، ساعتی قبل از قتل با جراحت وسیع و خونریزی شدید توسط برادر خود به بیمارستان منتقل شد. او به علت وخامت اوضاع جسمانی‌اش خیلی سریع برای معالجه به اتاق عمل جراحی منتقل شد اما به‌دلیل شدت جراحت وارد شده کادر درمان علی‌رغم تلاش زیاد موفق به نجات جان او نشدند. در همان تحقیقات اولیه مشخص شد که پرویز ساعتی قبل از انتقال به بیمارستان در درگیری دسته‌جمعی با یکی از همسایه‌های خود به نام ناصر مورد اصابت ضربه مرگبار قرار گرفته بود. به این ترتیب ناصر تحت تعقیب قرار گرفت اما متواری شده بود. با این حال چند ساعت بعد متهم متواری با پای خود به پلیس مراجعه و خود را تسلیم ماموران کرد.متهم در اظهارات ابتدایی خود ادعا کرد از سوی پرویز و خانواده‌اش مورد اصابت ضربات چوب و چاقو قرار گرفته بوده و به همین دلیل اقدام به پرتاب چاقو کرده است.او همچنین به خاطر مجروح شدن از سوی برادر و پسر مقتول از این دو نفر شکایت کرد. متهم در شرح علت درگیری گفت:«مدتی بود که پرویز گربه‌ای را در باغچه مجتمع مسکونی نگهداری می‌کرد.سر و صدای گربه برای خانواده من آسایش نگذاشته بود و همچنین غذا دادن به گربه باعث شده بود که باغچه کثیف شود.من چندین بار به پرویز اعتراض کردم و از او خواستم گربه را به محل دیگری منتقل کند اما او به خرجش نمی‌رفت.بالاخره اینقدر کفرم بالا آمد که روز حادثه گربه را به محل دفن ضایعات در نزدیکی خانه‌مان منتقل کردم.وقتی پرویز متوجه این موضوع شد، خیلی خشمگین شد. درنتیجه با هم درگیر شدیم که در این درگیری او کشته شد.» با توجه به اقاریر صریح متهم و بازسازی صحنه جرم، پرونده برای رسیدگی به شعبه سیزدهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد.

در دادگاه

در ابتدای جلسه رسیدگی، فرزندان و پدر مقتول به عنوان اولیای دم تقاضای قصاص متهم را مطرح کردند. سپس متهم در جایگاه دفاع قرار گرفت و گفت:«پرویز و پسر و برادرش به سمت من حمله کردند.من در یک دستم چوب و چاقو داشتم اما دلم نمی‌آمد آنها را بزنم.تا اینکه یکی از آنها با چوب ضربه محکمی به سر من زد که چشمانم سیاهی رفت و صورتم پر از خون شد.همان موقع چوب از دستم زمین افتاد و در آن لحظه برای دفاع از خودم چاقو را پرت می‌کردم که اصلا نفهمیدم چطور با مقتول اصابت کرد و منجر به مرگ او شد.»سپس برادر مقتول که با شکایت ناصر متهم به شرکت در نزاع دسته‌جمعی و ایراد ضرب و جرح شده بود، در جایگاه حاضر شد و گفت: «من در نزدیکی محل سکونت برادرم املاکی دارم و شب حادثه مهمان او بودم.برادرم به من گفته بود که با همسایه‌شان درگیر شده و می‌گفت ناصر تلفنی به او فحاشی کرده است.آن روز ابتدا به مغازه‌اش رفتم و داشتیم با هم به خانه‌اش می‌رفتیم که یکدفعه ناصر و پسرش با یک فرد دیگر به سمت برادرم حمله کردند.ناگهان ناصر به برادرم ضربه زد و فرار کرد.همه چیز در پنج ثانیه اتفاق افتاد و اصلا فرصتی نبود که من به سمت ناصر حمله کنم و او را بزنم.ناصر برای ضربه زدن به برادرم کمین کرده بود و ما را غافلگیر کرد.برای همین اتهامم را قبول ندارم.در آن لحظه من فقط فریاد زدم و پسر برادرم را صدا زدم و گفتم ماشین بیاور پدرت را ببریم بیمارستان.در بیمارستان خودم بالای سر برادرم بودم که او از هوش رفت.بعد هم به اتاق عمل منتقل شد اما زنده نماند.» سپس پسر مقتول در دفاع از خودش در برابر شکایت ناصر گفت:«مدتی قبل ما یک بچه گربه پیدا کردیم و آن را به خانه‌مان بردیم.ما از گربه مراقبت کردیم تا بزرگ شد و خیلی او را دوست داشتیم.او اهلی شده بود و نمی‌توانست در خیابان زندگی کند برای همین گربه را به باغچه منتقل کردیم.حدود ۴۰ دقیقه قبل از درگیری مرگبار در مغازه کنار پدرم بودم که ناصر زنگ زد و به پدرم گفت گربه را به ضایعاتی برده است.پدرم به او می‌گفت باید گربه را پس بیاوری اما درگیری لفظی بین آنها بالا گرفت و ناصر به پدرم فحاشی ناموسی کرد.بعد که از مغازه خارج شدیم ناصر و پسرش و یک فرد دیگر به ما حمله کردند.پسر ناصر به سمت من آمد و ناصر و پدرم از ما فاصله داشتند که یکدفعه دیدم پدرم زمین افتاد.من اصلا با ناصر درگیر نشدم و اتهامم را قبول ندارم.» قاضی به پسر پرویز گفت:«شاهدان گفته‌اند تو چاقو در دست داشتی و پدرت هم چوب داشته.قبول داری؟» متهم گفت: «نه قبول ندارم! من هیچ چیزی در دستم نداشتم.» سپس وکیل متهم گفت:«خونریزی سر موکل من مشهود بوده و شاهدان می‌توانند این موضوع را تایید کنند.» قضات دادگاه برای اخذ شهادت شهود ادامه رسیدگی را به جلسه بعد موکول کردند.

پشت پرده فوت ۷ کوهدشتی در چاه عمیق

روز جمعه ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۴ در بخش کوهنانی از توابع شهرستان کوهدشت تعداد ۷ نفر از اهالی محله بساط بیگی کوهنانی در یک چاه کشاورزی جان خود را از دست دادند.

در اخبار ابتدایی اینگونه عنوان شد که ابتدا یک کودک به چاه سقوط کرده و بقیه افراد یک به یک برای نجات جان او وارد چاه شدند اما بعدا مشخص شد که نفر اول به خاطر آبیاری کشاورزی وقتی دیده بود آب چاه بالا نیامد به داخل چاه رفته بود. بعد یکی از همراهان او که شاهد پایین رفتن او به داخل چاه بود، وقتی دید که چند دقیقه‌ای گذشت و این فرد خارج نشد به اقوام و بستگان نزدیک او تلفن زده و گفته بود که این فرد داخل چاه رفت اما بیرون نیامد. بستگان او نیز که کشاورز و معلم بودند سراسیمه و مضطرب از راه رسیده و وارد چاه شدند اما یکی بعد از دیگری به کام مرگ فرو رفتند. موضوع از این قرار بوده وقتی نفر اول برای تعمیر چاه آب وارد آنجا می‌شود به‌علت وجود گاز داخل چاه دچار خفگی می‌شود نفرات بعدی که همگی نسبت فامیلی با هم داشتند برای نجات جان یکدیگر به داخل چاه می‌روند که همگی قربانی می‌شوند. نفر هشتم از نیمه راه برگشته بود و او تنها کسی بود که از این حادثه غم انگیز نجات یافته است. محمد کبادی، معاون امداد و نجات جمعیت هلال احمر، در رابطه با این خبر اعلام کرد: این حادثه زمانی رخ داد که اعضای خانواده برای تعمیر یا فعال‌سازی مجدد یک چاه کشاورزی نیمه‌فعال وارد آن شدند.

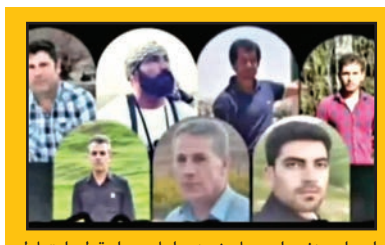

ابتدا دو نفر وارد چاه شدند، اما پس از قطع ارتباط با آن‌ها، سایر افراد نیز یکی‌یکی برای کمک وارد چاه شدند که متاسفانه همگی دچار گازگرفتگی شده و جان باختند. کبادی افزود: به نظر می‌رسد وجود گازهای سمی در محیط چاه علت اصلی این حادثه دلخراش بوده است. پس از دریافت گزارش حادثه، نیروهای هلال‌احمر، آتش‌نشانی، نیروی انتظامی و سایر دستگاه‌های امدادی در محل حاضر شدند و عملیات انتقال اجساد را انجام دادند.

ضرب و جرح عمدی با سلاح دست‌ساز

مدتی قبل در ورامین مرد جوانی به نام شهاب در جریان یک درگیری مورد اصابت گلوله با یک سلاح دست‌ساز قرار گرفت اما جان سالم به‌در برد.او بعد از اینکه تحت معالجه قرار گرفت و بهبود پیدا کرد، از عامل تیراندازی به نام ایمان شکایت و رسیدگی به این شکایت در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران ادامه پیدا کرد. در جلسه محاکمه، متهم گفت:«مدتی قبل از شهاب یک سلاح دست‌ساز خریده بودم ولی وقتی برادرم متوجه شد با من دعوا کرد و گفت نباید این اسلحه را می‌خریدی چون برای تو دردسر می‌شود.از طرفی متوجه شدم که اسلحه درست کار نمی‌کند.برای همین سراغ شهاب رفتم و به او گفتم می‌خواهم سلاح را پس بدهم و نیازی به آن ندارم.از او خواستم پولم را پس بدهد اما او قبول نکرد و برای همین اختلاف و درگیری میان ما رخ داد.به خاطر همین درگیری هر بار من را در نزدیکی کارگاه برادرم می‌دید برایم شاخ و شانه می‌کشید و می‌گفت نباید این اطراف تردد کنی.روز حادثه باز هم با یکدیگر درگیر شدیم و در من در جریان درگیری با همان سلاح دست‌ساز به سمت شکمش شلیک کردم.» قضات دادگاه بعد از شنیدن دفاعیات متهم برای صدور رای وارد شور شدند.

جدول و سرگرمی

طراح: حمیدرضا محمدرضایی

پاسخ‌های شماره قبل

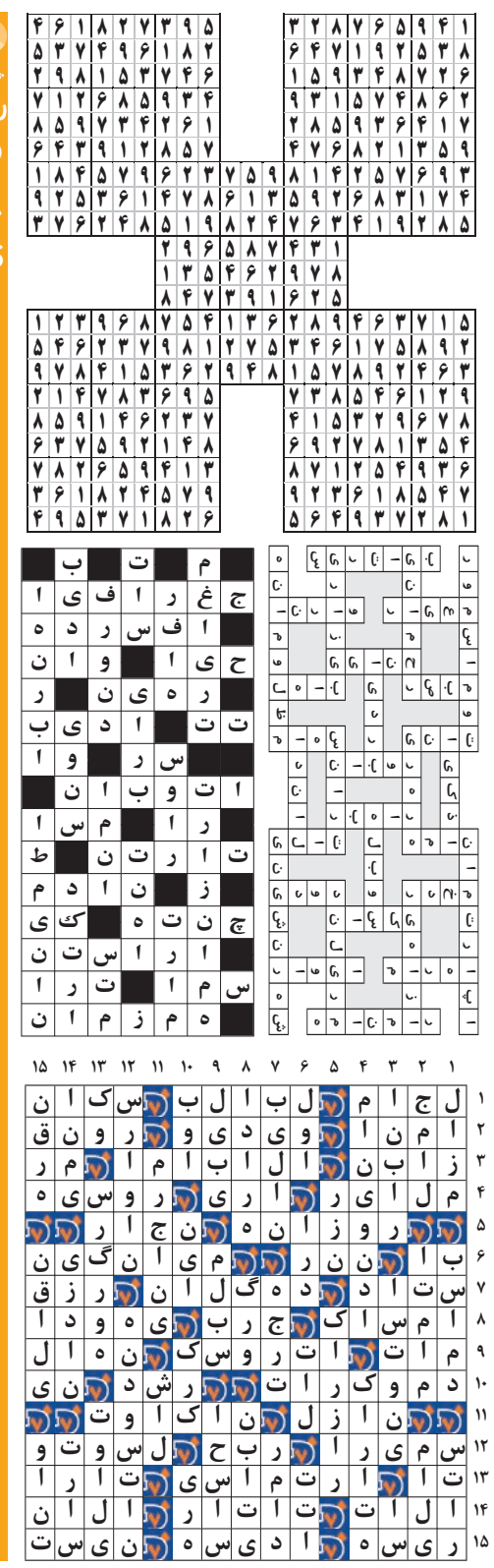

لغت‌یابی

توضیح
کلماتی که بر اساس تعداد حرف دسته‌بندی شده‌اند باید در جای مناسب خود در جدول قرار گیرند. شما باید با توجه به راهنمای جدول که برایتان قرار داده‌ایم؛ جای لغات را حدس بزنید و در جدول جایگذاری نمایید.

۴ حرفی: حامی، خمیر، سرخک، شلیل، کریم، لقمه، هایک، هوار

۵ حرفی: بحرین، بدکار، حنانه، دیزلی، رمارم، رهوار، سرطان، سینما، شماره

۶ حرفی: شهریار، مضاربه، مطالعه، یکدانه

۷ حرفی: طاهره، فوران، کف گیر، مجتبی، یخ شکن

۸ حرفی: پرسپولیس، جاروبرقی، خاک انداز، کولرگازی

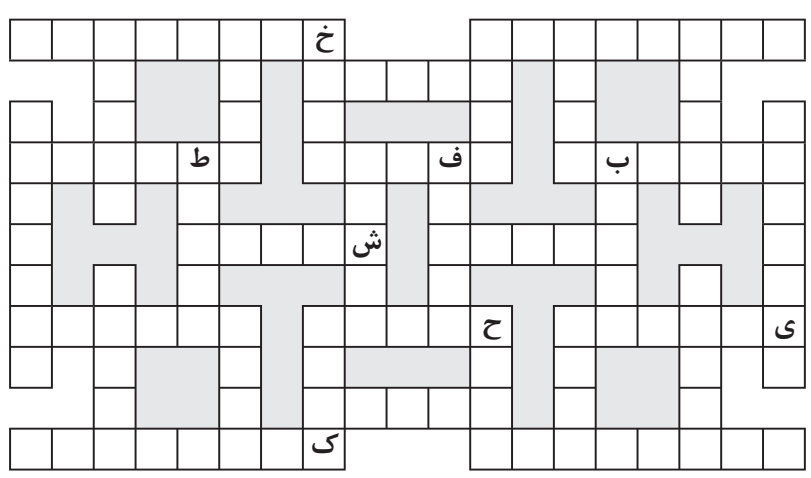

جدول شرح در متن

سودوکو

- سودوکوی سامورایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است
- در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در ارتباط است.
- هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.
- برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.
- قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامورایی است. دقت کنید سودوکوی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.

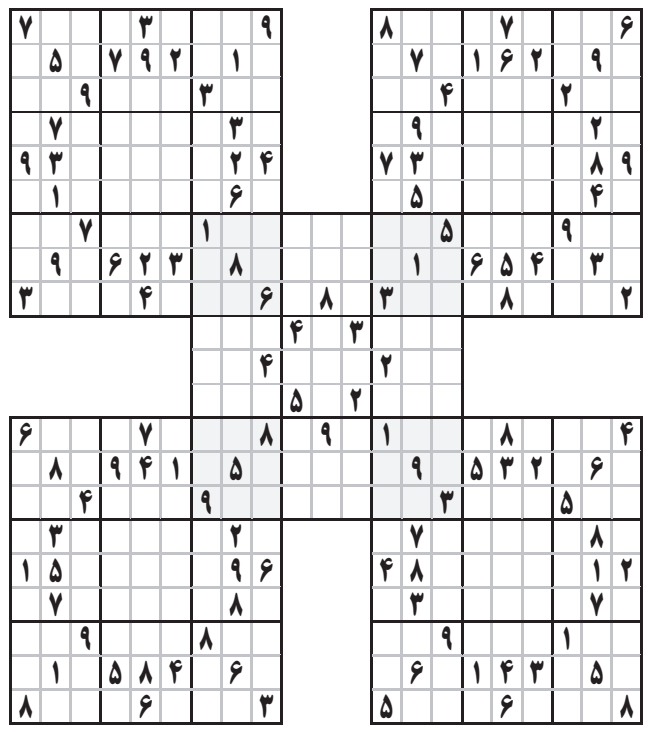

جدول کلمات متقاطع

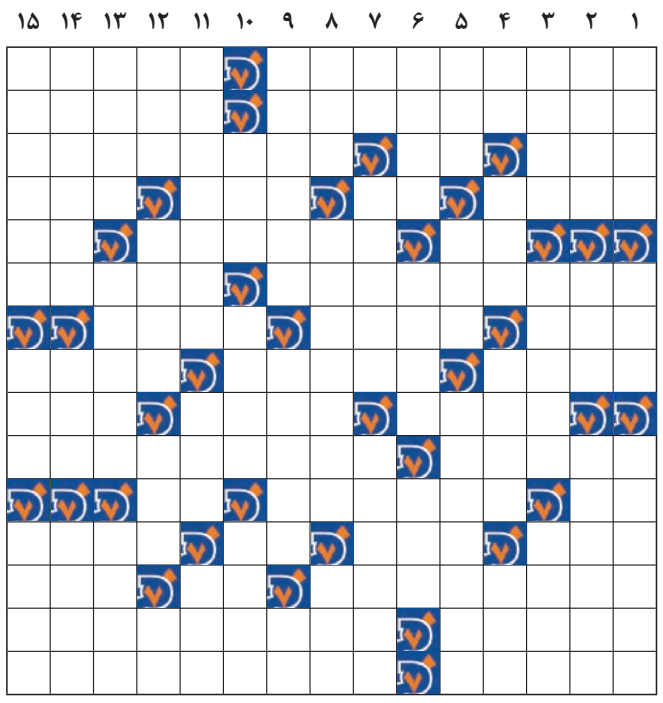

افقی

۱- فیلمی از خداداد جلالی - شهری در استان خراسان جنوبی
۲- جنگجویان نمایشی روم باستان - فضای سرپوشیده خانه
۳- قوی و نیرومند - قومی در ایران - شخصیت اصلی داستان پیرمرد و دریای ارنست همینگوی
۴- اسباب بازی قدیمی - لبه شمشیر - نگاه دزدانه - دندان آذری
۵- اسب ترکی - گزینش - کلام صریح
۶- فیلمی از مجتبی فرآورده - گوارا
۷- رقیب کارتونی تام - پولی که به فریب بگیرند - تابع
۸- کبود چشم - خسته و کوفته - یاغی
۹- حرف نخست یونانی - همگی چیزی - مار عظیم‌الجثه
۱۰- آنچه زیاد آمده - فیلمی به کارگردانی سیدضیاءالدین دری
۱۱- گریز آهو - از آثار دیدنی شیراز - خیس
۱۲- آواز رعد - نماد سبکی! - عنصر تیروئید - کتاب مقدس مسلمانان
۱۳- فیلمی به کارگردانی و نویسندگی سیفا... داد - کلام تنفر - توپ چوگان
۱۴- هنرپیشه - از آثار تاریخی اصفهان
۱۵- از گل ها - از شاعران ایرانی در سده ۱۰

عمودی

۱- از مردم سیستان - به موقع - مین سبز و خرم
۲- از سازنده‌های اتوبوس - بیهوده و یاوه - قاره سه‌تکه
۳- ارابه و گردونه - مرکز استان فارس - واحد امواج
۴- مانع آب - مخترع دیگ بخار - چنگک - ماشین دارد
۵- طایفه - بام دنیا - گذشت و ایثار
۶- واحد طول انگلیسی - سیب ترکی - شکاف درون کوه
۷- کلاه فرنگی - واحد پول پیشین فنلاند - کشوری در شمال کوبا
۸- میل ناگهانی - نامعقول و ناپسند - به پیرزن می گویند
۹- زینت دادن - زود تغییر نظر میدهد - ویتامین جوانه گندم
۱۰- قیمت - جنب و بغل - از ورزش‌ها
۱۱- از گل‌ها - عدد ۸ - طلوع صبح
۱۲- مجموعه - بازار سهام - شکارگاه مخصوص شاه - سایه گاه
۱۳- تباهی - نوعی آش ساده - فوتبال آمریکایی
۱۴- منازعه - محله و برزن - نوا و نغمه
۱۵- کشتی جنگی تندرو - دشوار - طفل شیرخوار

پروژه ال.ان.جی؛ میلیاردها دلار دود شد، حالا نوبت نجات پروژه است، علی خیراندیش توضیح می‌دهد

گاز داشتیم، مشتری داشتیم فقط تصمیم نداشتیم

● پروژه ایران ال.ان.جی که با صرف ۱/۸ میلیارد دلار نیمه کاره ماند، می‌توانست تا ۱۴ میلیارد دلار درآمد سالانه داشته باشد؛ آیا طرح جدید می‌تواند این رویای اقتصادی را احیا کند؟

الهه ابراهیمی
هفت صبح

در طول دهه‌های اخیر در ایران شاهد اوج‌گیری قیمت کالاهای مختلفی بوده‌ایم که بر رفاه و معیشت مردم تاثیر جدی داشته است اما در این میان یک کالای دیگر نیز وجود دارد که در سال‌های گذشته افزایش قیمت و تورم چند برابری داشته اما روی زندگی مردم بی‌تاثیر بوده است. این کالا «الاغ» است. الاغ یکی از حیواناتی است که برای حمل و جابه‌جایی بار برای کشاورزان اهمیت دارد. این اهمیت البته در سال‌های اخیر و با مدرن شدن و در دسترس قرار گرفتن وسایل مکانیکی در کشاورزی، کمرنگ‌تر شده است. البته استفاده از این حیوان هنوز هم در برخی از روستاها و مناطقی که رفت و آمد خودرو امکانپذیر نیست و همچنین در کنار چوپان‌ها، رایج است اما الاغ به جز کمک برای حمل بار، فواید دیگری نیز دارد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود. همین فواید متعدد باعث شده است که تجارت الاغ در ایران به‌خصوص در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته و جالب است بدانید که ایران در این زمینه حتی صادرات نیز دارد.

در حالی که پروژه ایران ال.ان.جی با صرف بیش از ۱۸ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری و پیشرفت فیزیکی قابل توجه سال‌هاست به حال خود رها شده، علی خیراندیش، مدیرعامل اسبق شرکت ایران ال.ان.جی از تلاش دوباره برای احیای آن خبر می‌دهد. او با اشاره به از دست رفتن فرصت‌های طلایی صادرات گاز، می‌گوید: «اگر حتی دو خط تولید اول از این پروژه اجرا شده بود، امروز ایران می‌توانست سالانه میلیاردها دلار درآمد ارزی داشته باشد؛ رقمی فراتر از کل صادرات فولاد و پتروشیمی کشور.» بر اساس اظهارات او این درآمد ارزی ۱۲ تا ۱۴ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. به هر حال امروز حدود ۲ میلیارد دلار تجهیزات در این پروژه متوقف شده است و در شرایطی که کشور به شدت با کمبود گاز مواجه شده است، راه‌اندازی مجدد آن اما و اگرهای بسیاری را به همراه خواهد داشت. در گفت‌وگوی ذیل با نگاهی به آینده، شرایط امروز و آنچه در گذشته رخ داد را بررسی کردیم.

» پروژه ال.ان.جی در ایران با وجود سرمایه‌گذاری زیاد سال‌هاست متوقف مانده است. به نظر ما در شرایط کنونی با وجود کمبود گاز می‌توان به راه‌اندازی مجدد آن فکر کرد؟

به صراحت تمام می‌گویم که شدنی است. این پروژه برای من حکم فرزندی دارد که دوست دارم به سرانجام برسد. برای همین دو بار در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۶-۹۷ دو طرح مختلف برای احیای آن به وزارت نفت پیشنهاد کردم که هر دو ابتر ماند. نخستین بار در سال ۹۴ با صندوق‌ها مذاکره کردیم، آماده واگذاری سهم به سرمایه‌گذار خارجی شده بودند که مسئولان وقت با طرح ارائه شده مخالفت کردند زیرا برجام امضا شده بود و امیدواری‌ها بالا بود که بتوانند قرارداد مناسب‌تری را منعقد کنند. بار دوم در سال ۹۷ بود که طرحی تهیه شد و حتی سرمایه‌گذار خارجی جدید آوردیم. همه چیز مهیا بود. وزیر نفت وقت ۱۰ شرط برای سرمایه‌گذار گذاشت از جمله اینکه مسئولیت‌های بررسی ذخیره گاز میدان، قبول شدن تتمه هزینه پروژه، پذیرش هزینه‌های انجام شده قبلی، پذیرش مسئولیت لیسانس اخذ شده و یافتن خریدار و همچنین راه‌اندازی پروژه باشد که تمامی شروط وزارت نفت پذیرفته شد اما پس از مدتی، طرف ایرانی حاضر به اجرای توافق‌نامه امضا شده نشد.

» چرا با وجود آن‌همه تلاش و آمادگی و حتی پذیرش شروط، آقای زنگنه وزیر وقت نفت نپذیرفت؟ آیا نگاه سیاسی وجود داشت؟

دیدگاه سیاسی من با آقای زنگنه متفاوت است اما مردانگی نیست که بگویم او مخالف بود. او چندین شرط گذاشت که همه موارد آن توسط سرمایه‌گذار پذیرفته شد. البته نمی‌خواهم وارد مسائل ریز سیاسی شوم. همکاری لازم از داخل مجموعه وزارت نفت برای اجرای قرارداد جدید و احیای طرح ال.ان.جی نشد.

» آیا طرح جدیدی برای احیای طرح ال.ان.جی دارید؟

بله. در حال طراحی راه‌حلی هستیم که با تجربه‌های گذشته متفاوت است، سعی کرده‌ایم ایرادات قبلی را رفع کنیم و سازوکاری طراحی کرده‌ایم که با کمترین نیاز به سرمایه‌گذاری دولتی، پروژه را با اتکا به ظرفیت داخلی و همکاری محدود خارجی به صورت کنسرسیوم پیش ببریم. دولت هیچ سرمایه‌گذاری نخواهد کرد.

» با توجه به کمبود گاز و کاهش فعالیت بسیاری از صنایع مادر به نظر احیای این پروژه مورد توجه وزارت نفت و مسئولان قرار خواهد گرفت؟

هر بار که پروژه ال.ان.جی به مشکل خورده است، سعی کردم تحلیل کنم و ببینم علت چه بوده است و در دور بعدی اصلاحاتی اعمال کنم. در آخرین باری که تصمیم به احیای آن گرفتم، وزیر نفت شرط‌های زیادی گذاشت؛ و تامین هم شد اما کار انجام نشد. این بار احساس می‌کنم راه‌حلی پیدا کردم که مقاومت‌ها برای اجرای طرح کمتر شود اما می‌دانم که در شرایط کنونی کمبود گاز، این مقاومت‌ها صفر نخواهد شد. برای کمبود گاز نیز راه‌حل داریم؛ یا استخراج یا سوآپ از خارج. در هر صورت مشکل قابل حل شدن است و قطعا کمبود گاز نمی‌تواند مانعی برای احیای طرح ال.ان.جی باشد، این راه‌حل را برای مسئولان تشریح خواهم کرد. روش‌های مورد نظر ما ساده نیست و دارای ابعاد متعدد است، اما تاکید دارم که شدنی است. به سرانجام رسیدن طرح ال.ان.جی در ایران هدف بزرگ زندگیم است بنابراین انگیزه برای تحقق آن بالاست. به دنبال منفعت مالی صرف نیستم. به ملت قول داده‌ام و سعی می‌کنم به وعده‌ام وفا کنم.

» به نظر شما اگر در آن مقطع پروژه ال.ان.جی به سرانجام می‌رسید آیا امروز باز هم با مشکل کمبود گاز مواجه بودیم؟

قطعا بودیم. دلایل کمبود کنونی گاز در ایران متعدد است شاید بخشی از آن عدم سرمایه‌گذاری کافی و مسایل دیگر باشد اما معتقدم علت اصلی عدم مصرف بهینه مصرف گاز توسط مردم است. یک زمانی مخالف این بودم که خط لوله به تمام کشور کشیده شود اما به هر حال با وجود دیدگاه‌های مخالف این کار انجام شده است. حال که دسترسی به گاز به ۱۰۰ درصد رسیده است باید سیاست دیگری از سوی حاکمیت یا مسئولان اجرایی شود. یعنی باید مردم از محل صرفه‌جویی گاز و بهینه مصرف کردن آن سود ببرند.

» در احیای مجدد طرح ال.ان.جی حتی اگر وزارت نفت همراه شود اما به دلیل کمبود گاز با مخالفت بسیاری از صنایع مادر مانند فولاد و پتروشیمی‌ها همراه خواهد شد. سال گذشته به واسطه کمبود گاز در آمدارزی این صنایع کمتر شده است. به نظر شما احیای این طرح سودآورتر است؟

در نگاه اول مخالفت‌هایی نیز وجود خواهد داشت، هرچند در طرح جدید به تمامی این موارد فکر شده است. اما برای شفافیت بیشتر از میزان سودده بودن عملیاتی شدن طرح ال.ان.جی چند آمار را اعلام می‌کنم. در زمان حضور آقای اوجی در وزارت نفت در جلسه‌ای در مجلس اعلام کردم که اگر دو خط تولید طرح ایران ال.ان.جی به سرانجام می‌رسید میزان درآمد ارزی کشور با نرخ تابستان ۲۰۲۲ (در آغاز جنگ روسیه و اوکراین) ۳۶ میلیارد دلار در سال بود. در حالی که کل صنعت فولاد و پتروشیمی نمی‌تواند نصف این میزان درآمد را داشته باشند.

» یعنی درآمد ارزی بالایی را از دست دادیم؟

این نگاه را نداشته باشیم اما به طور کل معتقدم که کشور می‌توانست از پروژه ایران ال.ان.جی متوسط ۱۲ تا ۱۴ میلیارد دلار در سال درآمد داشته باشد. در خوشبینانه‌ترین شرایط اگر ۵۰ میلیون تن فولاد تولید و کمتر از یک سوم آن را صادر کنیم در نهایت ۷ میلیارد دلار درآمد ارزی خواهیم داشت. این آمارها بر اهمیت این پروژه تاکید دارند. یادمان باشد که ایران ال.ان.جی، پروژه لوکسی نیست؛ پرمنفعت‌ترین کار ممکن است. اگر مردم ارزش واقعی این پروژه را درک کنند حتما خواهان اجرای آن خواهند بود.

» چقدر بودجه برای احیای این پروژه نیاز است؟

میزان سرمایه‌گذاری با نرخ تبدیل ارزهای مختلف در روز سرمایه‌گذاری، یک میلیارد و ۸۵۰ میلیون دلار بوده که در پروژه ایران ال.ان.جی بدون استفاده مانده است. برای اینکه بتوان از امکانات مجدد استفاده کرد هزینه‌هایی برای تعمیر نیاز است که برآورد اولیه من مبلغ ۷۰ تا ۱۵۰ میلیون دلار است. تا آنجا که اطلاع دارم بعد از من تقریبا هیچ مبلغ قابل توجهی در طرح سرمایه‌گذاری نشده است. با برآوردهای اولیه و نگاه اصلاحی در یک برنامه گام به گام با تخصیص بودجه ۲ میلیارد دلاری طرح می‌تواند به خروجی برسد که البته معنی آن دو میلیارد دلار کل سرمایه‌گذاری نیست. بلکه به روشی می‌توان قسمتی از سرمایه مورد نیاز را در این روش از فروش محصول به دست آورد.

» فرض بر اینکه حاکمیت، مردم و دولت بر اهمیت اجرای طرح ایران ال.ان.جی واقف شده و همراه شوند، آیا با وجود رقبایی همچون قطر، بازاری موجود است؟

حتما. یکی از سرمایه‌گذاران در این کنسرسیوم خریدار است. بنابراین برای فروش تولیدات نگرانی نداریم. فقط یک نکته مهم از همان ابتدا برای سرمایه‌گذار اهمیت دارد که به هر دلیلی از جمله کمبود گاز در کشور و غیره نباید گاز خوراک مورد نظر برای طرح را قطع کرد.

» بر اساس آمارهای مالی ارائه شده و گذشت سال‌ها از توقف پروژه ال.ان.جی، به نظر شما مشکل اصلی چه بود؟ دیدگاه سیاسی یا مسایل مالی و فنی؟

در ارتباط با اجرای پروژه‌های مهندسی در کشور، دو دیدگاه وجود دارد که هر دو در شرایط خاص خود قابل احترام‌اند. شاید اگر من به عنوان کسی که از ابتدای دوران کاری‌ام همواره درگیر اجرای پروژه‌ها بوده‌ام، در شرایط متفاوتی از وضعیت امروز کشور قرار داشتم، نحوه کار خود را تغییر می‌دادم. اما واقعیت این است که کشور ما با شرایطی خاص روبه‌روست؛ شرایطی که ناشی از موقعیت سیاسی، وضعیت ویژه انقلاب و فضای بین‌المللی است. مستقل از اینکه افراد چه دیدگاهی نسبت به انقلاب دارند، باید پذیرفت که ما امروز در این شرایط قرار داریم. پیش از انقلاب، به دلیل وفور منابع مالی، بسیاری از پروژه‌های ما از جمله پروژه‌های نفتی بدون دخالت پیمانکاران داخلی و صرفاً توسط شرکت‌های خارجی اجرا می‌شدند. آن شرکت‌ها باتجربه و توانمند بودند و پروژه‌ها را با کیفیت خوبی پیش می‌بردند. اما پس از انقلاب، به دلایل مختلف، این شرکت‌ها یا دیگر نیامدند یا اگر آمدند، مدت کوتاهی باقی ماندند. امروز باید بین دو گزینه یکی را انتخاب کنیم: یا پروژه‌ها را متوقف کنیم، یا آن‌ها را با امکانات و توان داخلی اجرا کنیم. البته می‌دانم که برخی معتقدند اگر مثلاً پالایشگاه پارس جنوبی را توتال اجرا می‌کرد، هزینه کمتری داشت. اما اکنون که چنین گزینه‌ای در اختیار نداریم، باید تصمیم بگیریم پروژه‌ها را متوقف کنیم یا پیش برویم؟ در زمینه پروژه‌های LNG نیز باید بگویم زمانی که در این حوزه مسئولیت داشتم، حدود ۱۰ تا ۱۲ پیمانکار معتبر جهانی در این حوزه فعال بودند. اما آن‌ها به ایران نیامدند. در این شرایط، آیا باید اجرای پروژه‌های ال.ان.جی را کنار می‌گذاشتیم؟ یا باید راهی برای پیشبرد آن‌ها پیدا می‌کردیم؟ نظام، دولت (وزارت نفت) باید تصمیم بگیرند که از میان این دو مسیر، کدام را انتخاب کنند. من نیز، مانند بسیاری دیگر، اهل ریسک هستم و تلاش می‌کنم با همان امکانی که وجود دارد، پروژه را پیش ببرم.

در گذشته، پروژه‌هایی مانند ایران LNG، پارس LNG، پرشین LNG و NIOC LNG طراحی شد. در پروژه ایران ال.ان.جی همان ابتدا شرکت بی‌پی به همراه شرکای هندی وارد پروژه شد، اما به دلایلی کنار کشیدند. در نهایت در شرکت ملی نفت وقت تصمیم گرفته شد سه پروژه پارس ال.ان.جی و پرشین ال.ان.جی و ایران ال.ان.جی که اصلاح شده NIOC LNG بود ادامه پیدا کند، اولی با حضور توتال و شرکا و دومی با همکاری شل و شرکا که در نهایت هیچ‌یک از شرکای خارجی به نتیجه نرسیدند؛ زیرا نتوانستند قیمت اقتصادی برای پروژه ارائه دهند که قابلیت تصمیم‌گیری نهایی برای سرمایه‌گذاری (FID) داشته باشد. در ایران ال.ان.جی مابعد شروع بسته‌های ۲ و ۳ پروژه تلاش کردیم، بسته اصلی را به پیمانکار خارجی ارائه کنیم، اما قیمت آن قدر بالا بود که پروژه را از اقتصادی بودن خارج می‌کرد پس بنابراین مسیر تغییر کرد. اما به استراتژی متفاوتی رسیدیم: پروژه به چند بخش و فاز تقسیم شد و تلاش کردیم با کمک یک شرکت مدیریت پروژه (MC)، کار را با پیمانکاران داخلی پیش ببریم. یعنی ما روشی شبیه مدل شرکت فاستر ویلر انتخاب کردیم. این شرکت‌ها می‌گویند من پروژه را خرد می‌کنم به پیمان‌های کوچکتر، مدیریت فنی را انجام می‌دهم، ولی ریسک مالی را نمی‌پذیرم. مسئولیت پروژه با کارفرماست. در سال ۱۳۸۹، بخش اصلی پروژه شامل کمپرسورها و مبدل‌های خاص توسط لینده و زیمنس آغاز شد و بخش زیادی از تجهیزات نیز تا سال ۱۳۹۱ تولید و حتی مونتاژ شد. اما در میانه راه، با اعمال تحریم‌ها پروژه متوقف شد. با اینکه شکایت کردیم و در دادگاه هم پیروز شدیم، اما با وجود امضای برجام و لغو تحریم‌ها، دست اندرکاران خارجی از ادامه کار انصراف دادند زیرا از ریسک پروژه ترسیدند. بدین ترتیب سرمایه‌گذاری سنگین یک میلیارد و ۸۵۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری در پروژه بیش از یک دهه است که خاک می‌خورد و سال‌ها بدون بهره‌برداری باقی مانده است.

» آیا در این فرآیند، نقش مخالفان داخلی و فشارهای سیاسی تاثیرگذار بود؟

به نظر من، مخالفان داخلی تاثیر چندانی در توقف پروژه نداشتند. در واقع، فشارهای سیاسی تاثیرگذار در مراحل مختلف پروژه، نه به اندازه مسائل مالی و برآوردهای اقتصادی، بلکه بیشتر به دلیل اختلافات در پیش‌بینی سود پروژه بود. خود توتال به این نتیجه رسید که این پروژه به دلیل هزینه‌های بالا و ریسک‌های زیادی که داشت، نمی‌تواند به سودآوری مطلوب برسد.

» به نظر شما بهتر نبود بر پروژه‌های GTL بیش از LNG تاکید می‌شد؟ شاید امروز حداقل در این بخش موفق بودیم.

هر دو پروژه GTL و LNG دارای پتانسیل بالایی هستند، اما به دلیل پیچیدگی‌های فنی و اقتصادی، نیاز به دقت و برنامه‌ریزی بیشتری دارند. به ویژه پروژه LNG به دلیل نیاز به تکنولوژی‌های پیشرفته و سرمایه‌گذاری بالا، نیاز به یک چشم‌انداز بلندمدت دارد. از سوی دیگر، پروژه GTL هم در صورت انتخاب ظرفیت‌های پایین مثلا ده یا بیست هزار شبکه در روز می‌تواند در برخی از نقاط کشور توسعه یابد و مفید باشد، اما همچنان با چالش‌های اقتصادی روبه‌رو است. خطوط لوله گاز در تمامی کشور موجود است و می‌توان GTL را راه‌اندازی کرد اما مسئله این است که با کمبود گاز مواجه هستیم. با این حال باید وارد بخش‌های جدید دانش شویم تا بتوانیم موفق باشیم. با خام فروشی ره به جایی نخواهیم برد. باید از تکنولوژی روز استفاده کرد.

» به عنوان فردی که در این پروژه‌ها نقش داشتید، فکر می‌کنید در نهایت چه عواملی باعث شکست یا عدم موفقیت این پروژه‌ها شد؟

عوامل مختلفی در عدم تحقق پروژه‌های LNG دخیل بودند از جمله مخالفت‌هایی از جنس برخی چهره‌های تاثیرگذار، اما مهم‌ترین عامل را می‌توان کمبود بودجه دانست. در ابتدا، ما توافق کرده بودیم که بودجه لازم در مدت مشخصی تامین شود، اما به دلیل مشکلات اقتصادی و کاهش قیمت نفت، تامین این بودجه به تاخیر افتاد. علاوه بر این، مدیریت و تصمیمات دولتی در تامین منابع مالی برای این پروژه تاثیرگذار بود.

» در نهایت، شما به عنوان یکی از افرادی که در این پروژه‌ها نقش داشتید، نقش خود را در عدم موفقیت این پروژه‌ها چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در این پروژه‌ها، نقش من بیشتر به عنوان فردی بود که پیگیر پیشرفت‌ها و تامین منابع مالی و پذیرش ریسک اجرا توسط پیمانکاران متعدد بود. اما باید بگویم که شرایط اقتصادی و کمبود منابع مالی بزرگترین چالش‌ها بودند. به شخصه هیچ وقت نمی‌توانم نقش خود را در این روند نادیده بگیرم، اما می‌توان بررسی کرد که نقش من در برابر مشکلات موجود چه میزان بود؟ این مسئله قابل بحث و بررسی است اما عوامل دیگری چون مشکلات مالی، کاهش قیمت نفت در دوران رکود مشهور سال ۲۰۰۸ تا اواخر ۲۰۰۹ و فشارهای سیاسی نقش اصلی را در توقف پروژه‌ها داشتند. با این حال در همان زمان در چندین مرحله برای پروژه پول تخصیص یافت. آقایان نوذری و جشن‌ساز در شرایط سخت مالی کاهش قیمت نفت، چند بار مبالغ قابل توجهی را به پروژه تزریق کردند اما کافی نبود.

وقتی توجیه اقتصادی از دست رفت

در حقیقت، پروژه LNG به دلیل مسائل اقتصادی و به ویژه اختلافات در برآوردهای مالی به نتیجه نرسید. اگر بخواهیم به طور دقیق بگویم، نه تنها مخالفان داخلی، بلکه حتی خود توتال نیز به این نتیجه رسید که سوددهی این پروژه به شکلی که انتظار می‌رفت، محقق نخواهد شد. در نهایت، توتال ترجیح داد که در صف اجرا بماند و اگر شرایط بهبود پیدا کند، دوباره وارد شود. یکی از دلایلی که پروژه متوقف شد، اختلافات جدی در برآورد هزینه‌ها بود. توتال پیش‌بینی کرده بود که هزینه پروژه باید حدود ۱۱ تا ۱۱/۶ میلیارد دلار باشد، در حالی که شرکت ما این هزینه را تنها حدود ۴،۳ تا ۵ میلیارد دلار می‌دانست. اختلاف بیش از دو برابر نشان‌دهنده این بود که شرایط اقتصادی برای ادامه پروژه به شکلی که تصور می‌شد، مساعد نبود. توتال در واقع نمی‌خواست در این پروژه سرمایه‌گذاری کند، ولی از آن طرف تمایل داشت در صورت بهبود شرایط، باز هم در نوبت اول باشد.

مرور

LNG؛ سوختی استراتژیک از دل سرمای منفی ۱۶۰ درجه

از خط لوله‌های پرهزینه تا راهکار سرمای عمیق

مهدی خاکی فیروز
هفت صبح

در سال‌هایی که نفت به‌راحتی در بشکه‌ها جابه‌جا می‌شد، گاز طبیعی چالشی بزرگ برای مهندسان انرژی به‌شمار می‌رفت. این سوخت سبک و فرار برخلاف نفت، قابل ذخیره‌سازی آسان یا حمل‌ونقل طولانی نبود. خطوط لوله در آن دوران، تنها گزینه برای انتقال گاز بودند، با هزینه‌هایی سرسام‌آور و محدودیت‌هایی سیاسی و جغرافیایی. برای تولیدکنندگان گاز در مناطق دورافتاده یا کشورهایی که مسیرشان به بازارهای مصرف بسته بود، این محدودیت یک مانع جدی به‌حساب می‌آمد. در چنین شرایطی، ایده‌ای علمی توجه بسیاری را به خود جلب کرد: کاهش شدید دما تا نقطه‌ای که گاز به مایع تبدیل شود. سرد کردن گاز تا حدود منفی ۱۶۰ درجه سانتی‌گراد، حجم آن را به یک شش‌صدم کاهش می‌داد. این فناوری، راهی نو برای ذخیره و انتقال گاز فراهم می‌کرد. بدین ترتیب مایع‌سازی گاز یا همان LNG (Liquefied Natural Gas)، از آزمایشگاه‌های علمی به‌سمت صنایع انرژی حرکت کرد.

سفر آغاز می‌شود؛ Methane Pioneer روی دریا

تا سال ۱۹۵۹ فناوری مایع‌سازی گاز هنوز در مرحله آزمایشگاهی و تئوریک باقی مانده بود. همان سال یک کشتی کوچک به نام Methane Pioneer نخستین محموله LNG را از لوئیزیانای آمریکا به بریتانیا رساند. این سفر نقطه آغاز صنعت مدرن LNG در جهان بود.
موفقیت این انتقال ثابت کرد که گاز مایع‌شده می‌تواند از اقیانوس عبور کند و بدون نیاز به خطوط لوله، به بازارهای دوردست برسد. به‌دنبال آن، کشورهایی که از نعمت منابع گازی برخوردار بودند، برای بهره‌برداری از این روش، سرمایه‌گذاری‌هایی کلان آغاز کردند.
در دهه‌های بعد، کشورهایی مانند الجزایر، اندونزی و مالزی زیرساخت‌هایی برای مایع‌سازی گاز ایجاد کردند. در مقابل، کشورهای مصرف‌کننده در شرق آسیا و اروپا نیز پایانه‌هایی برای دریافت و تبدیل دوباره LNG به گاز ساختند. ژاپن، به‌عنوان کشوری فاقد منابع انرژی، خیلی زود به وارد‌کننده اصلی LNG در آسیا تبدیل شد.

بازاری شناور در حال شکل‌گیری

توسعه صنعت LNG مفاهیم جدیدی در تجارت انرژی به‌وجود آورد. برخلاف بازار نفت، گاز طبیعی پیش از آن به‌شدت منطقه‌ای بود. صادرات LNG این الگو را شکست و نوعی بازار جهانی برای گاز ایجاد کرد. در دهه‌های بعد، تکنولوژی به‌طور پیوسته پیشرفت کرد. کشتی‌های بزرگ‌تر، تاسیسات پیچیده‌تر و مخازنی با عایق‌های حرارتی بهتر ساخته شدند. پایانه‌های مایع‌سازی در کشورهای صادرکننده و واحدهای گازسازی در کشورهای وارد‌کننده، ساختاری جدید برای تجارت گاز رقم زدند. در این میان، قراردادهای فروش بلندمدت بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان امضا شد. قیمت‌ها معمولاً به نفت خام وابسته بودند. این الگوی تجاری، ثبات را برای سرمایه‌گذاران تضمین می‌کرد، هرچند بازار را از پویایی بازمی‌داشت.

تحولات ژئوپلیتیکی؛ عامل جهش در تقاضا

دهه ۲۰۱۰، آغاز فصل تازه‌ای برای LNG بود. با افزایش تنش‌های سیاسی، به‌ویژه در روابط غرب با روسیه، بسیاری از کشورها در پی تنوع‌بخشی به منابع گازی خود برآمدند. جنگ اوکراین و کاهش واردات گاز روسیه توسط اروپا، نقش LNG را در امنیت انرژی پررنگ‌تر کرد.
در این دوره، ایالات متحده با بهره‌گیری از منابع شیل، تبدیل به صادرکننده بزرگ LNG شد. پایانه‌های عظیم در خلیج مکزیک، محموله‌هایی را به اروپا، آسیا و آمریکای جنوبی ارسال کردند. از سوی دیگر، استرالیا، قطر و نیجریه نیز به تقویت جایگاه خود در بازار پرداختند. تغییر مسیر واردات گاز، اروپا را به یکی از مقاصد اصلی LNG تبدیل کرد. این موضوع رقابت میان تولیدکنندگان را افزایش داد و منجر به انعقاد قراردادهای کوتاه‌مدت‌تری شد. بدین ترتیب، ساختار سنتی بازار LNG متحول شد و امکان انعطاف‌پذیری بیشتر برای خریداران فراهم گشت.

زیرساخت‌های میلیارد دلاری

ساخت تاسیسات LNG، یکی از پرهزینه‌ترین انواع سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی به‌شمار می‌رود. تنها احداث یک پایانه مایع‌سازی، می‌تواند بین ۱۰ تا ۳۰ میلیارد دلار هزینه داشته باشد. همچنین کشتی‌های مخصوص حمل LNG نیز قیمت‌های گزافی دارند. با این حال، افزایش تقاضا در سطح جهان باعث شده کشورها و شرکت‌ها حاضر به تامین چنین سرمایه‌گذاری‌هایی شوند. قطر با پروژه‌های توسعه‌یافته خود، در مسیر تبدیل‌شدن به بزرگ‌ترین صادرکننده LNG باقی مانده است. کشورهایی مانند موزامبیک، گینه استوایی و گینه نو نیز وارد میدان شده‌اند. از طرف دیگر، فناوری پایانه‌های شناور (FLNG) نیز امکان بهره‌برداری از منابع دور از ساحل را فراهم کرده است. این فناوری در آینده می‌تواند هزینه‌ها را کاهش دهد و دسترسی به منابع جدید را ممکن کند.

چالش‌های محیط‌زیستی؛ نقطه‌ضعف توسعه

در حالی که LNG نسبت به زغال‌سنگ و نفت خام انتشار کربن کمتری دارد، اما فرایند تولید و انتقال آن بدون اثرات زیست‌محیطی نیست. انرژی مورد نیاز برای سردسازی گاز، خود منجر به انتشار گازهای گلخانه‌ای می‌شود. همچنین، نشت متان از تاسیسات، یکی از نگرانی‌های اصلی فعالان محیط‌زیست است. برخی شرکت‌ها در تلاش برای کاهش اثرات زیست‌محیطی تولید LNG هستند. استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر در مراحل مایع‌سازی، بهینه‌سازی مصرف سوخت در کشتی‌ها و توسعه فناوری‌های جذب کربن، بخشی از این راهبردها است. با این وجود، بحث‌ها پیرامون نقش LNG در آینده پاک انرژی ادامه دارد.

LNG؛ توقفگاه یا گذرگاه؟

برخی کشورها و نهادهای بین‌المللی، LNG را سوختی گذرا در مسیر گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر می‌دانند. این سوخت می‌تواند جایگزین سوخت‌های آلاینده‌تر شود، بدون اینکه الزاماً پایدار تلقی شود. در مقابل، برخی معتقدند LNG باید جایگاهی دائمی در سبد انرژی جهانی داشته باشد، به‌ویژه برای کشورهایی که زیرساخت‌های لازم برای تجدیدپذیرها را ندارند. این اختلاف نظر، بر سرمایه‌گذاری‌های آینده نیز تاثیر خواهد گذاشت. هرچقدر تقاضای جهانی برای برق پاک بیشتر شود، آینده LNG با عدم قطعیت بیشتری روبه‌رو خواهد شد. اما تا زمانی که برق خورشیدی و بادی نتوانند پاسخگوی تقاضای جهانی باشند، LNG نقش خود را حفظ خواهد کرد.

در آستانه فصل تازه‌ای از رقابت

امروز، صنعت LNG در آستانه تغییرات عمیق قرار دارد. تغییر الگوهای مصرف، رقابت فزاینده، نگرانی‌های اقلیمی و فشارهای سیاسی، همه در شکل‌دادن آینده این صنعت نقش دارند. در چنین شرایطی، کشورهایی که بتوانند با کاهش هزینه‌ها، افزایش بهره‌وری و توجه به الزامات محیط‌زیستی حرکت کنند، سهم بیشتری از بازار خواهند گرفت. بازار LNG از حالت سنتی خارج شده و وارد مرحله‌ای پویا شده است. قراردادهای متنوع، بازارهای منطقه‌ای تازه، و مشتریان غیرسنتی، همه گواهی از تحولی بنیادی هستند.

ابتکار قضات در استفاده از مجازات جایگزین از ورود افراد به زندان جلوگیری می‌کند

شما محکومید به تهیه کتاب

خرید کفش برای دانش‌آموزان، آموزش شیرینی‌پزی به زنان نیازمند و کاشت و مراقبت از ۵۰۰ نهال از جمله مجازات‌های جایگزینی است که قضات برای محکومان تعیین کرده‌اند

سیما فراهانی
هفت‌صبح

مجرمند و در چنگال قانون گرفتار شده‌اند اما باید طور دیگری مجازات شوند. قرعه به نامشان می‌شود و قرار نیست حبس بکشند، در ازای آن باید مشغول یک فعالیت اجتماعی شوند. تاوان جرمشان انجام خدمت برای جامعه است. به زندان نمی‌روند و با خلافکارهای دیگر آشنا نمی‌شوند، به‌خاطر یک جرم سبک، در میان مجرمان خطرناک و حرفه‌ای شب و روزشان را نمی‌گذرانند. عمرشان پشت میله‌های زندان تباه نمی‌شود و از خانواده‌هایشان دور نمی‌مانند.

خیلی وقت است که قانون به کمک این مجرمان سبک آمده تا در ازای خدمت به جامعه از مجازات اصلی رها شوند. مجازات‌های جایگزین نه تنها فرصتی برای اصلاح رفتار مجرمان فراهم می‌آورند، بلکه می‌توانند به بهبود جامعه و افزایش آگاهی عمومی نیز کمک کنند. این نوع مجازات‌ها با تکیه بر جنبه‌های مثبت و خلاقانه، می‌توانند به عنوان راهکاری موثر در راستای بازدارندگی و اصلاح افراد در نظر گرفته شوند. در نهایت، این رویکردها می‌توانند به ایجاد جامعه‌ای سالم‌تر و مسئول‌تر منجر شوند. مجازات‌های جایگزین می‌توانند راه‌حلی موثر برای کاهش جمعیت زندانیان و ارائه فرصتی برای اصلاح رفتار و کمک به جامعه باشند. با این حال، برای موفقیت این نوع مجازات‌ها نیاز به شفافیت، آموزش و استفاده صحیح از قوانین احساس می‌شود تا از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری شود. مجازات‌های جایگزین، با در نظر گرفتن شرایط ویژه متهمان و نظارت دقیق بر اجرای آن‌ها، می‌توانند راهکار موثری برای اصلاح رفتار مجرمان و کاهش جمعیت زندانیان باشند.

با این حال، نیاز به توجه و بررسی دقیق شرایط هر پرونده و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی احساس می‌شود. همچنین، ایجاد یک نگرش مثبت در جامعه نسبت به این نوع مجازات‌ها و کاهش انتقادات می‌تواند به بهبود وضعیت حقوقی و اجتماعی کمک کند.

محکومیت مدیرعامل به تهیه کتاب

در چند ماه اخیر قضات زیادی در سراسر کشور، با صدور احکام جایگزین به جامعه‌ای سالم‌تر و بهتر کمک کردند. به عنوان مثال چند وقت پیش، مدیر پالایشگاه ششم گاز پارس جنوبی به خاطر آلودگی و تهدید سلامت مردم، محکوم شد! اینجا دیگر فقط جریمه نقدی درکار نبود. مدیرعامل باید آلودگی را هم کاهش دهد و کتاب‌هایی برای کتابخانه عمومی شهرستان عسلویه تهیه کند. این حکم نشان می‌دهد که دستگاه قضا چقدر به سلامت مردم و محیط زیست اهمیت می‌دهد.

خدمت به طبیعت به جای زندان

در آستانه اشرفیه نیز چهار نفر که به شکار غیرمجاز پرداخته بودند، به ۰۸۶ ساعت خدمات محیط زیستی رایگان محکوم شدند. رئیس محیط زیست شهرستان گفته که این نوع احکام باعث می‌شود افراد به جای زندانی شدن، به طبیعت خدمت کنند. اینطوری هم به محیط زیست کمک می‌کنند و هم از زندان دور می‌مانند.

قاضی دادگاهی در گلستان هم پنج نفر را به جای زندان، به مرمت و لایروبی کانال‌های آبرسان تالاب‌ها محکوم کرد. این افراد به خاطر تخریب دیواره کانال‌ها تحت پیگرد قرار گرفته بودند و حالا باید برای مرمت این کانال‌ها کار کنند. این افراد با تخریب دیواره کانال آبرسان به تالاب‌های آلاگل، آلماگل و آجی گل، آبی که قرار بود این تالاب‌های سه گانه را پُر کند به زمین‌های کشاورزی خود برای آبیاری منحرف کرده بودند که با شکایت محیط زیست استان، پرونده قضایی آنها در دادگستری رسیدگی شد. با رای قاضی این پنج نفر به حبس و مجازات تکمیلی محکوم شدند اما از آنجا که سابقه کیفری نداشتند به استناد قانون، مجازات حبس آنها به الزام به خدمات عمومی رایگان تبدیل شد. همچنین دو شکارچی غیرمجاز هم در بخش داشلی برون به جای زندان به تهیه تجهیزات پایش برای حفاظت از گونه‌های پرندگان این تالاب‌های سه گانه مکلف شدند.

یک فرد هم که درختان جنگلی بلوط را قطع کرده بود، به کاشت و مراقبت از ۰۰۵ نهال جنگلی و شرکت در دوره‌های آموزشی محیط زیست محکوم شد. از این متخلف، ۰۰۲۴ کیلوگرم چوب جنگلی کشف شده بود و با رای دادگاه کیفری، علاوه بر این مجازات، محکوم به انجام یک دوره مراقبتی به مدت یک سال جهت شرکت در دوره آموزشی مسائل محیط زیست نیز شد.

خرید کفش برای دانش‌آموزان در لواسان

راننده‌ای که با یک دانش‌آموز ۸ساله تصادف کرده بود، به جای حبس، موظف شد ۸ جفت کفش برای دانش‌آموزان همان مدرسه بخرد. متهم با توجه به نداشتن سابقه کیفری و ابراز ندامت، در رابطه باجنبه خصوصی جرم به پرداخت دیه محکوم اما راجع به جنبه عمومی جرم به‌جای یک ماه حبس با حکم مجازات جایگزین حبس دادگاه، محکوم شد ۸ کفش برای ۸ دانش‌آموز همان مدرسه‌ای که کودک سانحه‌دیده درس می‌خواند، خریداری کند.

پاکسازی آرامستان‌ها به عنوان مجازات

همچنین چند ماه پیش نیز، راننده‌ای که به خاطر بی‌احتیاطی باعث مرگ یک عابر شده بود، به پاکسازی علف‌های هرز آرامستان‌های شهرستان پارس‌آباد محکوم شد. بر اساس رای دادگاه این فرد علاوه بر محکومیت به پرداخت دیه، به ۶ ماه حبس تعزیری نیز محکوم شده بود.

تاثیر قانون مجازات جایگزین

میثم حسین پور، قاضی سابق دادسرای ویژه سرقت و رئیس شعبه ۲۰۱ دادگاه لواسانات است. او که به یک قاضی خلاق در صدور احکام جایگزین معروف است، در این باره به خبرنگار هفت‌صبح می‌گوید: «قانون مجازات ایران در سال ۲۹۳۱ دستخوش تغییرات عمده‌ای شد که به ویژه در زمینه مجازات‌ها و نحوه تعیین آن‌ها تاثیر گذار بود. یکی از مهم‌ترین این تغییرات، معرفی مجازات‌های جایگزین بود که هدف آن کاهش جمعیت زندانیان و جلوگیری از ورود افراد به زندان به ویژه در جرایم کم‌اهمیت است. مجازات‌های جایگزین تنها در جرایم کم‌اهمیت و غیرعمدی قابل اجرا هستند. این مجازات‌ها به قاضی این امکان را می‌دهند که به جای حبس، از مجازات‌های جایگزینی استفاده کند که می‌تواند به نفع فرد و جامعه باشد. قانونگذار در این زمینه دست قاضی را باز گذاشته است تا بتواند با توجه به شرایط خاص هر پرونده، از مجازات‌های جایگزین استفاده کند و از رفتن افراد به زندان جلوگیری کند.»

چالش «مرده شستن»

این قاضی خوشفکر به بعضی از احکام عجیب در این حوزه اشاره می‌کند و می‌گوید: «متاسفانه به دلیل خلأهای قانونی، ناآگاهی یا نظرات مختلف، بسیاری از همکاران از این مجازات‌ها استفاده نمی‌کنند. این موضوع باعث شده که بسیاری از متهمان به زندان فرستاده شوند در حالی که می‌توانستند از مجازات‌های جایگزین بهره‌مند شوند. برخی از انتقادات به رفتارهایی اشاره دارند که ممکن است در تعیین مجازات‌های جایگزین اتفاق بیفتد. به عنوان مثال، مواردی مانند «مرده شستن» به عنوان مجازات جایگزین، نه تنها غیرعرفی بلکه غیرقابل پذیرش است. اینگونه حکم‌ها باعث ایجاد ذهنیت منفی نسبت به مجازات‌های جایگزین شده‌اند.»

مزایا و جایگزین‌های مثبت

میثم حسین‌پور در ادامه صحبت‌هایش از نکات مثبت این احکام می‌گوید: «با وجود چالش‌ها، مجازات‌های جایگزین می‌توانند به جلوگیری از زندانی‌شدن افراد کمک کنند و در عوض، اقدامات موثری را در جامعه انجام دهند. مجازات‌های جایگزین می‌توانند به نفع جامعه و بهبود شرایط اجتماعی باشند. بیشتر احکام جایگزینی که در حال حاضر در جریان هستند، معمولاً به مسائل زیست‌محیطی و اجتماعی مربوط می‌شوند. برخی نهادهای عمومی مانند شهرداری‌ها و سازمان‌های محیط زیست در زمینه اجرای مجازات‌های جایگزین بسیار فعال هستند و استقبال خوبی از این نوع مجازات‌ها دارند. در برخی موارد، می‌توان از مهارت‌های متهمان برای کمک به جامعه استفاده کرد. به عنوان مثال، در زمینه آسیب‌های اجتماعی، می‌توان از تخصص متهم برای آموزش مهارت‌های جدید به افراد نیازمند استفاده کرد.»

مجازات آقای شیرینی فروش

قاضی دادگاه چند مورد از احکام جالب جایگزین را که اخیرا صادر کرده، روایت می‌کند: «فردی که به عنوان استاد شیرینی‌پزی شناخته می‌شود را به آموزش زنان نیازمند که قادر به پرداخت هزینه کلاس شیرینی‌پزی نیستند، موظف کردم. جرم این مرد، تهدید علیه بهداشت عمومی بود. به او گفتم به مدت هشت هفته، هر هفته هشت ساعت خانم‌های نیازمندی که هزینه کلاس رفتن را ندارند، اما علاقه زیادی به شیرینی‌پزی دارند، به صورت رایگان آموزش دهد. اتفاقا با استقبال خودش هم مواجه شد. این اقدام نه تنها به بهبود وضعیت اجتماعی کمک می‌کند، بلکه باعث افزایش عزت نفس این زنان نیز می‌شود.»

کاشت نهال به نام یک کودک کار

قاضی خلاق در خصوص صدور حکم دیگری ادامه می‌دهد: «مجرمی داشتم که در خصوص حادثه حین کار محکوم شده بود. به جای شش ماه حبسی که قانون در نظر گرفته بود، به او گفتم هزینه درمان هشت کارگر که در محیط کاری دچار آسیب شده‌اند را پرداخت کن. یکی دیگر از احکامی که صادر کردم هم مربوط به کودکان کار بود. مجرم را محکوم کردم که تهیه درخت شناسنامه‌دار در سطح شهر به نام یکی از کودکان کار. هدفم این بود که یک کودک کاری که از آن خیابان رد می‌شود و اسم خودش را در آن درخت ببیند شاید باعث افزایش عزت نفسش شود.»

شخصیت، سن و مهارت متهم

در صدور احکام جایگزین، شخصیت متهم، سوابق قبلی، نوع جرم و شرایط خانوادگی او مورد بررسی قرار می‌گیرد. این عوامل می‌توانند تاثیر زیادی بر تصمیم قاضی داشته باشند. میثم حسین پور با اعلام این موضوع ادامه می‌دهد: «در برخی موارد، ممکن است قاضی به دلیل شخصیت متهم یا وجود شاکی خصوصی از صدور حکم جایگزین منصرف شود. این موضوع نشان‌دهنده اهمیت بررسی دقیق شرایط هر پرونده است. مجازات‌های جایگزین، به‌ویژه در نظام قضایی ایران، به عنوان یک راهکار برای کاهش جمعیت زندانیان و اصلاح رفتار مجرمان طراحی شده‌اند. این مجازات‌ها نیازمند دقت و توجه به جزئیات مختلف متهم و ویژگی‌های جرم ارتکابی هستند. سن و مهارت‌های متهم نیز نقش مهمی در تعیین نوع مجازات جایگزین ایفا می‌کند.»

نکته

میثم حسین‌پور، قاضی دادگاه:
یک استاد شیرینی‌پزی شناخته شده را به آموزش زنان نیازمند که قادر به پرداخت هزینه کلاس شیرینی‌پزی نیستند، موظف کردم. جرم این مرد، تهدید علیه بهداشت عمومی بود. به او گفتم به مدت هشت هفته، هر هفته هشت ساعت خانم‌های نیازمندی که هزینه کلاس رفتن را ندارند، اما علاقه زیادی به شیرینی‌پزی دارند، به صورت رایگان آموزش دهد

راهنما

کلاهبرداری با آگهی‌های استخدام تقلبی

● مجرمان سایبری با استفاده از اطلاعات هویتی، حساب بانکی طعمه‌هایشان را خالی می‌کنند

سرهنگ جواد مختاررضایی
معاون فرهنگی اجتماعی پلیس فتا

شیادان سایبری از نیاز افراد جویای کار سوءاستفاده کرده و با درج آگهی‌های استخدامی کاذب سازمان‌ها و نهادهای دولتی مانند شهرداری تهران و طرح حمایتی ایجاد اشتغال برای جوانان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و شرکت‌های خصوصی در فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی و همچنین سایت‌های آگهی آنلاین از آن‌ها کلاهبرداری می‌کنند.

هدف مجرمان سایبری در ترفند تبلیغات کاریابی و استخدام افراد، کلاهبرداری‌های مالی از آنها و یا دستیابی به اطلاعات هویتی آنها بوده و با انگیزه استفاده از این مدارک در ارتکاب جرایم، سعی در فریب افراد جویای کار دارند.

مجرمان سایبری در ترفند آگهی استخدام، با ایجاد صفحات و درگاه‌های جعلی ثبت نام و بارگذاری مدارک افراد جویای کار، خواهان پرداخت هزینه ثبت نام به شکل اینترنتی و از طریق سایت شرکت می‌شوند و زمانی که افراد اطلاعات حساب بانکی خود را وارد می‌کنند، درست در همان لحظه تبهکاران به اطلاعات شخصی طعمه‌های خود دست یافته و به حساب بانکی آنها دستبرد می‌زنند.

حتی در برخی موارد مجرمان سایبری با تبلیغ استخدام در شبکه‌های اجتماعی و ساخت اپلیکیشن‌های جعلی به دنبال سرقت مالی و اطلاعات هویتی افراد جویای کار هستند چرا که با نصب این اپلیکیشن‌های جعلی در واقع امکان استفاده از اطلاعات ذخیره شده و امکانات گوشی خود را در اختیار فرد مجرم می‌گذارند. بهتر است قبل از واریز هرگونه وجهی به حساب‌های اعلامی از سوی این افراد یا واریز از طریق درگاه‌های جعلی بانکی در خصوص شرکت یا نهاد دولتی که آنها آگهی استخدام داده‌اند تحقیق کرده تا از واقعی بودن استخدام این شرکت یا اداره دولتی اطمینان حاصل شود.

مجرمان سایبری ترفندهای مختلفی را برای به دام انداختن طعمه‌های خود به کار می‌گیرند، برخی در گام اول از فرد رزومه اطلاعاتی فردی و کاری می‌خواهند که در پی جمع‌آوری این اطلاعات در گام بعدی با این ترفند از اطلاعات خصوصی، مدارک و رزومه کاری افراد در یک فرصت مناسب علیه شخص استفاده می‌کنند. مجرمان سایبری از اطلاعات شخصی دیگران برای ارتکاب جرائم استفاده می‌کنند، لذا متقاضیان کار بدون تحقیق، بررسی و اطمینان از اعتبار شرکت آگهی دهنده اقدام به ارسال تصاویر اوراق هویتی و مدارک شخصی خود به افراد ناشناس نکنند.

افرادی که معمولا در دام چنین باندهایی گرفتار می‌شوند فقط جوان‌های کم سن و سال و بیکار نیستند، گاهی افرادی که شاغل و یا تحصیل کرده نیز هستند، اما از شغل و درآمدشان راضی نیستند نیز فریب چنین تبلیغات اغواکننده‌ای را می‌خورند و در رویای کاری بهتر و با درآمد مناسب شغل خود را رها می‌کنند به وعده‌های خیالی دل می‌بندند.

افراد جویای کار توجه داشته باشند هرگونه استخدام در نهادها و دستگاه‌های دولتی و حتی شرکت‌های خصوصی بزرگ و معتبر با شرایط و ضوابط خاص و بر اساس نیازمندی شغلی آن اداره یا شرکت صورت می‌گیرد و اغلب این سازمان‌ها از طریق فراخوان‌های عمومی و یا آگهی در سایت‌های خبری معتبر، نشریات اقدام به جذب نیروی کاری مورد نیاز خود می‌کنند.

افراد جویای کار هشدارهای پلیس فتا را جدی بگیرند و هرگونه آگهی تبلیغ در خصوص استخدام در شرکت‌های خصوصی و سازمان‌های دولتی در فضای مجازی را به دقت بررسی کرده و در صورت مشکوک بودن آگهی، فوری به شماره ۰۹۶۳۸۰ (مرکز فوریت‌های سایبری پلیس فتا) و یا سایت پلیس فتا به آدرس www.fata.gov.ir جهت رسیدگی سریع‌تر در میان بگذارند.

اراذل با انتشار تصاویر زندگی شبانه، مواد مخدر و خشونت‌های خیابانی برای خود بِرند می‌سازند

قُلدری مجازی

اراذل و اوباش، دیگر فقط یک تهدید محلی یا خیابانی نیستند؛ آن‌ها امروز به تهدیدی امنیتی، روانی و اجتماعی در سطح ملی بدل شده‌اند. اگر در گذشته تنها در محلات حاشیه‌نشین دیده می‌شدند، امروز در فضای مجازی با فالوورهای چند هزار نفری قدرت‌نمایی می‌کنند؛ به تازگی فرمانده کل فراجا با صراحت اعلام کرده است که «از روی این افراد رد خواهیم شد» این جمله صریح، نه صرفاً یک تهدید؛ بلکه مطالبه‌ای ملی برای مقابله جدی با پدیده‌ای است که امنیت شهروندان را به چالش کشیده است.

بررسی میدانی و گفت‌وگو با شهروندان در مناطق مختلف شهر تهران نشان می‌دهد که قمه‌کشی، عربده‌کشی، درگیری‌های دسته‌جمعی و زورگیری‌های بی‌پرده، دیگر بخشی از تجربه برخی از مردم شده است. این اتفاقات نه تنها امنیت فیزیکی، بلکه روان عمومی جامعه را هم خدشه‌دار کرده است.

از منظر جامعه‌شناسی، وقتی ساختارهای کنترل اجتماعی تضعیف شوند، گروه‌هایی که خود را فراتر از قانون می‌دانند، با استفاده از خشونت آشکار، حس «بی‌پناهی» را در جامعه افزایش می‌دهند. این پدیده، به گفته بسیاری از جامعه‌شناسان، باعث زایش خشونت ثانویه در لایه‌های دیگر اجتماع می‌شود؛ قربانی امروز، می‌تواند مجرم فردا باشد.

الگوی معیوب؛ وقتی خلافکاران در فضای مجازی قهرمان می‌شوند

رسانه‌های اجتماعی به بستری برای بازتولید شهرت و قدرت تبدیل شده‌اند. امروز بسیاری از اراذل با انتشار تصاویر سلاح سرد، زندگی شبانه، مواد مخدر و خشونت‌های خیابانی، برای خود بِرند می‌سازند. الگوسازی معکوس در این فضا، نوجوانان و جوانان را که در شرایط اقتصادی نامطلوب، تبعیض و یا نبود الگوی سالم، رشد یافته‌اند؛ به سمت این افراد جذب می‌کند.

این چهره‌ها در فضای مجازی به عنوان «مرد میدان» یا «لات با معرفت» جا زده می‌شوند، در حالی که در واقع مصداق تهدید مستقیم علیه امنیت عمومی‌اند. مسئولیت رسانه‌ها و پلتفرم‌های دیجیتال در این زمینه انکارناپذیر است.

سردار مجید در گفت‌وگو با ایسنا، در خصوص فعالیت‌های اراذل و اوباش در صفحات مختلف شبکه‌های اجتماعی و انتشار کلیپ‌های شرارت‌آمیز و فروش سلاح و مهمات در قالب عکس، داده‌نما و عرضه تجهیزات مذکور برای فروش، اظهار می‌کند که این گونه موارد همواره در رصد پلیس فتا قرار داشته و در صورت بررسی و احراز صحت موارد، بلافاصله با هماهنگی پلیس‌های تخصصی، اقدامات مقابله‌ای و قضایی لازم‌الاجرا خواهد شد.

رئیس پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات در ادامه صحبت‌های خود بیان می‌کند که در تحلیل پرونده‌های تشکیل‌شده، در کنار انگیزه‌های مجرمانه مذکور، موارد دیگری از جمله ایجاد صفحات با هدف جذب فالوور و ارائه تبلیغات برای ارتکاب جرم فوق؛ کلاهبرداری به بهانه فروش سلاح و مهمات از طریق دریافت وجه و عدم ارائه سلاح و مهمات، یا ارجاع افراد به درگاه‌های پرداخت جعلی به منظور دستیابی به رمز عبور و سایر اطلاعات فردی و شخصی نیز مشاهده می‌شود.

برخورد قانونی؛ نیاز به بازدارندگی و اصلاح همزمان

بسیاری از پرونده‌های اراذل و اوباش، اگرچه با پیگیری نیروهای انتظامی به مرحله بازداشت می‌رسند، اما در فرایند قضایی با پیچیدگی‌ها و تاخیرهایی روبه‌رو می‌شوند. مطالبه اصلی در این بخش، اصلاح قوانین موجود، افزایش شدت و سرعت برخورد قضایی و در کنار آن، ایجاد مسیرهای اصلاح رفتاری برای این افراد است.

مجازات باید بازدارنده، علنی و هوشمند باشد. در کنار آن، دستگاه قضا باید قوانینی را تدوین کند که با رفتارهای خشن در فضای مجازی نیز مقابله کند.

کسی که با انتشار یک ویدئوی خشن، هزاران نفر را به خشونت جذب می‌کند، مسئول پیامدهای آن نیز هست.

به گفته عبدزاده جرم‌شناس، برای کنترل پدیده اراذل و اوباش باید دو دسته افراد مورد توجه قرار گیرند. یکی افرادی که سابقه شرارت و عناوین مجرمانه دارند، که باید با پایش دائم و بهره‌مندی از اصول فنی تحت نظارت قرار گیرند تا از نظر روانی درک کنند که همواره در تیررس قانون هستند و دوم هم افرادی هستند که مستعد ارتکاب جرمند و می‌توان با بهره‌مندی از علوم و فنون پیشگیری از جرم، تا حد زیادی آن‌ها را کنترل کرد.

مطالبه از دستگاه قضایی؛ قاطعیت، عدالت و پیشگیری

از قوه قضاییه انتظار می‌رود که با همکاری نهادهای امنیتی و انتظامی، مسیر رسیدگی به پرونده‌های اراذل و اوباش را تسهیل و تسریع کند.

علی الستی، یک جامعه شناس ارتباطات نیز با بیان اینکه به برای پیشگیری از وقوع این جرائم باید زمینه‌های اقتصادی جامعه را بهبود ببخشیم، به ایسنا می‌گوید: از لحاظ فرهنگی باید در این زمینه آموزش‌هایی به خانواده‌ها ارائه کنیم و در واقع محیط مناسبی از هر جهت برای رشد و توسعه فردی نوجوانان و جوانان ایجاد کنیم که اصلا به سمت هیچ نوع جرم و خشونتی گرایش پیدا نکنند.

از همه مهم‌تر، آگاه‌سازی خانواده‌ها و مدارس از طریق آموزش رسانه‌ای و مهارتی برای پیشگیری از جذب نوجوانان به این جریان است. شرح مسیر نادرستی که نوجوانان و جوانان ما در برخی از خیابان‌ها و صفحه‌های مجازی از این دست افراد یا به عبارتی اراذل و اوباش می‌بینند.

مرتضی عبدزاده جرم شناس نیز در بخشی از گفت‌وگوی خود در خصوص اراذل واوباش بیان داشت که برخورد با اراذل و اوباش جزو وظایف ذاتی پلیس است و نیاز به اعلام ندارد. مردم توقع عقلانی و منطقی دارند که این موضوع به‌صورت دائم، همه‌گیر و همه‌جانبه پیگیری شود.

وی همچنین در ادامه عنوان می‌کند: این افراد از لحاظ شخصیتی دارای سابقه مجرمیت هستند و باید با آن‌ها به گونه‌ای مجزا از افراد مستعد ولی فاقد جرم برخورد شود. این برخورد باید علاوه بر علمی و منطقی بودن، کاملاً قانونی نیز باشد. نباید این گونه باشد که تنها در مقطعی بنا به سیاست یا شرایطی اقدامی صورت گیرد و بعد رها شود و پدیده دوباره بروز کند. هرچه این پایش دائمی و همه‌گیر باشد، به نفع جامعه خواهد بود و هزینه‌های مادی و معنوی آن را کاهش خواهد داد.

بازگشت به نظم اجتماعی با قدرت قانون و شفافیت رسانه

پدیده اراذل و اوباش، تنها با قاطعیت پلیس یا هیاهوی فضای مجازی مهار نمی‌شود؛ نیازمند اراده جمعی است. قانون باید با قدرت بازدارنده‌اش عمل کند، رسانه‌ها باید حقیقت را شفاف نشان دهند و جامعه باید الگوهای معیوب را پس بزند. این مسیر، طولانی و سخت است، اما اگر آغاز نشود، فردا را برای ما ناامن‌تر خواهد کرد. الستی جامعه شناس ارتباطات در این باره بیان می‌کند که علاوه بر اینکه قوه قضائیه باید احکام سنگین برای این زورگیران ببرد، رسانه‌ها نیز باید تصاویر اجرای حکم و در واقع عاقبت این افراد را نیز به کل جامعه نشان دهند تا سایرین نیز از این اقدامات دست بردارند.

پایان ماه عسل واشینگتن و تل آویو؟

شایعات درباره به‌رسمیت شناختن فلسطین توسط ترامپ در سفر به عربستان، نشانه‌های افول حمایت بی‌چون و چرای آمریکا از اسرائیل است

رامتین لطیفی
روزنامه‌نگار

در آستانه سفر دونالد ترامپ به عربستان سعودی برای شرکت در اجلاس کشورهای خلیج فارس و آمریکا در مه ۲۰۲۵، گمانه‌زنی‌ها درباره یک «اعلامیه بسیار مهم» شدت گرفته است. به گزارش «مدیا لاین»، منبعی دیپلماتیک که نخواست نامش فاش شود، مدعی شد ترامپ ممکن است به‌رسمیت شناختن کشور فلسطین توسط آمریکا را اعلام کند، مشروط به تشکیل دولتی بدون حضور حماس. این منبع افزود: «این تصمیم می‌تواند معادلات خاورمیانه را دگرگون کند و کشورهای بیشتری را به پیمان ابراهیم بکشاند.» پیمان ابراهیم که در سال ۲۰۲۰ با میانجی‌گری دولت ترامپ شکل گرفت، روابط رسمی امارات، بحرین، سودان و مراکش با اسرائیل را برقرار کرد. استیو ویتکاف، نماینده ویژه ترامپ در خاورمیانه نیز از احتمال گسترش این پیمان خبر داده است. با این حال، احمد الابراهیم، دیپلمات پیشین سعودی، این شایعه را بعید می‌داند و می‌گوید: «غیبت رهبران مصر و اردن که پیوندهای عمیقی با فلسطین دارند، احتمال اعلام چنین موضوعی را کمرنگ می‌کند.» او معتقد است تمرکز سفر بر معاملات اقتصادی کلان خواهد بود، مشابه اجلاس ۲۰۱۷ که قراردادهایی به ارزش ۴۰۰ میلیارد دلار برای عربستان و ۱ تریلیون دلار برای امارات به همراه داشت.

افول حمایت بی‌چون و چرا از اسرائیل

این گمانه‌زنی‌ها در حالی مطرح می‌شوند که حمایت سنتی و بی‌قید و شرط آمریکا از اسرائیل که از زمان به‌رسمیت شناختن این کشور توسط هری ترومن در ۱۹۴۸ ریشه دارد، در حال تضعیف است. جنگ غزه که از سال ۲۰۲۳ آغاز شد، نقطه عطفی در این تحول بود. دولت بایدن با ارسال ۱۸ میلیارد دلار سلاح به اسرائیل و حمایت سیاسی از این رژیم جنایتکار، حمایت بی‌سابقه‌ای نشان داد اما این اقدام اعتراضات گسترده‌ای را در آمریکا برانگیخت، به‌ویژه در میان دموکرات‌های جوان و جوامع عرب‌تبار. نظرسنجی گالوپ در مارس ۲۰۲۵ نشان داد تنها ۴۶ درصد آمریکایی‌ها از اسرائیل حمایت می‌کنند، کمترین میزان در ربع قرن گذشته، در حالی که ۳۳ درصد با فلسطینی‌ها همدردی دارند، بالاترین رقم ثبت‌شده در تاریخ آمریکا. نظرسنجی پیو نیز از افزایش نارضایتی از اسرائیل حکایت دارد، به‌طوری که ۵۳ درصد آمریکایی‌ها در سال ۲۰۲۵ نظر منفی به این کشور داشتند، ۱۱ درصد بیشتر از سال ۲۰۲۲. حتی در میان جمهوری‌خواهان، به‌ویژه رأی‌دهندگان زیر ۴۹ سال، نارضایتی از اسرائیل رشد کرده و درصد افرادی که دیدگاه منفی به این کشور دارند، از ۲۷ درصد در سال ۲۰۲۲ به ۳۷ درصد در سال ۲۰۲۵ افزایش یافته است. اعتراضات گسترده علیه بایدن که برخی او را «جو نسل‌کش» نامیدند و واکنش تند ترامپ به معترضان با عنوان «چپ‌گراهای دیوانه»، نشان‌دهنده دوقطبی عمیق در جامعه آمریکا است. از سوی دیگر، این شکاف در روابط آمریکا و اسرائیل با اقدام غیرمنتظره ترامپ در توافق با حوثی‌های یمن در مه ۲۰۲۵ برجسته‌تر شد. طبق گزارش‌ها، ترامپ بدون اطلاع یا هماهنگی با اسرائیل، به توافقی با حوثی‌ها رسید که حملات این گروه به منافع آمریکا در دریای سرخ را متوقف می‌کند اما هیچ تعهدی برای توقف حملات به اسرائیل شامل آن نمی‌شود. این توافق، که به میانجی‌گری عمان انجام شد، خشم مقامات اسرائیلی را برانگیخت. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، در واکنش اعلام کرد: «اسرائیل به‌تنهایی از خود دفاع خواهد کرد.» این رویداد که برخی آن را نشانه‌ای از کاهش اولویت اسرائیل در سیاست خارجی ترامپ می‌دانند، شکاف روبه‌رشد بین واشینگتن و تل‌آویو را آشکار کرد. این تحولات پایان دورانی را نوید می‌دهد که آمریکا بی‌چون‌وچرا پشت اسرائیل می‌ایستاد. البته می‌توان گفت این شکاف از اصلاحات قضایی نتانیاهو در ۲۰۲۳ و نگرانی از گرایش اسرائیل به سمت یک نظام دیکتاتوری متصل به قرائت‌های افراطی مذهبی کلید خورد.

از سوی دیگر، گزارش موسسه مطالعات امنیت ملی تل‌آویو در مارس ۲۰۲۵ هشدار داد که افکار عمومی آمریکا درباره اسرائیل به «منطقه خطر» رسیده و کاهش حمایت این ابرقدرت می‌تواند برای اسرائیل تبعات سنگینی داشته باشد.

جهان و به رسمیت شناختن فلسطین

تا مه ۲۰۲۵، ۱۴۴ کشور فلسطین را به‌عنوان کشوری مستقل به رسمیت شناخته‌اند، از جمله اکثریت کشورهای آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین. با این حال، کشورهای کلیدی غربی مانند آمریکا، کانادا و اکثر اعضای اتحادیه اروپا (به‌استثنای سوئد) هنوز این گام را برنداشته‌اند. از زمان آغاز جنگ غزه در اکتبر ۲۰۲۳، هفت کشور به این فهرست پیوسته‌اند: باهاما، باربادوس، جامائیکا و ترینداد و توباگو در آوریل ۲۰۲۴ و ایرلند، نروژ و اسپانیا در مه ۲۰۲۴. این کشورها، به‌ویژه سه کشور اروپایی، در واکنش به تلفات سنگین غیرنظامیان در غزه و برای فشار بر اسرائیل جهت مذاکره، فلسطین را به رسمیت شناختند. اگر شایعه به‌رسمیت شناختن فلسطین توسط ترامپ صحت داشته باشد، می‌تواند نقطه عطفی در سیاست خارجی آمریکا و سیاست بین‌الملل باشد.

عکس روز

مایکی مدیسون، ستاره فیلم سینمایی «آنورا»، پس از دریافت بیش از ۳۰ جایزه بین‌المللی از جمله اسکار، بفتا و اسپیریت، بالاخره پروژه تازه‌اش را انتخاب کرد: «خزنده» به کارگردانی آلخاندرو لاندس. مدیسون که به‌تازگی پیشنهاد وسوسه‌برانگیز بازی در «جنگ ستارگان» کنار رایان گاسلینگ را رد کرده بود، حالا قرار است در ماجرایی معمایی و مرموز مقابل دوربین ظاهر شود. پیش‌تر بازی در «چیزهای بهتر»، «جیغ ۵» و «روزی روزگاری در هالیوود» او را به چهره‌ای آشنا بدل کرده بود. با توجه به وسواس کاری مدیسون، این انتخاب سبب شده که کاربران فضای مجازی پیش‌بینی کنند «خزنده» موفقیت «آنورا» را تکرار خواهد کرد.

چهره روز

سران اروپا بر سر مزار صلح

رهبران فرانسه، انگلیس، آلمان و لهستان در سفری بی‌سابقه به کی‌یف، پیام فشار به مسکو را از دل میدان جنگ فرستادند

در سفری کم‌سابقه و نمادین، رهبران چهار کشور اروپایی، امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه، فریدریش مرتس صدراعظم جدید آلمان، کی‌یر استارمر نخست‌وزیر بریتانیا و دونالد توسک نخست‌وزیر لهستان، روز شنبه ۲۰ اردیبهشت وارد کی‌یف شدند تا حمایت جمعی خود را از اوکراین به نمایش بگذارند و پیامی واحد به مسکو برسانند: آتش‌بس ۳۰ روزه را بپذیرید یا بهایش را بپردازید. این نخستین بار است که رهبران این چهار کشور به‌طور همزمان در خاک اوکراین حاضر می‌شوند؛ سفری که تنها یک روز پس از رژه نظامی مسکو به مناسبت هشتادمین سالگرد پیروزی بر آلمان نازی، با حضور ولادیمیر پوتین و بیش از ۲۰ رهبر کشورهای متحد کرملین چون چین، برزیل و کره‌شمالی انجام شد؛ نمایشی که از نگاه زلنسکی «رژه‌ای از کینه و دروغ» بود.

رهبران اروپایی بلافاصله پس از ورود، در میدان استقلال کی‌یف گرد هم آمدند، شمع‌هایی روشن کردند و به احترام بیش از ۱۰ هزار غیرنظامی کشته‌شده اوکراینی از آغاز جنگ، یک دقیقه سکوت کردند. سپس در دیداری با ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، بیانیه‌ای مشترک صادر کردند: «ما از درخواست رئیس‌جمهور ترامپ برای آتش‌بس کامل و بدون قید و شرط ۳۰ روزه حمایت می‌کنیم و از روسیه می‌خواهیم که از مانع‌تراشی در مسیر صلح دست بردارد.»

امانوئل ماکرون در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «صلح عادلانه و پایدار با یک آتش‌بس کامل و بی‌قیدوشرط آغاز می‌شود. اگر مسکو همچنان به مانع‌تراشی ادامه دهد، فشارها را تشدید خواهیم کرد، ما به‌عنوان اروپایی‌ها و در همکاری نزدیک با آمریکا، در هماهنگی کامل به‌سر می‌بریم.» او هشدار داد که در صورت رد آتش‌بس، تحریم‌های جدید و سخت‌تری در انتظار مسکو است، هرچند از جزئیات این فشارها چیزی نگفت. فریدریش مرتس هم تأکید کرد: «اگر کرملین آتش‌بس را نپذیرد، نه‌تنها تحریم‌ها ادامه خواهد یافت، بلکه حجم کمک‌های نظامی و مالی ما به اوکراین افزایش می‌یابد.»

این هشدارها در حالی مطرح شد که نیروهای روسی همچنان در امتداد جبهه‌ای به طول ۱۶۰۰ کیلومتر به پیشروی و حملات خود ادامه می‌دهند. روز شنبه، مقامات محلی گزارش دادند که سه غیرنظامی در سومی و یک نفر در خرسون در حملات روسیه جان باخته‌اند. روسیه که حدود ۲۰ درصد از خاک اوکراین را در اشغال خود دارد، تاکنون پیشنهاد آتش‌بس را رد کرده است. دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین، در گفت‌وگو با شبکه آمریکایی ای‌بی‌سی اعلام کرد: «آتش‌بس تنها در صورتی معنا دارد که ارسال سلاح‌های غربی به اوکراین متوقف شود، در غیر این صورت فقط به نفع کی‌یف خواهد بود.» با وجود این، روسیه به‌طور یکجانبه و به مناسبت سالگرد پیروزی، آتش‌بسی سه‌روزه اعلام کرد که نیمه‌شب شنبه پایان یافت. ولادیمیر پوتین در مراسم میدان سرخ، از «شجاعت سربازان روس» تمجید کرد.

این سفر نمادین اروپایی‌ها، از نگاه یکی از نزدیکان ماکرون، «نشان‌دهنده اتحاد سریع و واکنش جمعی اروپا به نمایش قدرت پوتین» بود. این سفر تنها چهار روز پس از انتخابات آلمان و درست یک روز پس از گردهمایی کرملین انجام شد؛ حرکتی که به گفته تحلیلگران، پیامی روشن به مسکو، پکن و دیگر متحدان‌شان است: اروپا قصد عقب‌نشینی ندارد. ماکرون در نشست خبری کی‌یف گفت: «آنچه امروز با لهستان، آلمان و بریتانیا در اینجا می‌بینیم، لحظه‌ای تاریخی برای دفاع اروپاست؛ لحظه‌ای که اروپا تصمیم گرفته خودش مسئول امنیتش باشد، نه فقط برای اوکراین، بلکه برای همه ما.» رهبران اروپایی همچنین اعلام کردند که در صورت تحقق آتش‌بس، آماده‌اند گفت‌وگوهای مستقیم میان کی‌یف و مسکو را تسهیل کنند و از طریق یک «ائتلاف داوطلبان» شامل نیروهای هوایی، زمینی، دریایی و بازسازی اقتصادی، به بازسازی ارتش و زیرساخت‌های اوکراین کمک کنند. هدف این طرح، تقویت اعتماد به صلح آینده است. در حالی که نگرانی‌ها از احتمال توافقی پشت پرده میان ترامپ و کرملین، بی‌حضور یا رضایت اوکراین و اروپا رو به افزایش است، این سفر تلاشی بود برای تثبیت نقش اروپا در هر مسیر صلحی که ممکن است در آینده آغاز شود.

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل

ینگه دنیا

گوگل، جاسوس دیجیتال

غول فناوری به دلیل اتهامات نقض حریم خصوصی کاربران از طریق جمع‌آوری غیرقانونی داده‌ها ۱.۴ میلیارد دلار به ایالت تگزاس پرداخت

دادستان کل تگزاس، کن پکستون، روز جمعه اعلام کرد گوگل با پرداخت ۱.۳۷۵ میلیارد دلار، پرونده‌ای حقوقی درباره نقض حریم خصوصی کاربران را مختومه کرده است. این توافق، بزرگ‌ترین تسویه‌حساب یک ایالت با گوگل در حوزه حریم خصوصی محسوب می‌شود و پیامی قاطع به غول‌های فناوری می‌فرستد: «در تگزاس، فناوری بزرگ‌تر از قانون نیست.» پکستون مدعی است گوگل سال‌ها به‌طور مخفیانه داده‌های حساس کاربران، از جمله موقعیت مکانی، جست‌وجوهای ناشناس و داده‌های بیومتریک را از طریق خدماتی چون گوگل فوتوز و گوگل اسیستنت جمع‌آوری کرده است. داده‌های بیومتریک، اطلاعاتی مانند الگوی صدا، اسکن چهره، یا اثر انگشت هستند که به دلیل ویژگی‌های منحصربه‌فرد هر فرد، برای شناسایی یا تأیید هویت استفاده می‌شوند. این اتهامات که در سال ۲۰۲۲ مطرح شدند، گوگل را به ردیابی غیرقانونی داده‌های خصوصی، حتی در حالت ناشناس، متهم می‌کنند. خوزه کاستانادا، سخنگوی گوگل، این اتهامات را «قدیمی» خواند و گفت برخی از سیاست‌های مورد بحث پیش‌تر تغییر کرده‌اند. او افزود: «ما خوشحالیم که این پرونده را پشت سر می‌گذاریم و به تقویت کنترل‌های حریم خصوصی در خدمات‌مان ادامه خواهیم داد.» گوگل همچنین تأکید کرد که این توافق نیازی به تغییر محصولاتش ندارد.

تاریخچه اتهامات مشابه: جاسوسی در سایه فناوری

این اولین بار نیست که گوگل در مرکز طوفان نقض حریم خصوصی قرار می‌گیرد. در سال ۲۰۱۰، گوگل اعتراف کرد که به‌طور تصادفی داده‌های کاربران را از شبکه‌های وای‌فای در بیش از ۳۰ کشور جمع‌آوری کرده بود که منجر به تشکیل پرونده‌هایی در آمریکا شد، هرچند در بریتانیا تبرئه شد. در سال ۲۰۰۹، سوئیس گوگل را به دلیل نقض حریم خصوصی در سرویس استریت ویو متهم کرد، زیرا چهره‌ها و پلاک‌های خودروها به‌طور کامل محو نشده بودند. در سال ۲۰۲۲، گوگل با پرداخت ۳۹۱.۵ میلیون دلار به ۴۰ ایالت آمریکا به اتهام ردیابی غیرقانونی موقعیت مکانی کاربران بدون رضایت آنها رسیدگی کرد. همچنین، در سال ۲۰۲۰، مرورگر بریو، گوگل را به نقض مقررات اتحادیه اروپا متهم کرد و ادعا کرد گوگل داده‌های کاربران را بدون هدف مشخص جمع‌آوری می‌کند. این اتهامات نشان‌دهنده الگویی تکراری است: گوگل بارها به دلیل جاسوسی دیجیتال و سوءاستفاده از اطلاعات کاربران زیر ذره‌بین قرار گرفته است.

داده‌ها به چه کار گوگل می‌آیند؟

اما چرا گوگل اینقدر به داده‌های کاربران علاقه‌مند است؟ پاسخ در مدل کسب‌وکار این غول فناوری نهفته است: تبلیغات هدفمند. گوگل از داده‌های موقعیت مکانی، جست‌وجوهای کاربران و حتی اطلاعات بیومتریک برای ایجاد پروفایل‌های دقیق کاربران استفاده می‌کند. این پروفایل‌ها به تبلیغ‌کنندگان فروخته می‌شوند تا آگهی‌های شخصی‌سازی‌شده‌ای به کاربران نمایش دهند. به گفته فابریس اپلبوین، متخصص فناوری، این داده‌ها مانند «نفت دیجیتال» هستند که گوگل با استخراج آن‌ها سودهای کلان به جیب می‌زند. برای مثال، وقتی در حالت ناشناس جست‌وجو می‌کنید، گوگل همچنان می‌تواند فعالیت‌های شما را از طریق «فعالیت وب و اپلیکیشن» ردیابی کند، اطلاعاتی که به گفته آسوشیتدپرس، روی بیش از دو میلیارد دستگاه اندروید و اپل تأثیر گذاشته است. این داده‌ها نه‌تنها برای تبلیغات، بلکه برای بهبود الگوریتم‌های هوش مصنوعی و پیش‌بینی رفتار کاربران نیز استفاده می‌شوند. اریک اشمیت، مدیرعامل سابق گوگل، در سال ۲۰۱۰ گفت: «با تحلیل پیام‌ها و موقعیت مکانی شما، می‌توانیم پیش‌بینی کنیم امروز حالتان چطور است یا کجا می‌خواهید بروید.»

چشم‌انداز آینده: درس عبرت یا تکرار تاریخ؟

توافق ۱.۴ میلیارد دلاری تگزاس، مشابه تسویه‌حساب متا با همین ایالت در سال گذشته بر سر استفاده غیرقانونی از داده‌های بیومتریک، نشان‌دهنده سخت‌گیری فزاینده علیه غول‌های فناوری است. با این حال، منتقدان معتقدند این جریمه‌ها برای شرکتی با درآمد سالانه صدها میلیارد دلار، فقط «هزینه‌ای برای ادامه تجارت» است و جاسوسی دیجیتال غول‌های فناوری مانند سابق ادامه خواهد یافت.

کیوسک

دیلی میل انگلیس می‌گوید فرمانده نیروی دریایی انگلیس به خاطر رابطه پنهانی با یکی از افسران زن از ارتش اخراج شده و این اولین اخراج اخلاقی یک فرمانده در ۵۰۰ سال گذشته است.

لیبراسیون فرانسه، عکس و تیتر اصلی خود را به مصاحبه با ژولیت بینوش، بازیگر فرانسوی که رئیس هیات داوران این دوره جشنواره کن است، اختصاص داد. مصاحبه‌ای که بیش از هر چیزی به جنبش «من هم» پرداخت.

یلو زون

فریاد «فلسطین آزاد» و بازداشت فرزند بازیگر سینمای آمریکا

در حالی که دانشگاه کلمبیا به میدان جنگ سیاسی و دانشجویی بر سر بحران غزه تبدیل شده، نام یک چهره آشنا از هالیوود در میان بازداشت‌شدگان خبرساز شد: رامونا سارزگارد، دختر ۱۸ ساله مگی جیلنهال و پیتر سارزگارد که چهارشنبه شب در جریان اشغال کتابخانه اصلی دانشگاه همراه با حدود ۸۰ نفر دیگر توسط پلیس نیویورک بازداشت شد. رامونا که مادرش بازیگر تحسین‌شده فیلم‌هایی چون «دختر گمشده» است، به جمع معترضانی پیوسته بود که با پوشیدن ماسک و چفیه، پرچم فلسطین را بر قفسه‌های کتاب آویزان کردند و شعارهایی چون «فلسطین آزاد» سر دادند. معترضان حتی روی مبلمان و قاب‌های کتابخانه شعارهایی نوشتند و در برابر نیروهای امنیتی مقاومت کردند. دانشگاه کلمبیا اعلام کرده بیش از ۶۵ دانشجو را به طور موقت تعلیق کرده و ۳۳ نفر دیگر از جمله فارغ‌التحصیلان معترض را از ورود به دانشگاه ممنوع کرده است. البته مشخص نیست که رامونا هم شامل تعلیقی‌ها می‌شود یا نه. این اعتراض که همزمان با امتحانات پایان ترم رخ داد، واکنش تند مقامات آمریکایی را به‌دنبال داشت. مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا هم از بررسی وضعیت ویزای دانشجویان خارجی برای اخراج احتمالی آنها خبر داد. رامونا که فرزند یک زوج محبوب سینمایی است، حالا ناخواسته به یکی از چهره‌های بحث‌برانگیز این اعتراضات بدل شده و باید دید آیا خانواده جیلنهال-سارزگارد درباره این اتفاق سکوت خواهند کرد یا نه.

حاشیه

خاطرات برند شوستر؛ از مارادونا تا پاپ

ستاره‌ای که اتوبوس اتلتیکو مادرید را ربود!

برند شوستر، سرمربی آلمانی و بازیکن پیشین رئال مادرید و بارسلونا، در برنامه «هتل ستارگان» رادیو مارکا، در کنار مرور دوران حرفه‌ای خود، یکی از بامزه‌ترین و عجیب‌ترین خاطراتش را با خنده برای مخاطبان تعریف کرد: روزی که به شوخی پشت فرمان اتوبوس تیم اتلتیکو مادرید نشست!

او گفت: «بعد از یکی از بازی‌ها، آنقدر سرخوش و شاد بودیم که من پشت فرمان اتوبوس تیم نشستم. بازیکنان در عقب اتوبوس آواز می‌خواندند و جشن گرفته بودند». هرچند فقط چند متر رانندگی کرد اما خودش این لحظه را «یکی از آن لحظات دیوانه‌واری که هیچ‌وقت فراموش نمی‌شود» توصیف کرد. این ماجرا فضای برنامه را پر از شور و خنده کرد و حسابی مورد توجه شنوندگان قرار گرفت.

ژابی آلونسو و کلوپ، گزینه‌های ایده‌آل برای رئال

در بخش دیگری از برنامه، شوستر درباره آینده نیمکت رئال مادرید صحبت کرد و بی‌هیچ تردیدی ژابی آلونسو و یورگن کلوپ را بهترین گزینه‌ها برای هدایت این تیم دانست. درباره ژابی گفت: «او شخصیتی قوی دارد و سبکی مشخص از خودش ارائه داده. پیشرفت او در بایر لورکوزن واقعا ستودنی است.»

شوستر همچنین با قاطعیت از یورگن کلوپ حمایت کرد و گفت: «کلوپ جاذبه‌ای خاص دارد. بلد است دل رختکن و هواداران را به دست بیاورد. او می‌تواند انرژی، کاریزما و فلسفه‌ای به برنابئو بیاورد که کاملا با روح رئال مادرید هماهنگ است.»

او تأکید کرد: «در رئال فقط تاکتیک کافی نیست؛ باید رهبر بود». به اعتقاد او، هم ژابی و هم کلوپ این ویژگی را دارند. شوستر تجربه کلوپ در لیگ قهرمانان را نیز یک امتیاز مهم برای باشگاهی مانند رئال دانست.

خاطرات شخصی، از پاپ تا هوگو سانچز!

صحبت‌های شوستر تنها محدود به تحلیل فنی نبود. او خاطرات شخصی شیرینی هم تعریف کرد که مورد توجه مخاطبان قرار گرفت. مثلا درباره انتقالش به رئال مادرید گفت: «وقتی به رئال پیوستم، طوری به ماجرا پرداختند که انگار پاپ با این تیم قرارداد بسته!»

او همچنین خاطره بامزه‌ای از هوگو سانچز تعریف کرد: «با من شرط بست که در تمرین ۱۰ گل می‌زند... ۱۲ تا زد!»

مادرید، شهری که زندگی‌ام را تغییر داد

در بخش احساسی گفت‌وگو، شوستر از تأثیر زندگی در مادرید گفت: «از آلمانِ خاکستری آمده بودم و اینجا با نور، شادی و زندگی آشنا شدم... مادرید زندگی‌ام را عوض کرد». او پایتخت اسپانیا را محبوب‌ترین نقطه دنیا برای خودش دانست.

یادی از مارادونا

در پایان، شوستر با احساسی عمیق از دیگو آرماندو مارادونا یاد کرد و گفت: «بازی کردن کنار مارادونا یک افتخار بود. او جادو داشت؛ کارهایی می‌کرد که هیچ‌کس دیگری نمی‌توانست».

متخصص قلب دوم فوتبالیست‌ها

همه چیز درباره قوس کف پای ستارگان

آزاده ابوطالبی
هفت‌صبح

مهم‌ترین ابزار ورزشکاران، سلامت و جسم است و برای بازیکنان فوتبال مهم‌ترین ابزار، پاها هستند. یک بازیکن فوتبال وقتی از ناحیه پا دچار مصدومیت یا مشکل شود، آن وقت حرفه و شغل و زندگی‌اش به خطر خواهد افتاد حتی اگر او یک ستاره سرشناس باشد. بازیکنان فوتبال (ورزشکاران حرفه‌ای) ناچار به مراقبت از پاهای‌شان هستند و در این میان یک تخصص جالب و ویژه پزشکی نقش مهمی دارد.

دکتر امید زیوری، پزشک و متخصص پودیاتری است. پودیاتری طراحی و ساخت کفی طبی برای ورزشکاران و بیمارانی است که سلامت کف پا، مچ پا و اندام تحتانی آنها دچار مشکل هستند. پودیاتری درواقع استفاده از وسایل برای کمک به عضو آسیب دیده است. اما آنچه فعالیت دکتر زیوری را قابل توجه می‌کند، حضور چهره‌های سرشناس ورزش کشور است. به‌خصوص بازیکنان مطرح لیگ‌برتر و تیم‌ملی فوتبال ایران؛ چرا که برای یک فوتبالیست، سلامت پاها یکی از اصل‌های اساسی است.

سرعتی‌ها و ماراتن‌من‌ها

قوس کف پا یا قوس پنجه پا، اگر دچار اختلال باشند علاوه براینکه فرد را در گام برداشتن دچار مشکل می‌کنند بلکه باعث مصدومیت می‌شوند. از این رو بسیاری از تیم‌های ورزشی و ورزشکاران همواره پیش از آغاز مسابقات تست‌های مرتبط با سلامت کف‌پا را انجام می‌دهند: «در همه جای دنیا ورزشکاران معاینه می‌شوند و یکی از روش‌های معاینه اسکن کردن است. این تست‌ها پیشگیرانه است و وضعیت کف پای او نشان می‌دهد که آیا فرد ممکن است در آینده دچار مصدومیت شود!»

او که تخصصش را در کشور آلمان و زیر نظر یکی از اساتید مطرح این رشته گرفته، با بازیکنان سرشناسی از فوتبال ایران به واسطه همین تخصص در ارتباط است. در صفحه اینستاگرام او عکس‌هایی از حضور ستاره‌های مطرح لیگ‌برتر و تیم ملی وجود دارد: «بله من با پرسپولیس، استقلال و بسیاری از باشگاه‌های لیگ‌برتر و بازیکنان تیم‌ملی کار کرده‌ام. یکی از مشکلات شایع که به خاطر مشکلات و عدم سلامت کف پا ایجاد می‌شود در ناحیه همسترینگ است. یکی از ستاره‌های سابق فوتبال ایران که بارها از ناحیه همسترینگ مصدوم می‌شد درواقع از ناحیه کف‌پا دچار مشکل بود.»

این بازیکنان بعد از انجام تست و اسکن‌های مورد نظر، کفی‌های طبی مخصوص خودشان را می‌گیرند. جالب است که امیرحسین حسین‌زاده و علی علی‌پور دو آقای گل حال حاضر فوتبال ایران، در زمره بازیکنانی هستند که عکس‌های‌شان در مطب دکتر زیوری دیده می‌شود: «می‌توانید از بازیکنانی که استفاده کرده‌اند بپرسید که چقدر برای‌شان کارایی دارد و مفید است. طراحی کفی طبی براساس اسکن‌های انجام شده روی پای هرکدام از بازیکنان درست شده و نیروهای وارد شده از سمت زمین را خنثی می‌کند. درواقع قوس کف پا حکم کمک فنر را برای بازیکنان دارد. یک نکته جالب این است که بازیکنانی که قوس کف پای‌شان زیاد باشد، سرعت بسیار بالایی دارند اما در مسافت، کوتاه. در مسافت‌های طولانی اما آنها به مشکل می‌خورند.»

جالب است که دکتر دیتمار والتر استاد دکتر زیوری نیز در آلمان و در سال ۲۰۰۹ به کریستیانو رونالدو و پیش از آن به مایکل شوماخر قهرمان افسانه‌ای فرمول ۱ نیز از این کفی‌های طبی داده است: « بله بسیاری از بازیکنان بزرگ دنیا نه فقط در فوتبال که رشته‌های مختلف ورزشی مثل بسکتبال و والیبال هم برای حل مشکلات کف پا از این وسایل استفاده می‌کنند. یکی از باشگاه‌هایی که به‌طور حرفه‌ای و رسمی در پیش‌فصل این کار را می‌کند بارسلونا است.»

اما این روش مانند هر روش دیگری مخالفان خاص خودش را هم دارد: «یکی از مشکلات بزرگ این است که کفی‌ها چون یک وسیله خارجی است، شاید برخی با آن ارتباط نگیرند. چون سلامتی برای ورزشکاران خیلی مهم است، ممکن است برخی از آنها دوست نداشته باشند که کسی متوجه شود که از چنین وسایلی استفاده می‌کنند اما نکته مهمی که وجود دارد این است که برخی از بازیکنان زمانی که در ایران حضور داشتند، علاقه‌ای به این کار نشان نمی‌دادند اما بعد از اینکه در خارج از ایران بازی کردند، اهمیت چنین موضوعی را فهمیده و به کلینیک مراجعه می‌کنند.» دکتر زیوری که در استقلال و پرسپولیس و با بازیکنان این دو تیم در مواقع مختلف همکاری داشته، اضافه می‌کند: «یکی از ستاره‌های فوتبال ایران، وقتی آمد مورد آزمایش قرار گرفت و من به او گفتم که دچار مشکل است و باید کفی طبی استفاده کند وگرنه دچار مصدومیت خواهد شد.

> نکته
> **برخی از بازیکنان زمانی که در ایران حضور داشتند، علاقه‌ای به این کار نشان نمی‌دادند اما بعد از اینکه در خارج از ایران بازی کردند، اهمیت چنین موضوعی را فهمیده و به کلینیک مراجعه می‌کنند**

او البته گفت راهم دور است و نمی‌توانم بیایم. مشکلش این بود که روی لبه خارجی پایش راه می‌رفت. متاسفانه او در بازی بعدی تیمش که یک بازی بین‌المللی بود دچار مصدومیت شد.»

در حدود ۱۰۰ ورزشکار حرفه‌ای که اغلب بازیکنان فوتبال هستند، برای حل و درمان مشکلات کف پا از کفی‌های طبی استفاده می‌کنند. نکته قابل توجه اینجاست که برخی از مصدومیت‌هایی که بازیکنان سرشناس و بعضا ملی‌پوش ایرانی با آن مواجه هستند ریشه در همین مشکل دارد. در این میان یکی از لژیونرهای سرشناس که دچار مصدومیت‌های متوالی می‌شود، مشکلات عدیده کف پا دارد.

اما آنطور که دکتر زیوری می‌گوید، بازیکنانی که قوس کف پایشان زیاد است، بسیار سرعتی هستند. این افراد نمی‌توانند ماراتن بدوند اما در ۱۰۰ متر و ۲۰۰ متر سرعت بالایی دارند. یا بازیکنانی که پای پرانتزی دارند بیشتر از حرکات داخل پا استفاده می‌کنند. این مشکلی است که در همه جای دنیا وجود دارد و اغلب در مدارس است که بچه‌ها تست‌های لازم را می‌دهند. از همین رو برندهای معروفی در جهان هستند که کفش‌ها را براساس قوس پای افراد سرشناس درست می‌کنند.

این کمک می‌کند که حس بهتری داشته باشند. مثلا برندی مثل نایک انواع مختلف کفش دارد. ممکن است کفشی از این برند بخرید و برای راه رفتن خوب باشد اما کفش دیگرش در زمان راه رفتن باعث مشکل شود.

گزارش ویژه

تورنمنت جدیدی که فوتبال اروپا را شوکه کرد

جنجال بزرگ با سوپرلیگ زنان

گزارش‌های رسانه‌ای از برگزاری یک تورنمنت جدید در آینده نزدیک خبر داده‌اند که به گفته رسانه‌های جهانی، توازن فوتبال زنان را به‌طور کامل دگرگون خواهد کرد.

طبق گزارش روزنامه «گاردین»، جزئیات این تورنمنت فاش شده اما با وجود اعتبار بالای این منابع، بسیاری از باشگاه‌های اروپایی، به‌ویژه باشگاه‌های اسپانیایی، از شنیدن این خبر ابراز شگفتی کرده‌اند و گفته‌اند که هیچ اطلاعی از چنین برنامه‌ای نداشته‌اند. حتی برخی مسئولان، با وجود اعتمادشان به منبع خبر، نتوانستند به‌طور کامل آن را باور کنند. در این گزارش آمده که این مسابقات به‌صورت فوتبال هفت‌نفره برگزار خواهد شد، پیش از فینال لیگ قهرمانان اروپا، با قوانینی نسبتاً عجیب و متفاوت و با حضور تعدادی از برترین باشگاه‌های جهان.

بر اساس گزارش‌ها، نام این رقابت‌ها فوتبال جهانی هفت‌نفره (World Sevens Football) خواهد بود و از ۲۱ تا ۲۳ مه در شهر استوریل پرتغال، در ورزشگاه آنتونیو کویمبرا دا موتا برگزار می‌شود. ارزش جوایز این تورنمنت پنج میلیون یورو اعلام شده است. چند روز پیش نیز لیست رسمی تیم‌های شرکت‌کننده اعلام شد که عبارت‌اند از: آژاکس، بایرن مونیخ، بنفیکا، منچسترسیتی، منچستریونایتد، پاری سن ژرمن، رم و باشگاه روزنگورد سوئد. گاردین گزارش داده که «سکوتی عجیب» فضای دنیای فوتبال را از جمله در یوفا و فیفا، درباره این تورنمنت دربرگرفته بود اما این سکوت زیاد دوام نیاورد، چراکه نخستین انتقادات تند از کشور سوئد و توسط روزنامه یک ورزشی منتشر شد. این روزنامه به نارضایتی باشگاه هاماربی، صدرنشین فعلی لیگ اسکاندیناوی، پرداخت.

طبق این گزارش، باشگاه روزنگورد دیدار خود مقابل تیم هاکن در تاریخ ۲۴ مه را به‌دلیل حضور در این رقابت‌ها به تعویق انداخته است. سرمربی هاماربی، آدریان فون هاینی، گفت: «ما معتقدیم که تورنمنت‌هایی که باشگاه‌های سوئدی در سطح قاره‌ای در آن شرکت می‌کنند، باید تحت نظارت فدراسیون فوتبال سوئد و یوفا برگزار شوند. ما معمولا از مدت‌ها قبل از این برنامه‌ها مطلع می‌شویم، تقویم مسابقات را بر آن اساس تنظیم می‌کنیم و جلسات برنامه‌ریزی بر پایه معیارهای مشخص برگزار می‌شوند. به همین دلیل، اینکه چنین چیزی ناگهان از ناکجاآباد ظاهر شود، بسیار عجیب و به‌کلی بی‌معنا و مضحک است.»

دنیای ورزش

صعود به مرحله نیمه‌نهایی

چوگان ایران مسافر آمریکا شد

مراحل نهایی انتخابی آسیایی چوگان که در زمین آرِنا در مجموعه سوارکاری نوفا در ریاض پایتخت عربستان برگزار شد، با صعود تیم ملی ایران به مرحله نهایی جام جهانی ۲۰۲۵ در ایالات متحده آمریکا به پایان رسید. تیم ایران روز جمعه موفق شد با مجموع نتایج دو بازی رفت و برگشت، تیم پاکستان را با نتیجه ۳۲ بر ۳۰ شکست دهد. بن دوئیس، مدیر اجرایی فدراسیون چوگان عربستان سعودی و پیرو دلِیر، رئیس فدراسیون جهانی چوگان، در مراسمی تیم ملی ایران را با اهدای مدال‌های طلا و تیم پاکستان را با مدال‌های نقره‌ای مورد تقدیر قرار دادند. تیم ملی ایران پس از صعود به جام جهانی ۲۰۲۵ چوگان، جشن صعود خود را برگزار کرد.

بن دوئیس تأکید کرد موفقیت در میزبانی این رویداد، ادامه‌ای بر موفقیت‌های پی‌درپی عربستان سعودی در میزبانی رویدادها و مسابقات ورزشی در سطح قاره‌ای و جهانی است. او همچنین خاطرنشان کرد که هر دو دیدار با رقابتی شدید و سطح بالای فنی برگزار شد. رقابت‌های مقدماتی جام جهانی چوگان در حالی در عربستان سعودی پیگیری می‌شود که نمایندگان ایران توانستند در دومین دیدار خود برابر پاکستان با نتیجه ۱۸ بر ۱۳ به برتری برسند و با توجه به تفاضل گل بهتر نسبت به این تیم مسافر آمریکا شوند.

هر هفته در پارک ملت

لیگ مینی گلف به یاد حادثه بندر شهید رجایی

رقابت‌های لیگ مینی گلف با نام «یاد درگذشتگان اسکله شهید رجایی» از روز جمعه ۱۹ اردیبهشت ماه در باشگاه مینیاتور واقع در پارک ملت تهران با حضور ۲۴ بازیکن در قالب ۶ تیم آغاز شد. در پایان هفته نخست این رقابت‌ها تیم‌های پارسه، هیات گلف شمال شرق و مریان طب به ترتیب موفق به شکست تیم‌های پارسا، وانیشا و گالری مهدی‌زاده شدند و ۳ امتیاز دیدار اول را از آن خود کردند. این رقابت‌ها طی ۱۰ هفته به صورت رفت و برگشت برگزار خواهد شد و در نهایت علاوه بر جدول امتیازات تیمی رقابت در بخش انفرادی نیز به تفکیک آقایان و بانوان بررسی و نفرات برتر معرفی می‌شوند. از نکات قابل اشاره در این رقابت‌ها حضور شرکت‌های خصوصی در کنار تیم‌های شرکت‌کننده به عنوان همراه و حامی ورزش مینی گلف است که این اتفاق را می‌توان سرآغازی بر ورود بخش خصوصی به ورزش مینی گلف بدانیم. علاقه‌مندان می‌توانند هر هفته ساعت ۹:۰۰ صبح این رقابت‌ها را در بوستان ملت تهران از نزدیک شاهد باشند.

پایان ژیمناستیک برای شروع مدلینگ

تسخیر شبکه‌های اجتماعی به‌دست افسونگر

لیوی دان، ژیمناست مشهور دانشگاه ایالتی لوئیزیانا، در آخرین حضورش در شبکه‌های اجتماعی توجه زیادی را به خود جلب کرد و اکنون علاوه بر دنیای ورزش، به چهره‌ای پیشرو در دنیای مد نیز تبدیل شده است. پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه، لیوی زندگی مستقل خود را آغاز کرد و اخیرا تصمیم گرفت به دوران فعالیت خود در ژیمناستیک پایان دهد. آسیبی که در فصل پایانی دانشگاهش به آن دچار شد، باعث شد لیوی دان تصمیم بگیرد تمرکز بیشتری بر فعالیت‌هایش در شبکه‌های اجتماعی و صنعت مدلینگ داشته باشد تا دنیای ورزش. محتوای منتشرشده توسط لیوی فقط محدود به ورزش و مد نیست، بلکه او لحظاتی از زندگی شخصی‌اش را نیز با طرفدارانش به اشتراک می‌گذارد. یکی از آخرین سفرهایش همراه با نامزدش، «پال سکنز»، بازیکن بیسبال تیم «پیتسبرگ پایرتس» بود. اخیرا لیوی دون به دلیل دعوت شدن برای افتتاحیه مسابقه اسب‌دوانی «کنتاکی اوکس» مورد تمسخر کاربران شبکه‌های اجتماعی قرار گرفت. او باید جمله معروف «سوارکاران آماده‌اند» را پیش از آغاز مسابقه اعلام می‌کرد. هرچند کاربران شبکه‌های اجتماعی عملکرد او را به خاطر آنچه بی‌احساسی و کم‌هیجانی از سوی این ستاره فضای مجازی می‌دانستند، مورد انتقاد قرار دادند.

لیوی دون به تازگی پس از آنکه تیم دانشگاه ایالتی لوئیزیانا موفق به کسب عنوان قهرمانی ملی نشد پایان دوران حرفه‌ای خود در ژیمناستیک را اعلام کرده است. او در ویدیویی که توسط دانشگاه تهیه شده بود، گفت: «ژیمناستیک قلبم را پر کرد و بخشی از شخصیت من شد. این ورزش مرا تبدیل به کسی کرد که امروز هستم و خاطرات و روابطی را برایم ساخت که تا پایان عمر باقی خواهند ماند. تو عشق اول من بودی».

لئوی چهاردهم طرفدار پرشور تنیس و بیسبال

رابطه پاپ جدید با گرگ‌ها

یکی از مشاوران برجسته و نزدیک به پاپ لئوی چهارده که او را از چهار دهه پیش می‌شناسد، اعلام کرده پاپ جدید یک بازیکن تنیس پرشور و طرفدار تیم فوتبال رم که به گرگ‌ها در سری A ایتالیا معروفند است. پاپ جدید (۶۹ ساله)، اولین رهبر آمریکایی کلیسای کاتولیک، به عنوان طرفدار تیم بیسبال وایت ساکس شناخته می‌شود، تیمی که مقر آن در شیکاگو است، شهری که پاپ در آن به دنیا آمده. سایت خبری واتیکان تصویری از پاپ جدید منتشر کرده که در آن در حال سوارکاری در پرو است؛ جایی که چند سالی را در آنجا سپری کرده بود. پدر جوزف فارل گفت: «پاپ یک بازیکن تنیس منظم است. او حداقل یک بار در هفته بازی می‌کرد.» وی همچنین تأکید کرد که لئو طرفدار بزرگ‌ترین باشگاه‌های فوتبال رم است. فارل گفت: «او طرفدار برجسته تیم فوتبال رم است.» باشگاه رم این موضوع را به طور مستقیم تأیید نکرد اما پس از انتخاب پاپ جدید، پنجشنبه گذشته، از او استقبال کرده است.

باشگاه در حساب خود در پلتفرم «ایکس» نوشت: «باشگاه رم به همراه پایتخت رم و جهان در جشن انتخاب پاپ لئوی چهارده می‌پیوندد و برای او آرزوی موفقیت دارد.»

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار
سردبیر: افشین امیرشاهی
مدیر هنری: وحید غفاری، دبیر اقتصادی: مهدی خاکی‌فیروز
دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذرپور، دبیر ورزش: امید ذاکری‌نیا

دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده، دبیر جامعه: مهدی علیپور
دبیر صفحه آخر: زینب کاظم خواه، دبیر سیاسی: بابک نبی
دبیر بین‌الملل: رامتین لطیفی، ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتضی کلیلی

هفت صبح ۷

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

کد پستی ۱۹۸۸۶۴۴۳۵۱
شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم

اذان صبح ۰۳:۲۵ | طلوع آفتاب ۰۵:۰۲ | اذان ظهر ۱۲:۰۰ | غروب آفتاب ۱۸:۵۹ | اذان مغرب ۱۹:۱۹

گزارش روز

کلکسیون جوایزی که اتوود به خانه می‌برد

همزمان با به پایان رسیدن فصل پایانی سریال سرگذشت ندیمه، اتوود جایزه افتخار زنان در صنعت سرگرمی را می‌گیرد

زینب کاظم‌خواه
هفت صبح

مارگارت اتوود پیش از آنکه به یکی از مهم‌ترین و تحسین‌شده‌ترین رمان‌نویسان جهان تبدیل شود، شاعر بود. بدون احتساب «همزاد پرسفونه» که خودش در سال ۱۹۶۱ منتشر کرد، اولین کتاب شعر او «بازی دایره‌ای» بود. این کتاب در سال ۱۹۶۶ و در ۲۷ سالگی جایزه ادبی گاورنر جنرال را برای او به ارمغان آورد و بعدها او راهش را در داستان و رمان ادامه داد و شهرتش روزافزون‌تر شد، حالا قرار است هم برای شعرهایش جایزه تقدیر از یک عمر فعالیت هنری را از جایزه شعر گریفین بگیرد و هم به خاطر اقتباس عالی از کتاب «سرگذشت ندیمه»اش جایزه افتخار زنان در سرگرمی کانادا توسط هالیوود ریپورتر را دریافت کند. مارگارت اتوود در سال ۱۹۳۹ در اتاوا، انتاریو متولد شده و در کودکی در طبیعت بکر شمال کبک زندگی کرد و مدتی را نیز در اتاوا، سولت سنت ماری و تورنتو گذراند. او ۱۱ ساله بود که به مدرسه رفت. اتوود در دبیرستان با الهام از ادگار آلن پو شروع به سرودن شعر کرد و در ۱۶ سالگی خود را وقف حرفه نویسندگی کرد.

اتوود ۸۵ ساله یک طبیعت‌گرد پرشور است، دید او نسبت به زندگی رنگ و بوی کمیک دارد؛ مثلا زمانی که یک تور بین‌المللی روی قایق برای رونمایی از «سال سیل» ـ دومین رمان از سه‌گانه «مدآدام» ـ برگزار کرد. او در صورت لزوم به سبک زندگی‌اش دوز مناسبی از طنز اضافه می‌کند. او لین شعر کتابِ بازی دایره‌ای «این عکسی از من است» بود که درباره کسی است که از طبیعت جدا نیست. شعری که با «مدتی پیش گرفته شده» آغاز می‌شود، با این جمله به پایان می‌رسد: «اگر به اندازه کافی نگاه کنی، در نهایت، می‌توانی مرا ببینی.» حدود ۶۰ سال پس از نوشتن این کلمات، قرار است جایزه تقدیر از یک عمر فعالیت هنری از سوی متولیان جایزه شعر گریفین در ژوتن امسال به مارگارت اتوود اهدا شود.

این یکی دیگر از افتخارات تاریخ طولانی این نویسنده ۸۵ ساله است که بیشتر به خاطر رمان «سرگذشت ندیمه» شناخته می‌شود، رمانی که بعدها برای یک سریال تلویزیونی اقتباس شد و در طول شش فصل، ۱۵ جایزه امی ساعات پربیننده را از آن خود کرد. این رمان که یک اثر «پادآرمان‌شهری» است و با تأثیر از «۱۹۸۴»، جورج اورول، نگاشته شده، روایتگر زندگی ساکنان آمریکا پس از سرنگونی دولت به دست بنیادگرایان و تغییرات ناشی از این تحول سیاسی است که براساس آن، زنان این سرزمین ـ که نام آن به گیلیاد تغییر یافته است ـ برمبنای وضعیت تأهل و باروری خود ارزیابی می‌شوند؛ «سرگذشت ندیمه» زندگی پیچیده ندیمه‌هایی را بررسی می‌کند که برده‌های جنسی هستند و مجبور به زایمان برای زوج‌های نابارور نخبه می‌شوند. ناظران فرهنگی و سیاسی خاطرنشان کرده‌اند که مضامین و مفاهیم رمان مشهور این نویسنده متولد کانادا، در فضای امروز که شاهد حملات مکرر دولت دونالد ترامپ به حقوق زنان، مهاجران و سایر جوامع به حاشیه رانده‌شده است، به طرز عجیبی آشنا هستند. اتوود در مصاحبه‌ای گفته بود «تقریبا تمام آنچه در این رمان اتفاق می‌افتد در جایی از تاریخ اتفاق افتاده است.» رمان «قصه ندیمه» به خاطر محتوای ضدمسیحی و صحنه‌های غیراخلاقی از فهرست کتاب‌های درسی مدرسه‌ها و کتابخانه‌های آمریکا حذف شده است.

نام این اثر در میان ۱۰۰ کتاب چالش‌برانگیز طی ۲۰ سال گذشته دیده می‌شود. اما همزمان با نزدیک شدن سریال «سرگذشت ندیمه» محصول شبکه هولو به پایان فصل، مارگارت اتوود، نویسنده این رمان سال ۱۹۸۵ که این سریال تلویزیونی محبوب با بازی الیزابت ماس بر اساس آن ساخته شده است، در رویداد «زنان در سرگرمی کانادا» که در ۲۹ مه در تورنتو برگزار می‌شود، توسط هالیوود ریپورتر مورد تقدیر قرار خواهد گرفت.

این نویسنده، شاعر و فعال کانادایی جایزه آیکون را در دومین مراسم سالانه این رویداد دریافت خواهد کرد. رمان بعدی او که در سال ۲۰۱۹ نوشته است، «وصیت‌ها» نام دارد که در حال حاضر به‌عنوان یک سریال دنباله‌دار در دست اقتباس است. این کتاب در واقع دنبال رمان «سرگذشت ندیمه» است که اتوود در ابتدای آن نوشته است: «خوانندگان عزیز، همه آنچه شما درباره گیلیاد و کارهایش از من پرسیدید، الهام‌بخش نوشتن این کتاب شد.

عامل الهام‌بخش دیگر جهانی است که ما در آن زندگی می‌کنیم.» این جایزه برای تقدیر از چهره‌های فرهنگی کانادایی که در صنعت رسانه و سرگرمی، حضور بیشتری از زنان را ارتقا داده‌اند و دیدگاه هنری آنها به مخاطبان جهانی رسیده است، ایجاد شده.

علاوه بر اتوود، از سه زن پیشگام نیز تجلیل خواهد کرد: تانتو کاردینال، بازیگر تحسین‌شده که جایزه برابری در سرگرمی را دریافت خواهد کرد؛ جین بکر، روزنامه‌نگار مد، دریافت‌کننده جایزه ایمپکت؛ و آمریت کاور، بازیگر-کمدین-فعال که جایزه پیشرفت را به خانه خواهد برد. این مراسم که اکنون در دومین سال خود است، از زنان کانادایی که آینده فیلم، تلویزیون، موسیقی و فراتر از آن را شکل می‌دهند، تجلیل می‌کند.

از آثار نوشتاری گرفته تا روی پرده سینما و از صحنه تا اتاق هیات مدیره، این رویداد نویدبخش تجلیلی الهام‌بخش از استعدادهای پیشگام و صداهای جسورانه است - که طبیعتا اتوود، در صدر آنها قرار دارد.

سلامت روان

مطالعه‌ای جدید نشان داد مکمل غذایی رایج، پرخاشگری را تا ۳۰ درصد کاهش می‌دهد

برای پرهیز از خشونت، امگا ۳ بخورید

مکمل‌های روغن ماهی حاوی امگا ۳ مدت‌هاست که به‌عنوان مکمل‌های مفید برای سلامت قلب تبلیغ می‌شوند. اما مطالعه جدیدی نشان داده است که آنها همچنین پرخاشگری را کاهش می‌دهند. محققان می‌گویند مکمل‌های ایمن و رایج باید در همه جا از زمین بازی گرفته تا سیستم زندان استفاده شوند.

اعمال پرخاشگری آشکار، شامل خشونت کلامی و فیزیکی و قلدری است. سپس، نشانه‌های پنهانی مانند خرابکاری و آسیب به اموال، آتش‌سوزی و سرقت وجود دارد. هر دو می‌توانند بر روابط تأثیر منفی بگذارند و عواقب قانونی داشته باشند. بدیهی است که در بسیاری از سطوح، اگر رفتارهای پرخاشگرانه کاهش یابد، جامعه در وضعیت بهتری قرار خواهد گرفت. یک مطالعه جدید ممکن است راهی برای انجام این کار کشف کرده باشد. مطالعه محققان دانشگاه پنسیلوانیا نشان داد که مکمل‌های رایج امگا ۳، صرف‌نظر از سن یا جنسیت، پرخاشگری را کاهش می‌دهند. آدریان رین، متخصص جرم‌شناسی عصبی دانشگاه پنسیلوانیا و نویسنده اصلی و مسئول این مطالعه، گفت: «فکر می‌کنم زمان آن رسیده است که مکمل‌های امگا ۳ را برای کاهش پرخاشگری، صرف‌نظر از اینکه محیط مورد نظر جامعه، کلینیک یا سیستم عدالت کیفری باشد، به کار ببریم. امگا ۳ جادویی نیست که قرار است مشکل خشونت در جامعه را حل کند اما آیا می‌تواند کمک کند؟ براساس این یافته‌ها، ما قاطعانه معتقدیم که می‌تواند و باید براساس دانش جدیدی که داریم، شروع به اقدام کنیم.» امگا ۳ مدتی است که ارتباط عجیبی با رفتار خشونت‌آمیز دارد. در سال ۲۰۰۱، دکتر جوزف هیبلن، محقق ارشد بالینی در موسسه ملی بهداشت ایالات متحده، مطالعه‌ای را منتشر کرد که در آن به همبستگی بین مصرف مقادیر زیاد ماهی (منبع غنی امگا ۳) و کاهش میزان قتل اشاره شده بود. سال بعد، دانشگاه آکسفورد در بریتانیا مطالعه‌ای را انجام داد که در آن به زندانیان بریتانیایی مکمل‌های غذایی حاوی ویتامین‌ها، مواد معدنی و اسیدهای چرب ضروری داده شد. محققان دریافتند که زندانیانی که مکمل دریافت می‌کردند، کمتر خشونت‌آمیز و ضداجتماعی بودند. محققان در مطالعه حاضر علاوه بر بررسی تأثیر مکمل‌های امگا ۳ بر پرخاشگری، به ویژه می‌خواستند مشخص کنند که آیا امگا ۳ برای همه اشکال پرخاشگری مؤثر است یا خیر. در روانشناسی، بین پرخاشگری «واکنشی»، پاسخی در لحظه به یک تهدید یا تحریک درک‌شده و پرخاشگری «پیش‌فعال» که نیاز به برنامه‌ریزی دارد، تمایز قائل می‌شوند.

محققان فراتحلیلی از ۲۹ آزمایش تصادفی کنترل‌شده انجام دادند که به صراحت پرخاشگری را در افرادی که مکمل امگا ۳ دریافت کرده بودند، اندازه‌گیری کرد. آنها به طور خاص بر رفتار پرخاشگرانه تمرکز کردند و نه بر صفات گسترده‌تری مانند خشم، که بیشتر به‌عنوان یک احساس یا عاطفه درنظر گرفته می‌شود و خصومت که بیشتر یک نگرش است. مطالعاتی که در آن‌ها مکمل‌های غذایی اضافی، مانند کلسیم و ویتامین دی، گنجانده شده بود، محققان آنها را به عنوان یک تعدیل‌کننده بالقوه بررسی کردند.

یک اثر کوتاه‌مدت متوسط مرتبط با مکمل امگا ۳ که به گفته محققان معادل ۳۰ درصد کاهش پرخاشگری است، در سنین، جنسیت، تشخیص اولیه، مدت زمان درمان و دوز مشاهده شد. نکته قابل توجه این است که امگا ۳ هم پرخاشگری واکنشی و هم پرخاشگری پیش‌فعال را کاهش می‌دهد. محققان به داده‌های کوتاه‌مدت محدود بودند زیرا تنها یکی از ۱۹ آزمایشگاهی که این مطالعات را انجام می‌دادند، پس از پایان مصرف مکمل، شرکت‌کنندگان را پیگیری کردند. محققان توضیح می‌دهند که چگونه فکر می‌کنند امگا ۳ اثرات خود را اعمال می‌کند. مطالعات قبلی به رفتار پرخاشگرانه و خشونت‌آمیز با پایه شناختی و عصبی-شیمیایی اشاره کرده‌اند. و امگا ۳ نقش مهمی در ساختار و عملکرد مغز، از جمله تنظیم انتقال‌دهنده‌های عصبی، بیان ژن و کاهش التهاب مغز دارد. به این ترتیب، با توجه به این واقعیت غیرقابل انکار که امگا ۳ به طور گسترده در جنبه‌های مختلف زیست‌شناسی عصبی دخیل است، منطقی است که باور کنیم مکمل امگا ۳ می‌تواند با تنظیم مجدد مکانیسم‌های مغزی که ممکن است در افراد ناکارآمد باشند، نقش علی در کاهش پرخاشگری داشته باشد... با توجه به این فرض که پرخاشگری تا حدی پایه عصبی-زیستی دارد، مطالعات بیشتری برای ارزیابی اثربخشی طولانی مدت مکمل امگا ۳ بر کاهش پرخاشگری مورد نیاز است.

یک دقیقه زندگی

گل‌های مصنوعی همیشه خیره نگاه می‌کنند، چون پژمرده نمی‌شوند

الهه کاکایی
خبرنگار

در گوشه اتاق، گلدانی ایستاده با شاخه‌هایی بی‌حرکت. گل‌هایی با رنگ‌های دقیق، بدون لک، بدون چین، با لب‌هایی بسته که هرگز نمی‌پوسند. گل‌های مصنوعی، همیشه نگاه می‌کنند. بی‌احساس، بی‌اضطراب، بی‌نیاز از آب، از نور، از دستِ نوازشگر. خیره‌اند، چون چیزی برای از دست دادن ندارند. چون مرگ، سراغشان نمی‌آید. اما دقیق‌تر که نگاه می‌کنی، چیزی در این زیبایی بی‌تغییر می‌لرزد. چیزی از جنس نبودن. از جنس تقلید. گل مصنوعی، شکل دارد، فرم دارد، حتی رنگ دارد. اما جان ندارد. زمان در آن جاری نیست و شاید به همین دلیل، هیچ‌گاه به دلت نمی‌نشیند. چون پژمرده نمی‌شود. چون نمی‌میرد. زیبایی، تا وقتی زنده است، آسیب‌پذیر است. زخم‌پذیر. فاسدشدنی. مثل لبخندی واقعی که در میانه اشک شکل می‌گیرد. مثل دستی که می‌لرزد، اما باز هم نوازش می‌کند. مثل گلی که با نخستین نسیم صبح، عطرش را پخش می‌کند و با آخرین نور بعدازظهر، سرش را خم می‌کند. ما، اغلب به دنبال گل‌هایی هستیم که نپوسند، نریزند، لکه نیندازند، تمیز بمانند. مثل روابطی که از درون تهی‌اند، اما ظاهرشان بی‌نقص است. مثل حرف‌هایی که درست‌اند، اما بی‌روح. مثل لبخندهایی که در عکس‌ها می‌مانند، اما در زندگی نیستند. گل مصنوعی، استعاره‌ای‌ست از همه اینها: چیزهایی که ظاهر دارند، اما معنا نه. در خانه‌های بی‌نفس، روی میزهای شیشه‌ای، کنار مجله‌هایی که هیچ‌وقت خوانده نمی‌شوند، گل‌های مصنوعی ایستاده‌اند و ایستادنشان، بیش از آنکه حضور باشد، یادآور غیبت است. غیبت تازگی. غیبت تغییر. غیبت لحظه‌ای که بوی خاک، بوی باران یا صدای خش‌خش برگ را به اتاق می‌آورد. اما گل طبیعی، درد دارد. مراقبت می‌خواهد. وابسته است و درست به همین دلیل، حضورش زنده است. چون در آن، امکان پژمردن هست و اگر چیزی بتواند پژمرده شود، یعنی زمانی در آن جریان دارد. یعنی زندگی، ولو اندک، در تار و پودش نفس می‌کشد. بعضی از ما، در این جهان شتاب‌زده، انتخاب می‌کنیم که گل مصنوعی باشیم. تمیز، دقیق، منظم، بدون ریسک. همیشه خوش‌ظاهر، اما بی‌بو. همیشه مرتب، اما بی‌اثر. بعضی رابطه‌ها، بعضی لبخندها، بعضی تصمیم‌ها، شبیه همین گل‌های مصنوعی‌اند. زیبا، ولی خالی. اما زندگی، با همه رنج‌هایش، در همان پَرِ لرزان یک گل طبیعی‌ست. در همان لحظه‌ای که برگی افتاده یا گلی خشک شده، یا چیزی که دوستش داشتیم، از دست رفته. در آن حسِ فقدان، نوعی اصالت هست که در ثبات گل مصنوعی نیست. گل مصنوعی، پژمرده نمی‌شود. این، امتیازش است و در عین حال، بزرگ‌ترین غیبتش. چون آنچه نمی‌میرد، نمی‌زید و آن‌چه تغییر نمی‌کند، حضور ندارد. اما در انتها این انتخاب ماست: می‌خواهیم مثل گل مصنوعی همیشه بایستیم یا مثل گل طبیعی، هرچند کوتاه، اما با عطر، با لمس، با جان، در دل زمان باشیم. یکی ماندگار است در سکون. دیگری زودگذر است در زیستن.

و شاید، گاهی، بهتر باشد اجازه دهیم پژمرده شویم. چون در پژمردگی، چیزی از معنا هست. چیزی از بودنی که ارزشش را دارد، حتی اگر تمام شود.

کافه ستاره

همه راضی!

از کشف توای حضرت رازی همه راضی این خیل عظیم متقاضی همه راضی

حتما شما هم این شعر طنز را یا شنیده‌اید یا خوانده‌اید. ویدیوی این شعرخوانی سال پیش فقط در یک پیج اینستاگرام ۵ میلیون بازدید داشت و با باز نشر در پیج‌های دیگر به بیست میلیون رسید. این شعر طنز یکی از سروده‌های طنز سعید بیابانکی است که رویکردی اجتماعی سیاسی دارد و حالا به واسطه همین شعر نام تازه‌ترین کتاب شعر سعید بیابانکی هم شده همه راضی! کتابی که ظاهرا دو سال در نوبت دریافت مجوز بوده و بعد از کلی فشار از پایین و چانه زنی از بالا از هزار توی ممیزی رد شده و به نمایشگاه کتاب رسیده. نشر دالاهو این کتاب را منتشر کرده است. تاکنون این کتاب‌های طنز از سعید بیابانکی منتشر شده است: (هی شعر تر انگیزد) توسط نشر سپیده باوران که نوبت چهارم چاپ را تجربه می‌کند، (ضد حالات) که مروارید چاپ کرده و بعد از چهار چاپ فعلا نایاب است و تجدید چاپ نشده، (سکته ملیح) که شهرستان ادب چاپ کرده و سه چاپ آن فروش رفته و به نظرم هنوز تجدید چاپ نشده. سعید بیابانکی با شعرهای عاشقانه، اجتماعی، آیینی و طنز طی این سال‌ها مخاطبان گسترده و متنوعی در میان مردم پیدا کرده است. او همان‌گونه که با شعرهای عاشورایی‌اش می‌تواند اشک مردم را دربیاورد با شعرهای طنزش هم می‌تواند ملت را از خنده روده‌بُر کند. حتما شما هم این بیت مشهور عاشورایی را از سعید بیابانکی شنیده‌اید: پیچیده شمیمت همه جا ای تن بی سر چون شیشه عطری که درش گم شده باشد بیتی که در میان شعرهای عاشورایی چند دهه اخیر به ضرب‌المثل تبدیل شده است. سعید بیابانکی در نمایشگاه امسال با کتاب طنز جدیدش به نام همه راضی آمده تا همه را راضی کند گرچه کار سختی است. در این کتاب ۷۲ قطعه شعر طنز در قالب‌های متنوع شعر کلاسیک در ۱۴۰ صفحه چاپ شده است.

عکس روز

با تشدید درگیری‌های مسلحانه بین هند و پاکستان، کشورهای مسلح به سلاح هسته‌ای، ساکنان سراسر پاکستان و هند برای ذخیره مواد غذایی و سایر مایحتاج ضروری هجوم بردند، در حالی که خانواده‌های ساکن در نزدیکی مرز به مناطق امن‌تر گریختند. / رویترز

یادداشت

خوش‌تیپی به سبک اینستاگرام زندگی به سبک خوابگاه

تضاد بین ظاهر در فضای مجازی و واقعیت معیشت نسل جوان

مهدی خاکی‌فیروز
روزنامه نگار

در اینستاگرام که قدم بزنیم؛ با اولین نگاه، انگار وارد دنیایی شده‌ایم که در آن همه خوش‌پوش، خوشحال و موفق‌اند. لباس‌های برند، گوشی‌های آخرین مدل، کافه‌هایی با دکور مینیمال، سفرهای اروپایی و ژست‌هایی که انگار از دل مجله‌های مد بیرون آمده‌اند.

اما این تصویر رنگی، فقط یک نیمه از واقعیت است؛ نیمه‌ای خوش‌رنگ ولی غالبا ساختگی. نیمه دیگر در اتاقی با دیوارهای ترک‌خورده و اینترنت قرضی از همسایه جریان دارد. همان جوانی که در اینستاگرام، «استایل» خود را با دقت تمام ثبت کرده، شاید همین امروز نگران تمدید قرارداد اجاره‌اش باشد یا هنوز دستمزد پروژه‌فریلنس ماه قبل را نگرفته است.

تضاد میان این «خودِ اینستاگرامی» و «خودِ واقعی» گاه آنقدر زیاد می‌شود که مرز میان خیال و واقعیت را مخدوش می‌کند. جوانانی که در شرایط دشوار معیشتی، تحصیلی و شغلی قرار دارند، ناچارند برای بقا در یک دنیای پررقابتِ مجازی، تصویری از خود بسازند که بیشتر شبیه یک شخصیت خیالی است تا انسانی واقعی. زندگی به سبک خوابگاه در خانه‌های اشتراکی یا پشت‌بام‌های اجاره‌ای، زندگی با بودجه‌ای محدود، غذای فوری، استرس کرایه و اینترنت تقسیطی است. اما همزمان، الگویی از «خوش‌تیپی» و «موفقیت» در حال تثبیت در فضای مجازی‌ست که تناسبی با این واقعیت‌ها ندارد.

این گسست، فقط یک مسئله روانی نیست؛ پیامدهای اجتماعی هم دارد. وقتی میلیون‌ها جوان در برابر معیارهایی قرار می‌گیرند که رسیدن به آنها نیازمند ثروتی است که در اختیار ندارند، ناامیدی، اضطراب و احساس ناکافی بودن به‌تدریج در ذهن‌شان ریشه می‌دواند.

تلاش برای ساختن یک «منِ خوشبخت مجازی» گاه به قیمت فرسودگی واقعی تمام می‌شود. «زیبا به نظر رسیدن» جای «خوب زندگی کردن» را می‌گیرد. و بدتر از همه، احساس می‌کنیم تنها ماییم که از قافله عقب مانده‌ایم، در حالی که واقعیت این است بسیاری از همین چهره‌های بی‌نقص هم، خودشان را به سختی روی آب نگه داشته‌اند.

نسل جوان ایران، گرفتار تضادی‌ست که تنها با نصیحت حل نمی‌شود. نیاز به روایت‌های واقعی‌تری داریم. نیاز داریم که تصویرهای درست‌تری از موفقیت، خوشبختی و زیستن ببینیم. نه صرفا در قالب فقرنمایی‌های گل‌درشت یا لاکچری‌بازی‌های بی‌ریشه، بلکه در روایت‌های انسانی، خاکی و ملموس.

کاش یادمان باشد که آدم‌ها، بیش از دیده شدن، به درک شدن نیاز دارند. شاید وقت آن رسیده که به جای لایک، گوش دادن را تمرین کنیم؛ به حرف‌های ناگفته پشت هر لبخند سفید، پشت هر فیلتر گرم، پشت هر عکس خوش‌تیپ.

از گوشه و کنار دنیا

کنایه مجری تلویزیون آمریکا به ادعای تغییر نام خلیج فارس

جیمی فالن ـ مجری و کمدین آمریکایی ـ ادعاهای مطرح‌شده برای تغییر نام خلیج فارس را مورد تمسخر قرار داد.

به گزارش ایسنا، جیمی فالن کمدین و مجری تلویزیونی معروف آمریکایی در یک برنامه با اشاره به صحبت‌های ترامپ درباره تغییر نام خلیج فارس گفت: «ترامپ گفته یک خبر بزرگ خواهد داشت، یا پنجشنبه یا جمعه یا دوشنبه! حتی اداره پُست هم میگه میشه یکم محدوده زمانی‌ات را دقیق‌تر کنی؟ درباره ترامپ خوندم که قصد داره نام «خلیج فارس» را به خلیج عربی تغییر بده. خب می‌دونم این موضوع جنجالی میشه اما تا حالا هیچ رئیس‌جمهور کشورمون به اندازه ترامپ در تغییر نام «خلیج‌ها» موفق نبوده! خلیج فارس اون طرف دنیاست. نمی‌تونی چیزهایی که مال خودت نیستند را تغییر نام بدی. مثل اینکه بخوای اسم بچه همکارت‌رو عوض کنی! مثلا گفتی چی بود اسمت؟ مکس؟ اسم تو خلیج عربیه! برو بیرون!»

این اظهارات طنزآمیز جیمی فالن در برنامه‌اش به وضوح واکنشی کنایه‌آمیز به سخنان دونالد ترامپ درباره تغییر نام خلیج فارس به خلیج جعلی عربی است. در این شوخی‌ها، فالن با استفاده از طنز هم زمان‌بندی مبهم ترامپ برای اعلام تصمیماتش را به سخره گرفت و هم به انتقاد از تلاش ادعایی او برای تغییر نام‌های تاریخی و جغرافیایی پرداخت.